

بشارتِ ظهور

بجٹی پیرامون

زمینہ سازانِ ایرانی

انقلابِ جهانیِ مہدیؑ «علیہ السلام»

بشارت ظهور

بحثی پیرامون

زمینه سازان ایرانی

انقلاب جهانی مهدی (عج)

گرد آورنده: مجید نوری

نوری، مجید، ۱۳۴۳ - گرد آورنده
بشارت ظهور: بحثی پیرامون زمینه سازان ایرانی انقلاب جهانی
مهدی (عج) / گرد آورنده: مجید نوری. - قم: سلسبیل، ۱۳۸۰.
۱۶۰ ص. ISBN 964-92275-3-9 : ۵۰۰۰ ریال
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه: ص. (۱۵۹) - ۱۶۰؛ همچنین به صورت زیر نویس.
۱- مهدویت، احادیث. ۲- محمد بن حسن (عج). امام دوازدهم. ۲۵۵ ق
۵ ب ن / ۵ / ۲۲۴ BP ۲۹۷/۴۶۲
کتابخانه ملی ایران ۳۵۵۳-۸۰ م

شناسنامه کتاب :

نام کتاب: بشارت ظهور (زمینه سازان ایرانی انقلاب مهدی علیه السلام)
مؤلف: مجید نوری
لیتوگرافی: بهمن
چاپ: قلم
نوبت چاپ: اول - تابستان ۸۰
ناشر: انتشارات سلسبیل
تیراژ: ۱۰۰۰۰ جلد
قیمت: ۵۰۰ تومان
کلیه حقوق برای مؤلف محفوظ است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این انقلاب بی نام خمینی علیه السلام در هیچ
جای جهان شناخته شده نیست.

فهرست مطالب

پیشگفتار	۱۱
مقدمه	۲۱

بخش اول

قسمت اول: آیات و اخبار در ستایش ایرانیان	۲۷
رؤیای پیامبر اسلام ﷺ در رابطه با ستایش ایرانیان	۲۸
نصیب ایرانیان از اسلام	۳۰
ایرانیان و ایمان	۳۰
ایرانیان و علم	۳۱
پرخاش شدید اشعث	۳۲
پیشگویی حضرت علی <small>علیه السلام</small> از آینده ایرانیان	۳۳
کلمه حمراء در لغت	۳۵
خدمات ایرانیان به اسلام	۳۶
قسمت دوم: انقلاب اسلامی ایران زمینه ساز حکومت جهانی اسلام است	۳۸

بخش دوم:

ایرانیان و آغاز زمینه سازی برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام

مرحله اول: روایت اهل مشرق و پرچمهای سیاه	۴۶
اشارات	۶۹

۶۹	روایات مربوط به قم و مرد موعود این شهر
۶۹	حافظان دین اسلام در هر قرن
۷۱	طلوع خورشید از مغرب
۷۳	مرد موعود قم در حدیثی از امام کاظم <small>علیه السلام</small>
۷۳	یک نکته
۷۴	یک سؤال
۷۶	حدیث مفضل بروایت حسن بن سلیمان
۷۹	یک اشتباه
۸۲	معنای فتی در لغت
۸۲	معنای فتی در قرآن
۸۳	معنای فتی در حدیث
۸۳	نتیجه گیری
۸۴	آل به چه کسی گفته می شود؟
۸۶	اشارات
۸۷	مضطر بیچاره کیست؟
۸۸	ضریح کدام ضریح است؟
۹۷	حدیث معراج
۱۰۰	نام رهبر نهضت در اخبار
۱۰۱	یک سؤال
۱۰۳	مطلبی دیگر
۱۰۳	سؤالی دیگر
۱۱۳	روایاتی که در آنها بنام روح الله تصریح گردیده است

۱۱۵	مرحله دوم: ظاهر شدن خراسانی و شعیب در ایران
۱۲۹	ماوراءالنهر
۱۳۱	حارث کیست؟
۱۳۳	منصور کیست؟
۱۳۳	در خصوص خراسانی
۱۳۵	اشارات
۱۳۶	در خصوص شعیب بن صالح
۱۳۸	علائم الظهور در اشعار شاه نعمت الله ولی کرمانی
۱۴۵	توضیحاتی پیرامون اشعار
۱۴۶	نتیجه گیری
۱۴۸	سؤال
۱۵۳	بخش سوم: بشارتهای مقام معظم رهبری
۱۵۹	منابع و مأخذ

تقدیم به :

روح پر فتوح بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی ایران
حضرت امام (ره) و شهداء گلگون کفن و تمامی کسانی
که در گردآوری این مجموعه این حقیر را یاری نمودند.

قال الله تعالى في كتابه القرآن الكريم:

«و نريد ان نمن على الذين أستضعفوا في الارض و نجعلهم
ائمة و نجعلهم الوارثين»^۱.

«و ما بر آن هستيم که بر مستضعفان روى زمين منت
گذارده آنان را پيشوايان قرار دهيم و وارثان زمين
گردانيم».

حضرت مهدي عليه السلام فرمودند:

«انا ألمهدي، انا قائم الزمان، انا الذى املؤها عدلاً، كما ملئت
جوراً...»

«من مهدي هستم، منم قيامگر زمان، منم آن که زمين را
آکنده از عدل مى سازم آن هنگام که از ستم پر
شده باشد.»^۲

۱ - قصص آية ۵.

۲ - کلمه الامام المهدي عليه السلام ص ۵۲۴ بنقل از گل واژه های پاكان ص ۲۶۶.

آن روز که:

ابرهای سیاه ظلم و فساد آسمان جهان را بپوشاند

آن روز که:

قدرتهای اهریمنی جهانخواره پنجه‌های خود را در گلوی مردم
رنج‌دیده دنیا هر چه بیشتر فرو برند.

آن روز که:

همه معیارها جز معیار ماده و ماده پرستی از میزان سنجش افکار مردم
پنهان گردد

آن روز که:

امواج تبلیغاتی نیرومند طاغوت‌های شرق و غرب برای تأمین منافع
نامشروع خود هر حتی را باطل و هر باطلی را حق جلوه دهد

و سرانجام آن روز که:

تازیانه نامهربانیها، تنگ نظریها، جدائیها، تبعیضها و ستمها پشت خلق
مستضعف جهان را مجروح سازد

آری آن لحظه چشمهای پر امیدمان به تو ای مصلح بزرگ جهان،
دوخته شده به انقلاب و حکومت جهانیست

و از خدایت این توفیق را برای ما بخواه که از نظر وسعت فکر و
اندیشه، از نظر مبارزه و جهاد و از نظر قدرت اصلاح همه جانبه جهان

خود را آنچنان بسازیم که شایستگی شرکت در آن برنامه عظیم انقلابی

ان شاء ...

را داشته باشیم

پیشگفتار:

آنچه مسلم است همه پیغمبران و اولیاء برای این آمده‌اند که پرچم توحید را در عالم گسترش بدهند، پرچم توحید را به اهتزاز در آورند و روح توحید را در زندگی انسانها زنده کنند. بدون عدالت، بدون استقرار عدل و انصاف، توحید معنایی ندارد.

یکی از نشانه‌ها یا ارکان توحید، نبودن ظلم و نبودن بی عدالتی است لذا شما می‌بینید که پیام استقرار عدالت، پیام پیغمبران است. تلاش برای عدالت کار بزرگ پیغمبران است.

انسانهای والا در طول تاریخ در این راه تلاش کرده‌اند و بشریت را روز به روز به سمت فهمیدن این حقیقت که عدالت، سر آمد همه خواسته‌های انسانی است نزدیک کرده‌اند.

سلسله انبیاء، پاکترین و مقدسترین و نورانی‌ترین انسانهای تمام تاریخ بوده‌اند. در میان انسانهای پاک و انسانهای والا که دارای روح عرشی و خدایی هستند و جود مقدس خاتم الاوصیاء محمد مصطفی صلی الله علیه و آله، سر آمد همه بوده و خاندان پاک و اهل بیت مطهر او که قرآن، ناطق به این طهارت و پاکیزگی و آراستگی است در شمار برترین و والاترین انسانهای پاک و مطهر و نورانی در همه تاریخ است.

زنی همانند فاطمه زهرا علیها السلام در همه تاریخ کیست؟ انسانی همانند علی مرتضی علیه السلام در سرتاسر تاریخ بشریت، کجا نشان داده می شود؟ سلسله اهل بیت نبی اکرم صلی الله علیه و آله در طول تاریخ، خورشیدهای فروزانی بوده اند که در معنا توانسته اند بشریت روی زمین را با عالم غیب و با عرش الهی متصل کنند «السبب المتصل بین الارض و السماء» خاندان پیغمبر، معدن علم، معدن اخلاق نیکو، معدن ایثار و فداکاری، معدن صدق و صفا و راستی، منبع همه نیکیها و زیباییها و درخشندگیهای وجود آدمی در هر عصر و عهدهای بوده اند، هر یک چنین خورشید فروزانی بوده اند.

یکی از آن خورشیدهای فروزان به فضل و کمک پروردگار و به اراده الهی، امروز در زمان ما به عنوان بقیة الله فی ارضه بعنوان حجة الله علی عباده بعنوان صاحب زمان و ولی مطلق الهی در روی زمین وجود دارد.

حضرت امام مهدی علیه السلام فرمود:

«زعمت الظلمة ان حجة الله داخضة و لو اذن الله لنا لزال الشک»

ستمکاران پنداشتند که حجت خدا نابود شده است و اگر خدا به ما اجازه می داد (تا خود را آشکار سازیم) تردید از میان بر می خاست.^۱

برکات وجود امام عصر (عج) انوار ساطعه از وجود او، امروز هم

به بشر می‌رسد.

امام مهدی علیه السلام می‌فرماید:

«انی امان لاهل الارض کما ان النجوم امان لاهل السماء»

من سبب امن و آسایش زمینیانم همانگونه که ستارگان سبب امن و

آسایش آسمانیان هستند.^۱

همچنین در جایی دیگر می‌فرمایند:

«انا خاتم الاوصیاء و بی یدفع الله عزوجل البلاء عن اهلی و شیعتی»

من آخرین جانشین پیامبر هستم و هم به وسیله من است که خدای

صاحب عزت و جلال بلا را از خاندان و شیعیانم دور می‌سازد.^۲

امروز هم انسانیت با همه ضعفها، گمراهیها و گرفتاریهایش از انوار

تابناک این خورشید معنوی و الهی که بازمانده اهل بیت (ع) است

استفاده می‌کند.

امروز وجود مقدس حضرت حجت ارواحنا فداء در میان انسانهای

روی زمین، منبع حرکت، منبع علم، منبع درخشندگی، زیبایی و همه

خیرات است.

چشمهای ناقابل و تیره ما آن چهره ملکوتی را از نزدیک نمی‌بیند

اما او مثل خورشیدی درخشان است، با دلها مرتبط و روحها و باطنها

به او متصل است و برای کسانی که دارای معرفت باشند موهبتی از این

۱ - بحارج ۵۳ ص ۱۸۱ بنقل از گل واژه‌های پاکان ص ۲۶۲.

۲ - منتخب الاثر ص ۳۶۰ بنقل از گل واژه‌های پاکان ص ۲۶۲.

برتر نیست که احساس کند ولی خدا، امام بر حق، عبد صالح، بنده برگزیده در میان همه بندگان عالم و مخاطب به خطاب خلافت الهی در زمین، با او و در کنار اوست، او را می بینید و با او مرتبط است.

آرزوهای همه بشر وجود چنین عنصر والایی است که عقده‌های فروخورده انسانها در طول تاریخ چشم به انتهای این افق دوخته است تا انسان والا و برگزیده‌ای از برگزیدگان خدا بیاید تا و پود ظلم و ستم را که انسانهای شریر در طول تاریخ تنیده‌اند از هم بدرد.

امروز، هم بشریت بیش از بسیاری از دورانهای تاریخ، دچار ظلم و جور است و هم پیشرفتی که امروز بشریت کرده است، معرفت پیشرفته است.

امروز ذهنیت بشر آماده آن است که بفهمد، بداند و یقین کند که انسان والایی خواهد آمد و بشریت را از زیر بارهای ظلم و ستم نجات خواهد داد همان چیزی که همه پیغمبران برای آن تلاش کرده‌اند، همان چیزی که پیغمبر اسلام در آیه قرآن، وعده آن را به مردم داده است «و یضع عنهم اصرهم والاغلال التي كانت علیهم»^۱

و احکام پر رنج و مشقتی را که (از جهل و هوا) چون زنجیر بگردن خود نهاده‌اند همه را برمی‌دارد» دست قدرت الهی بوسیله یک انسان عرشی، یک انسان خدایی، یک انسان متصل به عالمهای غیبی، معنوی و عوالمی که برای انسانهای کوتاه نگری مثل ما قابل درک و

تشخیص نیست می‌تواند این آرزو را برای بشریت بر آورده کند لذا دلها، شوقها و عشقها به سمت آن نقطه متوجه و روز به روز متوجه‌تر است.

همه جوان‌ها، همه انسانها و همه مردان و زنانی که در این کشور، دلشان با نور ایمان منور است در قبال مسئولیت عظیمی که بردوش ملت ایران نهاده شده است احساس وظیفه می‌کنند این پرچم پر افتخاری که دست ملت ایران سپرده شده است یعنی پرچم سر بلندی اسلام، پرچم عزت اسلام، پرچم نام آوری و شکست ناپذیری اسلام، اینها امروز دست ملت ایران است.

یکروز دشمنان اسلام و دشمنان دین به خود نوید می‌دادند که از اسلام خبری نیست در آن روز کسانی که دلشان به عشق اسلام می‌طپید مجبور بودند در مقابل تهاجم دشمنان اسلام، خود را این گوشه و آن گوشه پنهان کنند! مسلمان این گستاخی و دلیری را نداشت که بگوید من مسلمانم! سران کشورهای اسلامی سعی می‌کردند هرچه بیشتر خود را به شکل و رنگ آن کسانی که می‌خواستند در دنیا نامی از اسلام نباشد در آورند! عزت اسلام را با ذلت خود پنهان کرده و اهل اسلام را ذلیل کرده بودند!

انقلاب اسلامی عزت اسلام را بر روی دست گرفت و به همه دنیا نشان داد.

انقلاب اسلامی نشان داد که اسلام می‌تواند به یک ملت،

سرافرازی و عزت بدهد یک ملت را از زیر بار فشار و تحمل بیگانگان نجات بدهد و از حالت تحقیری که بر آن ملت تحمیل کرده‌اند، بیرون بکشد، می‌تواند استعداد های یک ملت را در همه میدانها بروز و ظهور ببخشد، می‌تواند به یک ملت، قدرت دفاع از خود، قدرت دفاع از عقاید و از هویت و شخصیت خود ببخشد.

انقلاب اسلامی این را نشان داد لذا آن وقتی که انقلاب اسلامی پیروز شد و وقتی امام بزرگ ما، آن شخصیت عظیم، آن شخصیت بی نظیر در زمان ما توانست از زبان این ملت سخن بگوید همه مسلمانان عالم احساس افتخار و حیات کردند احساس کردند که زنده شده‌اند. آری یکی از حوادث تاریخی و با عظمتی که در این قرن و زمان اتفاق افتاده و باعث شگفتی مردم جهان گردیده، پیروزی اسلامی ایران بوده است.

انقلاب اسلامی ایران توانست حکومت ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی را از بین ببرد و نظام نوینی را در جهان بنیان نهد.

رژیم ایران رژیممی بود که بعنوان ژاندارم آمریکای جنایتکار در منطقه خاورمیانه اعمال قدرت میکرد و بهمین منظور آمریکا بهترین و مدرنترین تسلیحات را تحت اختیار این حکومت خائن و وابسته قرار میداد و از نظر سیاسی و تبلیغاتی بیشترین حمایتها را از آن خود فروخته می‌نمود.

اما با اینکه رژیم شاهنشاهی ایران از طرف ابرقدرتها و بخصوص

آمریکای جنایتکار مورد تأیید قرار می‌گرفت ملت مبارز و مسلمان ایران با قدرت ایمان و اتکاء به اسلام و یک مکتب و با رهبریهای رهبر کبیر انقلاب اسلامی و وحدت و انسجام اسلامی و ملی توانست ایران را از دست مزدوران وابسته نجات داده و حکومت شاهنشاهی را واژگون نماید.

البته این پیروزی به آسانی بدست نیامد بلکه با فداکاری‌ها و رشادتها و شهادتهای زیادی به نتیجه رسید و توجه جهان را به اسلام جلب نمود.

در واقع اهمیت این انقلاب از اسلامی بودن آن سرچشمه می‌گیرد زیرا اسلام بعنوان یک مکتب آزادی بخش در سطح جهان معرفی گردید و بالنتیجه رونق فریبنده‌ای را که مکتبهای الحادی و مادی بخصوص مارکسیست بوجود آورده بود از بین برد و تز «دین افیون جامعه است» را بی اساس معرفی کرد.

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران مردم جهان متوجه شدند که ملتی توانست با اتکاء به مکتبی الهی و با شعار نه شرقی و نه غربی و بدون اتکاء به یکی از دو ابرقدرت جهانخوار خود را از یوغ استعمار نجات دهد.

این خون تازه‌ای که در رگهای امت اسلامی جریان یافت دشمنان را بسیار دستپاچه و سراسیمه کرد.

استکبار جهانی بخصوص آمریکای جنایتکار که ضربه سختی از

این انقلاب خورد در مقابل عظمت این انقلاب احساس ضعف نموده بطوریکه فعالیت‌های سیا را غیر واقع بینانه معرفی نمود و در مقابل این انقلاب موضع گرفته و توطئه‌های عدیده‌ای را علیه انقلاب آغاز نموده و بحمدالله تمام آنها شکست خورد و بخاطر ضربه‌های سختی که این انقلاب به تئوریهای مارکس و نظرات مادیگرانه مکتب کمونیست وارد کرد ابر قدرت شرق هم نتوانست واقعیت انقلاب را بپذیرد و از دشمنی با این انقلاب خودداری کند بلکه موضع گیریهای مفتضحانه‌ای را علیه انقلاب اتخاذ کرد که نمونه بارز آن کمکهای بی دریغ این ابر قدرت به رژیم صدام است.^۱

و از طرف دیگر کشورهای به ظاهر اسلامی نیز همچون دو ابر قدرت جهانخوار در مقابل این انقلاب موضعگیری نمودند.

و بالاخره اینکه نیروهایشان را روی هم گذاشتند تا با این پدیده عظیم یعنی انقلاب اسلامی که امروز آنرا یک ملت فریاد می‌کند مبارزه کنند از روز اول تا امروز در طول این بیست و دو سال مبارزه کردند، مبارزه با چیست؟ مبارزه با عزت و استقلال ملت ایران و مبارزه با هویت ملت ایران است. اما چون اسلام است که این عزت را داده و به ملت ایران هویت بخشیده است، چون اسلام است که به ملت ایران قدرت بخشیده است تا بتواند آرمانها، آرزوها و خواستههای خود را علنا بر زبان بیاورد و آنرا دنبال کند و از انجم قدرتها و دست نشانندگان

۱ - انقلاب اسلامی ایران در آیات و روایات ص ۱۶.

آنها و حکومت‌های فاسد نترسد، چون اسلام است که این امتیازها را به ملت ایران بخشیده است، با اسلام دشمنند. دشمنی با اسلام انقلابی، اسلام امام، اسلام زندگی بخش، اسلامی که وقتی پرچمش برافراشته می‌شود همه دنیا را به خود متوجه می‌کند همچنانی که امروز هم همینطور است.

دشمنی با این اسلام بخاطر این است که اسلام دست بیگانگان را از ایران کوتاه کرد و منابع این کشور را از دست بیگانگان نجات داد و هم از این رو است که دشمنان داخلی و خارجی هر روز با ترفندی سعی در از بین بردن و محو اسلام را دارند چرا که انقلاب اسلامی ایران بعنوان الگوی حکومتی برای سایر مسلمانان جهان مورد توجه قرار گرفته و آنان را از خواب غفلت بیدار ساخته است.

وقتی انسان به اهمیت این انقلاب پی می‌برد خود بخود این سوال در ذهن جوانه می‌زند که آیا در آیات و روایات اسلامی نشانه‌ای از این انقلاب می‌توان یافت؟

آیا درباره انقلابی که بعد از ۱۳۰۰ سال توانست دو مرتبه اسلام را زنده نماید و قوانین اسلام را از زوایای کتب به جامعه بکشانند ائمه ما سخنی نگفته‌اند؟!

ما در این مجموعه می‌خواهیم این مطلب را به اثبات برسانیم که در آیات و روایات نشانه‌های زیادی از این انقلاب شکوهمند و مردم مسلمان و انقلابی یافت می‌شود و در این خصوص آیات و روایاتی را

که ذکر کرده‌اند بیان می‌کنیم البته توجه به این نکته لازم است که ما مدعی نیستیم هر آیه‌ای که ذکر می‌شود دلالت مستقیم بر حرکت انقلابی مردم مسلمان ایران دارد بلکه اگر مجموع آیات ذکر شده و روایات را در نظر بگیریم به این نتیجه خواهیم رسید که انقلاب ما اسلامی است و تأیید شده و ان شاء الله تا ظهور امام عصر (عج) تداوم خواهد یافت.

مقدمه

مساله ظهور یک انسان کامل و الهی در همه ادیان بطور اعم و در اسلام بطور اخص از چنان تأکید و اهمیتی برخوردار است که حتی مفتیان درباری حجاز درباره منکر مهدویت حکم ارتداد را جاری می‌کنند. لذا تنها مشکلی که وجود دارد معرفی یک شخص خاص می‌باشد که شیعه با اتکاء به ادله و اسناد بسیار این مهم را انجام داده است.

اما آنچه که بعد از اثبات وجود، حیات و نسب آن حضرت حائز اهمیت است اهداف و اعمال آن وجود مقدس در دوران ظهور است که در این رابطه احادیث و اشارات بسیاری از سوی فرق مختلف اسلامی به عصر حاضر رسیده است و حاوی اطلاعات مختلفی از آراء و افکار مردم عصر ظهور و سرزمینهایی است که مستقیماً در معرض کشمکشهای این انقلاب قرار می‌گیرند.

الگوی انقلاب اسلامی ایران یعنی یک حرکت مذهبی در قرن موشک و اتم باعث گردید که تصویر روشنتری از چگونگی و عوامل

موثر در انقلاب حضرت مهدی علیه السلام بدست آید تصویری که قبل از انقلاب اسلامی ایران قابل تصور نبود شاهدان حضوری و غیر حضوری انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی (ره) اکنون قادرند دورنمایی از حالت امام علیه السلام که شمشیری در دست و تکیه بر دیوار کعبه دارد در ذهن ایجاد نمایند.

مجموعه حاضر ثمره کوششی است در گردآوری احادیث و ملاحم که تفسیر پاره‌ای از تحولات سیاسی نظامی روز در رابطه با این متون بجا مانده از بزرگان اسلام می‌باشد.

انقلاب فرزند برومند پیامبر صلی الله علیه و آله با توجه به شرایط زمان و مکان و بهره‌گیری از امکانات و استعدادهای عصر ظهور انجام خواهد پذیرفت و اگر آن حضرت صرفاً از امکانات فوق طبیعی در تمام مراحل انجام مأموریت الهی خود استفاده می‌کرد نیازی به اصحاب و آماده شدن شرایط نداشت.

این مجموعه دارای بشارتی خوشحال کننده برای قوم سلمان (ایرانیان) است که بانگهای به تاریخ گذشته و سابقه آنان در اسلام و گرایش به آل محمد صلی الله علیه و آله و در آخر با بوجود آوردن انقلاب کبیر اسلامی نشان داده‌اند که بحق شایسته چنین بشارتی می‌باشند. بشارت به اینکه آنان رسالت مهمی در ایجاد شرایط برای ظهور و ادامه آن دارند و در بین ۳۱۳ تن اصحاب خاص آن حضرت جایگاهی تعیین شده خواهند داشت.

نکته دیگر اینکه، اگر چه جزئیات دقیقی از زمان و مکانهای درگیر در قیام آن حضرت در دست نیست اما بر چند مکان چون مکه و شام و بصره و فلسطین بیش از همه اشاره شده که در مجموع می توان محدوده واقع بین این نقاط در خاورمیانه را محل تپش قلب جهان عصر ظهور دانست.

کما اینکه در عصر حاضر نیز اینگونه است و مجموعه حاضر در این رابطه اشارات مستند و جالب توجهی را ارائه داده است. در مورد زمان ظهور نیز اگر چه زمان خاصی اعلام نگشته و روایات بسیاری در طرد کسانی که تعیین وقت نمایند بدست ما رسیده اما حوادثی پیشگویی گردیده که کوشش برای درک و انطباق آن حوادث بر واقعیات را نمی توان از جمله تعیین زمان دانست.

بهر حال آنچه مسلم و مشترک بین فرق و ادیان است وجود و ظهور آن حضرت است و آنچه بیش از همه اهمیت دارد علاقه به وجود و راه و هدف آن حضرت است در حدی که انتظار آن حضرت در زمره عبادت و معیت با آن وجود شریف است.

* هدف نگارنده از گرد آوری این مجموعه ناچیز تبیین و آشنا نمودن شما خواننده محترم با زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی (ع) (ایرانیان) و ارائه سیمائی از عصر و زمان امام مهدی (ع) و قیام مقدس آن حضرت است که از آیات و روایات استفاده میشود.

یادآوری می نماید علاقمندان جهت آشنایی کامل با علائم ظهور

آن حضرت (علائم حتمی و غیر حتمی) می‌توانند به کتب مربوط
مراجعه نمایند امید است مجموعه حاضر برای شیفتگان آن حضرت
مورد استفاده و امید بخش باشد.

تقدیر و سپاس:

در پایان بر خود لازم می‌دانم که از اساتید فرهیخته حجج اسلام
دکتر سید احمد رهنمایی، سید حسین موسوی و شیخ جواد بیات که
با تشویق اینجانب و با حوصله و دقت این نوشته را ملاحظه کرده و
نظرات سودمندی ارائه نمودند قدردانی نمایم رجاء واثق داریم این
کمترین تلاش مورد عنایت و قبول آقا ولی عصر ارواحنا له الفداء قرار
گیرد.

بخش اول :

● آیات و اخبار

در ستایش ایرانیان

● انقلاب اسلامی زمینه ساز

حکومت جهانی اسلام است

قسمت اول: آیات و اخبار در ستایش ایرانیان

ملت ایران از دیرباز مورد توجه ویژه پیامبر اسلام و امامان شیعه بوده‌اند و در احادیث بسیاری، اسلام ایرانیان با اهمیت تلقی گردیده و از ملت ایران بعنوان وفادارترین ملتها به اسلام یاد شده است. جالب توجه اینجاست که بسیاری از این احادیث از پیامبر ﷺ صادر شده و قبل از آن بوده است که ایرانیان اسلام را پذیرفته باشند.

پیش از نقل احادیث توجه به این نکته ضروری است که در احادیث اسلامی از ایرانیان گاه تعبیر به «فرس» یا «فارس» شده و گاه تعبیر به «موالی» و گاه تعبیر به «عجم» (هر چند لغت عجم به مطلق غیر عرب گفته می‌شود) و گاه تعبیر به «اهل عراق» شده است.

اینک به قسمتی از این احادیث توجه فرمایید:

رؤیای پیامبر اسلام ﷺ در رابطه با اسلام ایرانیان

در حدیثی نقل شده است که روزی پیامبر اسلام ﷺ به اصحاب فرمود:

در عالم رؤیا دیدم که گوسفندان سفید انبوهی وارد انبوه گوسفندان سیاهی شدند، اصحاب گفتند: یا رسول الله این خواب را چگونه تعبیر نمودی؟

فرمود: عجم در آیین و در نسب شریک شما می شوند یعنی هم به دین شما ایمان خواهند آورد و هم با شما ازدواج خواهند کرد و خونشان با خون شما مخلوط خواهد شد. سپس ادامه داد:

«لو كان الايمان معلقا بالثريا يناله رجال من العجم واسعدهم به الفارس»
اگر ایمان به ستاره ثریا آویخته باشد مردانی از عجم به آن دست می یابند و سعادت مندترین عجمها به ایمان، فارس است. در سوره محمد ﷺ آیه ۳۸ چنین آمده:

«و ان تتولوا يستبدل قوما غيركم ثم لا يكونوا امثالكم»

این آیه خطاب به ملت عرب است آنان که قرآن در میان آنها و به زبان آنها نازل شد، خدای متعال به آنها هشدار می دهد که اگر از اسلام

۱ - کنز العمال ج ۱۲ حدیث ۳۴۱۳۴ بنقل از تداوم انقلاب اسلامی ایران تا انقلاب جهانی مهدی (ع) ص ۱۵.

قدر دانی نکنید مردمی دیگر از آن قدردانی خواهند نمود که آنان در پذیرش اسلام و گسترش دادن آن مانند شما ضعیف و ناتوان نیستند. مرحوم طبرسی در تفسیر مجمع البیان از ابوهریره نقل می کند که عده ای از اصحاب پیامبر اسلام پرسیدند که این مردمی که در این آیه یاد شده که از عرب در جذب شدن به اسلام قوی ترند کیانند؟ سلمان کنار پیامبر بود حضرت با دست به ران سلمان زد و فرمود: مقصود آیه «او و قوم اوست» قسم به آنکه جانم در دست قدرت اوست اگر ایمان به ستاره ثریا آویخته باشد مردانی از ایران به آن دست می یابند.^۱

امام صادق علیه السلام نیز در ذیل آیه مذکور می فرماید:

«ان تتولوا یا معشر العرب یستبدل قوما غیرکم یعنی الموالی»

ای ملت عرب اگر پشت به اسلام کنید خداوند بجای شما ملت دیگری پیرو اسلام قرار می دهد یعنی ایرانیان را.^۲
در تبیین آیه شریفه ذیل:

«ولو نزلناه علی بعض الاعجمین فقرأه علیهم ما کانوا به مؤمنین^۳

اگر قرآن را به زبان عجم نازل می کردیم و با این زبان به عرب آنرا می خواند، عرب به آن ایمان نمی آورد.

۱ - مجمع البیان جلد ۹ ص ۱۰۸ بنقل از تداوم انقلاب اسلامی ایران تا انقلاب جهانی مهدی (ع) ص ۱۶ و بحارج ۶۷ ص ۱۶۸ و نور الثقلین ج ۵ ص ۴۶ بنقل از زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی (ع) ص ۱۱۴.

۲ - مجمع البیان جلد ۹ ص ۱۰۸. بنقل از تداوم انقلاب اسلامی ایران تا انقلاب جهانی مهدی (ع) ص ۱۶. ۳ - سوره شعراء آیات ۱۹۹، ۱۹۸.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

اگر قرآن بر عجم نازل شده بود عرب به آن ایمان نمی آورد ولی بر عرب نازل شد و عجم به آن ایمان آورد و این فضیلتی است برای عجم.^۱

نصیب ایرانیان از اسلام:

از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرموده:

«اعظم الناس نصيبا في الاسلام اهل فارس»

نصیب و بهره ایرانیان در اسلام از همه ملت‌های دیگر بیشتر است.^۲

ایرانیان و ایمان

در حدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آمده:

«لو كان الايمان معلقا بالثريا لانتاله العرب لنا له رجال من فارس»

۱ - تفسیر المیزان ج ۱۵ ص ۳۶۲ بنقل از تفسیر قمی بنقل از تداوم انقلاب اسلامی ایران تا انقلاب جهانی مهدی علیه السلام ص ۱۷.

۲ - کنز العمال تألیف حسام الدین هندی متوفی ۹۷۵ هجری، ج ۱۲ ص ۹۰ حدیث ۳۴۱۲۶ بنقل از تداوم انقلاب اسلامی ایران تا انقلاب جهانی مهدی علیه السلام ص ۱۴. (کنز العمال مجموعه‌ای ۱۷ جلدی (هر جلد ۹۰۰ صفحه بقطع رفعی متوسط) از احادیث پیامبر اسلام ۹ است که یکی از علماء بزرگ اهل سنت بنام حسام الدین هندی متوفی ۹۷۵ هجری حدود ۴۴۷ سال پیش، از کتب معتبر اهل سنت مثل صحیح بخاری و صحیح مسلم و... جمع آوری نموده است.)

اگر گوهر ایمان به ستاره ثریا آویخته باشد که عرب به آن دست نیابد هر آینه مردانی از ایران به آن دست می یابند.^۱

در حدیث دیگری پیامبر اسلام به یکی از اصحابش بنام ابو ایوب که روی تعصب عربیت یکی از ایرانیان را بخاطر اینکه زبانش فارسی است سرزنش می کرد فرمود:

«یا ابا ایوب! لا تعیره بالفارسیة، فلو ان الذین معلقاً بالثریا یا لنالته ابناء فارس.»

ای ابو ایوب او را بخاطر اینکه زبانش فارسی است سرزنش مکن که اگر دین به ستاره ثریا آویخته باشد فرزندان فارس و ایران به آن دست خواهند یافت.^۲

ایرانیان و علم:

پیامبر اسلام ﷺ طبق نقل فرموده:

«لو كان العلم بالثریا لتناوله رجال من فارس»

اگر دانش و علم به ستاره ثریا آویخته باشد هر آینه مردانی از ایران زمین به آن دست خواهند یافت.^۳

۱ - کنز العمال ج ۱۲ حدیث ۳۴۱۲۹ بنقل از تداوم انقلاب اسلامی ایران تا انقلاب جهانی مهدی علیه السلام ص ۱۴

۲ - کنز العمال ج ۱۲ حدیث ۳۴۱۳۳ بنقل از تداوم انقلاب اسلامی ایران تا انقلاب جهانی مهدی علیه السلام ص ۱۵.

۳ - کنز العمال ج ۱۲ حدیث ۳۴۱۳۱ بنقل از تداوم انقلاب اسلامی ایران تا انقلاب جهانی

پرخاش شدید اشعث:

هر چند امیرمؤمنان علی علیه السلام در طول دوران حکومت چند ساله اش که بسیار کوتاه ولی پر بار و پر برکت بود با سیاست تبعیض نژادی و تفاوت میان عرب و غیر عرب که از مدتها قبل معمول شده بود به شدت به مبارزه برخاست و دیوار شکست ناپذیر انحصارطلبی و دوگانگی را ویران ساخت اما متأسفانه این روش زشت و ناپسند و اعمال ضد انسانی و خلاف اسلامی چنان در روح و خون و جان عرب ریشه دوانده بود که وقتی دیدند علی علیه السلام بر خلاف شیوه زمامداران گذشته مسلمانان غیر عرب را به خود نزدیک ساخته و به آنان توجه بیشتری دارد و به تعلیم و تربیتشان پرداخته است این معنا آن چنان بر اعیان و اشراف و بزرگان عرب و خفاشان درمانده از دیدار نور ولایت سخت و ناگوار آمد تا جائیکه اشعث بن قیس کندی سردار به اصطلاح نامی و معروف عرب بدان حضرت خورده گرفت و پرخاش نمود و او را بر این عمل انسانی اسلامیش سرزنش کرد و با لحن تند و زننده‌ای که حاکی از تعصب عربی و برتری نژادی بود با جمله‌ای چون «تو این سرخرویان (یعنی موالی و ایرانیان) را بر ما چیره ساخته‌ای» در حالی که علی علیه السلام مشغول سخنرانی بود به حضرتش اعتراض کرد چنانکه مشروح این جریان در تاریخ و حدیث

بدینصورت آمده است.^۱

پیشگویی علی علیه السلام از آینده ایرانیان

عباد بن عبدالله اسدی می گوید: من روز جمعه ای در مسجد نشسته بودم و علی علیه السلام بر فراز منبری از آجر خطبه می خواند و ابن صوحان در پای منبرش نشسته بود.

اشعث آمد و پا بر گردن مردم می گذاشت و می گذشت تا نزدیک آن حضرت رسید و چون روی آن حضرت قرار گرفت گفت: «یا امیر المؤمنین غلبتنا علیک هذه الحمراء» یعنی: «ای امیر مؤمنان این سرخرویان (ایرانیان) در نزدیکی به تو بر ما غلبه کرده اند و جلو روی شما بر ما (عربها) چیره شده اند و مقربان درگاه حضرتت گردیده اند و تو جلو آنها را نمی گیری!!!»

آن حضرت از شنیدن این سخن خشمناک شد و پای خود را محکم به منبر کوبید تا اینکه ابن صوحان گفت: ما را با این مرد چکار است (و مقصودش ابن اشعث بود) آنگاه گفت: بطور مسلم امروز علی علیه السلام سخنی خواهد گفت که پرده از چهره عرب بردارد و نشان خواهد داد که عرب چکاره است امروز علی علیه السلام سخنی خواهد گفت که آنچه نهانست آشکار شود و برای همیشه در خاطره ها بماند.

۱ - زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی علیه السلام ص ۱۵۳.

آنگاه علی علیه السلام فرمود: چه کسی است که عذر مرا از این شکم گنده‌های بی فایده بخواند (یعنی مرا از شر اینگونه افراد خلاص کند) که خودشان در بستر نرم استراحت می‌کنند و مانند حیوانات و چهار پایان دراز گوش این طرف و آن طرف ملق می‌زنند و یکی از آنها (بعنوان نمایندگی از دیگران) پیش می‌آید و در حالی که بر روده‌های خود زیر و رو می‌شود (یعنی بقول معروف از باد شکم سخن می‌گوید) و مردمی هم (یعنی موالی و ایرانیان) آفتاب می‌خورند و روزهای گرم به خاطر خدا فعالیت می‌کنند و او (اشعث) بمن فرمان می‌دهد که من آنها (یعنی موالی) را از خود برانم و از نزد خویشان دورشان سازم تا از ستمکاران باشم!

سپس فرمود: «اما والذی فلق الحبة و براء النسمة لقد سمعت محمدا صلی الله علیه و آله

يقول: لیضربنکم والله علی الدین عودا کما ضربتموهم علیه بدءا».

یعنی قسم به پروردگاری که دانه را شکافت و گیاه را رویانید و انسان را آفرید من خود از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: بخدا قسم همچنانکه شما در ابتداء کار ایرانیان را بخاطر اسلام با شمشیر خواهید زد و با آنان خواهید جنگید بعد ایرانیان شما را بخاطر تازه شدن اسلام و حمایت از دین خواهند زد و در آخر سر با شماها خواهند جنگید.^۱

۱ - شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۱۹ ص ۱۲۴ ط مصر والغارات ج ۲ ص ۴۹۸ چاپ

کلمه حمراء در لغت:

در لسان العرب (کتاب لغت) در ماده حمر می نویسد: «الحمراء العجم، لبياضهم» یعنی حمراء که معنی آن (سرخ رویان) است عجمها هستند برای آنکه سفید چهره اند و بدین لحاظ که سرخی بر سفیدی چهره شان غلبه دارد به آنان سرخ چهره گفته اند و عرب (بمردم غیر عرب زبان) که سفید چهره بودند و سرخی بر چهره آنان غلبه داشت مانند رومیان و ایرانیان (فرس) و همچنین کسانی که در رنگ چهره به آنان شباهت داشتند حمراء (یعنی سرخ چهره) می گفتند صاحب لسان العرب در ادامه سخنان خود می گوید از همین قبیل است حدیث علی عليه السلام هنگامیکه یکی از سرداران معروف عرب به او گفت (غلبتنا عليك هذه الحمراء) تو این سرخ رویان را بر ما چیره ساخته ای و علی عليه السلام در پاسخش فرمود: آری اینان بخاطر حمایت از دین در آخر سر با شما خواهند جنگید همچنانکه شما در ابتداء کار با آنان جنگیدید و مراد او (یعنی اشعث) از حمراء یعنی سرخ رویان، ایرانیان و رومیان بوده است.

صاحب لسان العرب در آخر سخنان خود می گوید: و عرب موالی را یعنی مسلمانان غیر عرب را حمراء یعنی سرخ چهره می نامیدند.

و در مجمع البحرین کتاب لغت و در غریب الحدیث ج ۳ ص ۴۷۴ طبع مصر در ماده حمراء معنی و منظور از آنرا سرخ رویان آورده‌اند. بطوریکه خوانندگان عزیز در این روایت ملاحظه فرمودید نه تنها امیر المومنین علی علیه السلام بر خلاف شیوه زمامداران گذشته، موالی و ایرانیان را بخود نزدیک ساخته و به تعلیم و تربیتشان پرداخته و عملاً با سیاست تبعیض نژادی بشدت بمبارزه برخاسته و طرفداران تبعیض نژادی را به باد انتقاد و استهزاء گرفته است بلکه علاوه بر همه آنها از آینده درخشان ایرانیان و فداکاری و جانبازی آنان و تلاش پی گیر و جهاد مقدسشان در راه اعتلاء کلمه توحید و حمایت از قرآن و جنگ آنان با اعراب متعصب نیز خبر داده است.^۱

خدمات ایرانیان به اسلام:

همانطور که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پیش بینی نموده بود ملت ایران از همه ملتها حتی ملت عرب که مرکز نزول وحی بود، از اسلام بیشتر بهره گرفت و هیچ ملتی به اندازه مردم ایران تاکنون از منبع روشنایی بخش وحی پرتو نگرفته است.^۲

با همه مشکلاتی که در قرون اولیه اسلام در راه شناخت فرهنگ

۱ - زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی علیه السلام ص ۱۵۵ و ۱۵۶.

۲ - تداوم انقلاب اسلامی ایران تا انقلاب جهانی مهدی علیه السلام ص ۱۷.

اصیل اسلامی بود تا آنجا که ایمان و دین و دانش به گفته پیامبر اسلام گویا به ستاره ثریا آویخته و دست یازیدن به آن سخت دشوار می نمود ایرانیان به آن دست یافتند و در رشته های مختلف علوم مانند قرائت، تفسیر، حدیث، ادبیات، فقه، کلام، فلسفه و عرفان که در رابطه با شناخت اسلام و تبیین ایدئولوژی اسلامی بکار گرفته می شود از اعراب سبقت گرفتند و بالاخره همانطور که قرآن کریم پیش بینی نموده بود در رابطه با گسترش ایدئولوژی اصیل اسلامی جایگزین ملتی شدند که وحی در آن نازل شده بود.^۱

به گفته استاد شهید علامه مطهری:

(ایرانیان بیش از هر ملت دیگر نیروهای خود را در اختیار اسلام قرار دادند و بیش از هر ملت دیگر در این راه صمیمیت و اخلاص نشان دادند، در این دو جهت هیچ ملتی به پای ایرانیان نمی رسد، حتی خود ملت عرب که دین اسلام در میان آنها ظهور کرد... راجع به خدمات ایرانیان به اسلام زیاد سخن گفته می شود ولی کمتر به این نکته توجه می شود که ایرانیان شاهکارهای خود را در راه خدمت به اسلام بوجود آوردند و جز نیروی عشق و ایمان، نیروی دیگری قادر نیست شاهکار خلق کند...)^۲

۱ - تداوم انقلاب اسلامی ایران تا انقلاب جهانی مهدی علیه السلام ص ۱۸.

۲ - خدمات متقابل ص ۳۷۳.

در ایران احساس می‌کنی که حضور حضرت مهدی علیه السلام بیشتر و بزرگتر از همه سران انقلاب و علمای نهضت است زیرا او رهبر حقیقی انقلاب و حکومت است و همانا امام (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی) نمایندگان و نایبان آن حضرت می‌باشند که نام ایشان را با احترام و قداست فراوان یاد نموده و می‌نمایند که: «اروحنا لتراب مقدمه الفداء»

«جان ما فدای خاک پایش باد» و بارها تصریح کرده و می‌کنند که کشور ما، کشور امام زمان است و نهایت آرزو و امید ما این است که امانتدار او بوده و این امانت را به صاحب اصلی آن بسپاریم.

قسمت دوم:

انقلاب اسلامی ایران زمینه ساز حکومت جهانی اسلام است.

در رابطه با تداوم انقلاب اسلامی ایران و پیوند آن با انقلاب جهانی حضرت ولی عصر صلوات الله علیه و اینکه انقلاب اسلامی ایران زمینه ساز حکومت جهانی اسلام می‌باشد توجه به این نکته ضروری است که:

انقلاب اسلامی ایران هم در رابطه با گسترش دادن ایدئولوژی و اصول معارف اسلامی و هم در رابطه با تشدید جنایات رژیمهای ضد مردمی و ضد انقلاب حاکم بر جامعه بشری زمینه ساز انقلاب

حضرت مهدی علیه السلام و حکومت جهانی اسلام است.

با پیروزی این انقلاب برای اولین بار پس از چهارده قرن پایگاهی در جهان بوجود آمد که بتواند از اسلام اصیل بطور رسمی و بصورت گسترده و جهانی دفاع کند و ایدئولوژی رهایی بخش و تکامل آفرین اسلام را به گوش کلیه توده‌های مستضعف برساند و به آنها نوید پیروزی را با دست خالی بر استکبار جهانی که تا دندان مسلح است بدهد و در همین رابطه با اینکه انقلاب اسلامی ایران هنوز در گامهای نخستین است استکبار جهانی چه در شرق و چه در غرب جداً احساس خطر کرده و لذا در خاموش کردن شعله این انقلاب، آنها و نوکرانشان را متحد نموده است.

استکبار جهانی برای دفاع از موضع ضد انسانی خود، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در قلع و قمع هواداران این انقلاب در نقاط مختلف جهان خشونت و روشهای ضد انسانیت خود را تشدید نموده و از این پس بر خشونت خود خواهد افزود:

جمهوری ما نشانگر اسلام است

افکار پلید فتنه جویان خام است

ملت به ره خویش جلو میتازد

صدام بدست خویش در صد دام است^۱

تا آنجا که جهان احساس خلاء کند، احساس خلاء رهبری الهی که در سطح جهان مستضعفین را رهبری کند و جامعه انسانی را از بند رژیمهای خود کامه رهایی بخشد و آنجا است که:

بقیه الله الاعظم، وارث انبیاء الهی از آدم تا خاتم، حضرت مهدی علیه السلام که آفریدگار هستی، وجودش را برای آن روز ذخیره نموده است قیام می کند و حکومت جهانی اسلام را تشکیل می گردد.

جمهوری اسلامی ما جاوید است

دشمن زحیات خویشتن نومید است

آن روز که عالم ز ستمگر خالی است

ما را و همه ستمکشان را عید است^۱

در این رابطه که آغاز ظهور آن حضرت از مشرق بوده و زمینه سازان حکومت جهانی ایشان از مشرق میباشند حسام الدین هندی که یکی از دانشمندان بزرگ اهل سنت است و در سال ۹۷۱ هجری وفات نموده حدیث جالبی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل می کند آن حدیث این است: «یخرج الناس من المشرق فیوطئون للمهدی سلطانه»

مردمی از شرق قیام می کنند و زمینه را برای انقلاب جهانی مهدی علیه السلام فراهم می سازند.^۲

۱ - دیوان حضرت امام (ره)

۲ - کنز العمال حدیث ۳۸۶۵۷ بنقل از تداوم انقلاب اسلامی ایران تا انقلاب جهانی مهدی علیه السلام ص ۳۷.

نتیجه گیری:

الف - ایرانیان وفادارترین ملتها به اسلام اصیل اند و این معنی را حتی پیش از آنکه ایرانیان مسلمان شوند پیامبر اسلام ﷺ طبق احادیثی که نقل شد پیشگویی نموده است.

ب - انقلاب اسلامی ایران بطور طبیعی زمینه ساز انقلاب جهانی مهدی عج و حکومت جهانی اسلام است و این معنی با حدیثی که از پیامبر اسلام نقل شده که انقلابی در شرق بوقوع می پیوندد دقیقاً منطبق است.

در این زمینه (مقدمه بودن انقلاب اسلامی ایران ظهور حضرتش) رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی (ره) نیز در جمله ای فرموده اند:

۲۲ بهمن سر آغاز حکومت الله بر جهان است.

و نیز فرموده اند:

«ان شاء الله این حکومت را به صاحب اصلی آن امام زمان (عج) تحویل خواهیم داد».

همچنین مقام معظم رهبری نیز در این خصوص فرموده اند:

«انقلاب اسلامی مقدمه حکومت صالحان بر زمین است»

و بر خواننده محترم پوشیده نیست که (حکومت الله بر جهان)

توسط خلیفه الله و جانشین بر حق خداوند متعال و تنها حجت باقی مانده بر روی زمین حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود و انقلاب اسلامی ایران نیز مقدمه حکومتی است که بدست سر سلسله صالحان یعنی ابی‌صالح‌المهدی علیه السلام خواهد رسید (ان شاء الله) که در بخش بعدی به اثبات آن خواهیم پرداخت.

بخش دوم:

ایرانیان و آغاز زمینه سازی

ظهور حضرت

مهدی علیه السلام

ایرانیان و آغاز زمینه سازی برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام

اما حکومت زمینه سازان ایرانی، به دو مرحله مشخص تقسیم می شود:

مرحله اول:

مرحله اول، آغاز نهضت آنان بوسیله مردی از قم، کسی که حرکتش سرآغاز امر ظهور حضرت مهدی علیه السلام است، چه اینکه روایات گویای این است که آغاز نهضت آن حضرت از ناحیه مشرق است.
نکته:

از جمله آن روایات حدیثی است که صراحت دارد آغاز نهضت حضرت مهدی علیه السلام از ناحیه مشرق خواهد بود از امیرمؤمنان علیه السلام نقل شده است که فرمود:

«آغاز نهضت او از مشرق است زمانیکه این امر پیش آمد سفیانی

خروج می‌کند»^۱

و از طرفی آنچه که علماء بر آن اتفاق نظر دارند و در روایات بنحو تواتر وارد شده این است که ظهور آن حضرت از مکه است بنابراین باید مراد از گفته امیر مؤمنان علیه السلام که فرمود: «آغاز نهضت او از ناحیه مشرق است» یعنی آغاز و شروع نهضت ایشان از مشرق یعنی ایران است و همچنین دلالت دارد که آغاز نهضت آن حضرت قبل از خروج سفیانی بوده و فاصله بین آغاز امر او و خروج سفیانی مدتی نه کوتاه و نه طولانی است زیرا در روایت، نهضت حضرت در خروج سفیانی با «واو» عطف شده است نه «فاء» و «ثم» که دلالت بر فاصله داشته باشد بلکه می‌توان گفت این روایت اشاره بنوعی ارتباط سببی بین آغاز امر زمینه سازی برای دولت حضرت مهدی علیه السلام از سر زمین ایران و بسین خروج سفیانی دارد (جنبش سفیانی صرفاً واکنشی است جهت رویارویی با موج فزاینده نهضت اسلامی که زمینه ساز و مقدمه قیام آن حضرت بوده و جزو علائم حتمی ظهور می‌باشد).^۲

روایت اهل مشرق و پرچمهای سیاه

این حدیث در منابع شیعه و سنی وارد شده است و بعنوان روایت

۱ - بحارج ۵۲ ص ۲۵۲ بنقل از اربعین حافظ ابونعیم بنقل از عصر ظهور ص ۲۳۳.

۲ - عصر ظهور ص ۲۳۴.

درفشهای سیاه و روایت اهل مشرق و روایت آنچه را که اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از وی با آن روبرو می شوند شناخته شده است و از طرفی آنرا منابع گوناگون از عده‌ای از صحابه با اندکی تفاوت در بین الفاظ و فقرات آن نقل کرده‌اند. برخی دیگر از روایات بخشهایی از آنرا روایت کرده و تعدادی از آن منابع تصریح نموده‌اند که راویان این خبر همه ثقه هستند.

قدیمی‌ترین منابع حدیث اهل سنت که این روایت و یا بخشی از آن را نقل کرده‌اند عبارتند از:

ابن ماجه در سنن خود ج ۲ ص ۵۱۸ و ۲۶۹ و حاکم در مستدرک ج ۴ ص ۴۶۴ و ۵۵۳ و ابن حماد در نسخه خطی خود «فتن» ص ۸۴ و ۸۵ و ابن ابی شیبه در مصنف خود ج ۱۵ ص ۲۳۵ و دارمی در سنن خود ص ۹۳ و متاخرین آنها این روایت را از آنان نقل کرده‌اند و شاید روایتی را که عده‌ای از صاحبان صحاح مانند ابن ماجه و احمد بن حنبل و دیگران نقل کرده‌اند که (گروهی از مشرق زمین خروج می‌کنند و مقدمات حکومت حضرت مهدی را فراهم می‌نمایند) بخشی از همین روایت باشد.^۱

اینک عین عبارت حدیث بنقل از مستدرک حاکم:

«عن عبدالله بن مسعود قال: اتينا رسول الله صلی الله علیه و آله فخرج الينا مستبشراً

يعرف السرور في وجهه فما سالنا عن شيء الا اخبرنا به ولا سكتنا الا
ابتدأنا حتى مرت فئه من بني هاشم فيهم الحسن و الحسين فلما رأهم خبر
بمهمهم (و في نسخة بمسيرهم) و انهملت عيناه فقلنا: يا رسول الله ما نزال
نرى في وجهك شيئاً نكرهه (و في نسخة تكرهه) فقال: انا اهل البيت (و في
نسخة اهل بيت) اختار الله لنا الاخرة على الدنيا و انه سيلقى اهل بيتي من
بعدي تطريداً و تشريداً في البلاد حتى ترفع رايات سود من المشرق
فيسألون الحق فلا يعطونه ثم لا يسألونه فلا يعطونه (و في نسخة ثم يسألونه
فلا يعطونه) فيقاتلون فينصرون فمن ادركه منكم او من اعقابكم فليأت امام
اهل بيتي ولو حبواً على الثلج فانها رايات هدى يدفعونها الى رجل من اهل
بيتي بواطىء اسمه اسمي و اسم ابيه اسم ابي فيملك الارض فيملاها قسطاً و
عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً»

از عبدالله بن مسعود نقل شده است که گفت: حضور پیامبر ﷺ
رسیدیم حضرت با رویی گشاده و غرق از سرور و شادی با ما روبرو
شد آنچه را که از حضرت سؤال کردیم پاسخ دادند اگر ما ساکت
می شدیم آن حضرت شروع به سخن می نمودند تا اینکه گروهی از
جوانان بنی هاشم گذارشان از آنجا افتاد و امام حسن و امام حسین علیهما السلام
در بین آنان بودند تا چشم حضرت به آنها افتاد در پی آنان افتاده و دو
چشمان آن حضرت پر از اشک گردید... عرض کردیم: ای رسول خدا
همواره چیزی در چهره ات می بینیم که ما را ناراحت می سازد

حضرت فرمود: ما خانواده‌ای هستیم که خدای سبحان آخرت را بر دنیا برای ما اختیار فرموده است بزودی بعد از من اهل بیتم در شهرها و سرزمینها پراکنده و آواره خواهند شد تا اینکه در فشهایی سیاه از مشرق زمین به اهتزاز درآید که حق را می‌طلبند اما حقوقشان را اداء نمی‌کنند آنان دست از حق بر نمی‌دارند اما اجابت نمی‌شود دیگر بار درخواست می‌کنند به آنان اعتناء نمی‌شود در این صورت دست به مبارزه زده و به پیروزی دست می‌یابند هرگاه کسی از شما و یا ذریه شما آن زمان را درک کرد باید به پیشوای از اهل بیت من پیوندد اگر چه با دشواری بر روی برف سینه خیز برود آنها درفشهای هدایتند که آنها را بدست مردی از اهل بیت من میسپارند که نام وی مانند نام من و نام پدرش نام پدرم می‌باشد^۱، او مالک زمین می‌گردد و آنرا پراز عدل و داد می‌کند آنگونه که از جور و ستم پر شده است.^۲

اما در منابع روایتی ما این حدیث را سیدبن طاووس در کتاب

۱ - مراد از جمله «نام او همنام من است» اسم حضرت قائم علیه السلام می‌باشد و جمله «نام پدرش همنام پدر من است» موافق عقیده اهل سنت است که عقیده دارند نام پدر حضرت حجت علیه السلام عبدالله است ولی بعقیده شیعه درست نیست زیرا چنانکه می‌دانیم حضرتش فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است و این جمله جزء حدیث نیست زیرا خود اهل سنت هم عده‌ای قبول ندارند که این جمله جزء حدیث باشد. (زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی علیه السلام ص ۲۲۹).

و جمله به شکل «اسم ایبه اسم ابنی» یعنی «نام پدرش (امام حسن عسکری علیه السلام) همنام پسر (امام حسن مجتبی علیه السلام) است» صحیح می‌باشد همچنانکه در بحار ج ۵۱ ص ۶۷ آمده است.

۲ - زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی علیه السلام ص ۲۲۷ و عصر ظهور ص ۲۴۷.

ملاحم و فتن ص ۳۰ و ۱۱۷ و مجلسی در بحارج ۵۱ ص ۸۳ از اربعین حافظ ابونعیم روایت ۲۷ مربوط به آمدن حضرت مهدی علیه السلام از ناحیه مشرق و مشابه اینرا در بحارج ۵۲ ص ۲۴۳ و علامه نعمانی از دانشمندان و محدثین قرن سوم هجری در کتاب الغیبه به سند خود از امام باقر علیه السلام نقل کرده است (او در مقدمه کتاب متعهد شده است که روایاتی را در این کتاب نقل کند که به صحت آنها اطمینان داشته و از اساتید مورد وثوق خود شنیده باشد).

متن روایت این است: «عن ابی جعفر علیه السلام انه قال: کانی بقوم قد خرجوا بالمشرق یطلبون الحق فلا یعطونه ثم یطلبونه فاذا راوا ذلک وضعوا سیوفهم علی عواتقهم فیعطون ما سالوا فلا یقبلونه حتی یقوموا ولا یدفعونها الا الی صاحبکم قتلاهم شهداء اما انی لو ادرکت ذلک لاستبقت نفسی لصاحب هذا الامر.»

امام باقر علیه السلام فرمودند: گویا می بینم گروهی از مشرق زمین خروج کرده اند و حق را طلب می کنند ولی آنها را اجابت نمی کنند مجدداً بر خواسته هایشان تأکید دارند اما مخالفان نمی پذیرند وقتی چنین وضعی را می بینند شمشیرهای خود را بر شانه ها می نهند اینجاست که پاسخ مثبت می گیرند ولی این بار مردم خودشان نمی پذیرند تا اینکه همگی قیام می کنند... - و رژیم حاکم را ساقط می نمایند و حکومتی بر اساس مبانی اسلامی تشکیل می دهند - و این حکومت را

جز به صاحب شما - بقية الله الاعظم - تحویل نمی دهند. کشته های آنها شهیدند، آگاه باشید که اگر من شخصاً آن زمان را درک می کردم خود را برای صاحب این امر ابقاء می کردم.^۱

از این روایات با تعبیرات مختلف آن چند امر استفاده می شود:

اول: اینکه این روایت متواتر اجمالی است آنچه در این روایت مضمون عمده آن را تشکیل می دهد خبر دادن پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به مظلومیت اهل بیتش بعد از خودشان است و تنها امتی که حق آنان را استیفاء می کنند کسانی هستند که از مشرق بپاخاسته و مقدمه حکومت جهانی پیشوای خود حضرت مهدی علیه السلام را مهیا می نمایند، در پی به قدرت رسیدن همین افراد است که امام زمان علیه السلام ظهور می کند و آنان درفش خود را تسلیم آن حضرت می نمایند خداوند بوسیله وجود مقدس وی اسلام را به جهانیان معرفی می کند، او زمین را پراز عدل و داد می کند.

دوم: مراد از اینکه گروهی از مشرق خروج می کنند و دارای درفشهای سیاهند ایرانیان می باشند این مسأله مورد اتفاق همه صحابه که این روایت و غیر آن را نقل کرده اند و نزد تابعین که روایت را از صحابه دریافت نموده اند می باشد و همچنین مورد اتفاق نظر کلیه

۱ - کتاب الغیبة نعمانی ص ۱۴۵ و ۱۴۶ و جهان در آینده ص ۱۵۶ و بحار ج ۵۲ ص ۲۴۳ و بحار ج ۵۱ ص ۸۳ و الممهدون للمهدی ص ۹۸ و عصر ظهور ص ۲۴۷ و زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی علیه السلام ص ۴۰۷.

مولفان بعد از آنان در خلال قرون گذشته بوده است بگونه‌ای که ماجرای خروج و آمدن این افراد در آن زمان امری کاملاً روشن و ثابت بوده است از این رو یک نفر هم از آنان اشاره نکرده به اینکه مراد از این گروه مثلاً اهل ترکیه و یا هند و یا جاهای دیگری غیر از ایران باشد... بلکه عده‌ای از راویان و مولفان تصریح کرده‌اند که آنان ایرانیان هستند حتی نام خراسانیها در تعدادی از فقرات و عبارتهایی که از حدیث نقل شده وارد شده است چنانکه در روایت مربوط به درفشهای خراسان خواهد آمد.

سوم: نهضت و قیام آنان که با دشمنی جهانیان و نبردی که در آن پیروز می‌شوند روبرو خواهد شد و بعد از آن حضرت مهدی علیه السلام ظهور می‌کند.

چهارم: بر هر فرد مسلمان و نسل معاصر آن واجب است که به یاری آنان برخیزند هر چند که در شرایط دشواری بسر برند حتی اگر قرار باشد که برای یاری آنان روی یخ و برف راه رفته و حرکت نمایند. پنجم: اینکه درفش آنان پرچم هدایت است یعنی حکومت و دولت آن ماهیتی دینی و صحیح دارد عملکرد و اهدافی که دنبال می‌کنند با احکام اسلام و اهداف مقدس آن هماهنگ است بگونه‌ای که اگر مسلمانی با آن همکاری کند به وظیفه شرعی خود عمل نموده و تکلیف از او ساقط است.

ششم: این روایت از آینده و غیب خبر می دهد و یکی از معجزه های دال بر نبوت نبی اکرم صلی الله علیه و آله می باشد به این دلیل که آنچه را که آن بزرگوار راجع به مظلومیت اهل بیت علیهم السلام و آوارگی و پراکندگی آنان در چهارگوشه جهان اطلاع داده است در طول قرون گذشته محقق شده است تا جایی که ما خاندانی را در طول تاریخ و در سطح جهان سراغ نداریم که مانند اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و فرزندان حضرت علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام با تبعید و آوارگی مواجه شده باشند.

آنچه به نظر می رسد این است که این روایت به حدیثی که قبلاً از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شد تعلق داشته و یا مشابه آن است گرچه امام باقر علیه السلام به این موضوع تصریح نفرموده اند اما خود آن حضرت و سایر امامان (ع) فرموده اند آنچه را که نقل می کنند از پدران بزرگوار خویش و از جدشان پیامبر صلی الله علیه و آله است.^۱

با بیان این مطالب عبارتهای موجود در روایت قبلی از امام باقر علیه السلام اوصاف دقیقی از نهضت و قیام آنان را در بر دارد از این رو آنرا مورد ارزیابی قرار داده و به تبیین و تفسیر حدیث می پردازیم.

تبیین و تفسیر حدیث:

در تلمتی نگارنده این حدیث یکی از معجزات امام محمد باقر علیه السلام

است و در آن از چند امر پیشگویی شده است:

- ۱ - قیام ملت قهرمان ایران در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲.
- ۲ - قیام ۲۲ بهمن ۱۳۵۷.
- ۳ - رژیم در آخرین لحظات جان‌کندن زندگی ننگین خود اظهار توبه می‌کند و تسلیم خواسته‌های مردم می‌گردد.
- ۴ - مردم جز سرنگونی رژیم هیچ چیز دیگری را نمی‌پذیرند
- ۵ - قیام ملت ایران علیه شاه به پیروزی می‌رسد.
- ۶ - جمهوری اسلامی تحقق پیدا می‌کند.
- ۷ - این جمهوری تا انقلاب جهانی ولی عصر (عج) تداوم پیدا می‌کند.
- ۸ - درگیری‌هایی که برای این رژیم پیش می‌آید جهاد فی سبیل الله است و کشته‌های آنها شهید محسوب می‌شوند.
- ۹ - پیروزی انقلاب اسلامی ایران در نزدیکی ظهور حضرت مهدی علیه السلام تحقق می‌یابد.

و اینک تشریح نکات پیشگوییهای مذکور:

نخست امام می‌فرماید:

(کافی بقوم قد خرجوا بالشرق يطلبون الحق)

این جمله پیشگویی از تحقق یک قیام اسلامی در شرق در آینده تاریخ است زیرا امام خبر می‌دهد که در شرق مردمی با هدف طلب نمودن حق، علیه نظام حاکم بر خود قیام می‌کنند و بدیهی است که

میزان و معیار حق نزد امام چیزی جز اسلام نیست.

در این جمله هر چند امام محل وقوع این قیام را شرق ذکر می کند و مشخصاً نمی فرماید ایران ولی با قرائتی که قبلاً ذکر کردیم و قرائتی که در خود این حدیث است مشخص می گردد که منظور از شرق (ایران) است.

(فلا يعطونه)

امام پس از اینکه از تحقق یک قیام اسلامی در شرق پیشگویی می کند می فرماید: سردمداران رژیم حاکم از دادن حق به این قومی که برای آن قیام کرده اند امتناع می ورزند.

با در نظر گرفتن مطالبی که امام در جملات بعد می فرماید این جمله کاملاً منطبق است بر قیام پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ که ملت مسلمان ایران به رهبری امام (ره) قیام کرد و در آن موقع مسأله سرنگون کردن رژیم مطرح نبود و زمینه ای هم برای این منظور وجود نداشت آن موقع هدف این بود که رژیم را وادارند به حق، در ابعاد مختلف آن و به اسلام تا بمفهوم واقعی آن عمل کند امام در همان ابتداء امر در یکی از سخنرانیها خطاب به شاه فرمودند (من نمی گویم تو نباش، باش ولی نوکر نباش، آقا باش (و به اسلام عمل کن) به هر حال رژیم زیر بار نرفت و به خواسته های مردم به رهبری امام اعتنا نکرد و با دستگیری امام جریان پانزدهم خرداد ۴۲ را بوجود آورد و با

آن کشتار فجیح توانست لاقلاً برای مدتی ولو کوتاه نفسها را در سینه خفه کند و به ظاهر مردم را به سکوت وا دارد.

(ثم یطلبونه فلا یعطونه)

واژه (ثم) در ادبیات عرب در رابطه با تأخیر بکار می‌رود امام در این جمله می‌فرماید (ثم یطلبونه) یعنی پس از گذشت مدتی از قیام نخست دوباره این قوم قیام می‌کنند که این بار نیز در ابتدا سردمداران رژیم تسلیم خواسته‌های مردم نمی‌شوند.

این جمله اشاره به قیام ملت ایران در رابطه با قیام ۲۲ بهمن است که این بار نیز در ابتدا رژیم تسلیم خواسته‌های مردم نشد و تصمیم گرفت با همان روشی که در پانزدهم خرداد ۴۲ پیش گرفته بود این قیام را نیز سرکوب کند و لذا با قساوت و خشونت کم نظیر ملت را زیر رگبار مسلسل‌های دژخیمان خود گرفت و ده‌ها هزار نفر را کشت و ده‌ها هزار نفر را معلول نمود.

(فاذا راوا ذلک وضعوا سیوفهم علی عواتقهم)

ولی این بار ملت به رهبری امام بر آن شد که دیگر باید این رژیم ساقط شود و جمهوری اسلامی تحقق یابد با اینکه ملت دست خالی بود و رژیم تا دندان مسلح ولی به هر حال با تأییدات الهی و رهبری قاطع امام، تصمیم گرفته بود با مشت و چنگ و دندان و چاقو و قمه و شمشیر و با هر چه داشت در برابر رژیم بایستد و جمله فوق اشاره به

این مرحله از قیام است.

(فیعطون ما سالوا)

رژیم که تصمیم قطعی ملت را مبنی بر سرنگون نمودن نظام شاهنشاهی دید و خود را در مقابله با ملت ناتوان مشاهده نمود چاره‌ای جز تسلیم نیافت اینجا بود که شاه توبه نامه خود در رسانه‌های همگانی را پخش نمود و قول داد که اشتباهاتش تکرار نشود و آنچه مردم خواسته‌اند از عدالت و آزادی و اسلام به آنها عطا کند! جمله فوق اشاره به این مرحله از درماندگی رژیم شاه و تسلیم اوست.

(فلا یقبلونه حتی یقوموا)

ملت فریب گریه تائب و عابد را نمی خورد که به رهبری امام زمینه را کاملاً برای سقوط رژیم آماده می بیند و این بار دقیقاً لبه تیز حمله را مترجه رژیم نموده و در ۲۲ بهمن ۵۷ آخرین ضربه را به پیکر فرسوده و ریشه‌های پوسیده نظام ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی وارد می آورد و آنرا ساقط می کند و حکومتی بر اساس مبانی اسلام تشکیل می دهد.

(ولا یدفعونها الا الی صاحبکم)

این جمله اشاره به تداوم انقلاب اسلامی تا حکومت جهانی اسلام و ظهور حضرت بقیه الله است زیرا امام می فرماید پس از ساقط شدن رژیم و تشکیل حکومت اسلامی ملتی که این قیام را به ثمر رسانده‌اند

و این حکومت را تشکیل داده‌اند آنرا جز به صاحب شما یعنی حضرت بقیة الله الاعظم تحویل نمی‌دهند.

(قتلاهم شهداء)

در این جمله امام پیش بینی می‌کند که درگیری‌هایی که این ملت از بدو قیام تا ظهور امام عصر (عج) با مخالفین پیدا می‌کند برای خدا و در راه خدا است و بهمین دلیل کشته‌های آنان شهید محسوب می‌شوند. شهید واقعی مانند شهداء صدر اسلام.

(اما انی لو ادرکت ذلک لا ستبقت نفسی لصاحب هذا الامر)

اما جمله (اگر آن زمان را درک می‌کردم خودم را برای یاری صاحب آن امر مهیا می‌کردم) که حضرت از خودشان خبر می‌دهند که اگر نهضت آنان را درک کند گرچه کشته‌های آنها بمنزله شهید است، برای درک ظهور حضرت مهدی علیه السلام خود را از خطرات حفظ کند... این عبارت بر مقام با عظمت حضرت مهدی علیه السلام دلالت دارد بگونه‌ای که امام محمد باقر علیه السلام غبطه می‌خورند که با آن بزرگوار باشند و از طرفی چنین عبارتهایی از حضرت باقر علیه السلام کمال تواضع و فروتنی نسبت به فرزندش حضرت مهدی علیه السلام می‌باشد.^۱

و این عبارت گویای این نیز هست که فاصله نهضت ایرانیان تا ظهور آن حضرت از مدت عمر یک انسان بیشتر نخواهد بود چون

۱ - تداوم انقلاب اسلامی ایران تا انقلاب جهانی مهدی علیه السلام ص ۴۳ تا ۴۷.

ظاهر گفته امام محمد باقر علیه السلام این است که اگر نهضت آنها را درک کند خویش را حفظ نماید و این بطور طبیعی است نه به سبب معجزه و همین دلیل بسیار مهمی است بر اینکه ما در حال حاضر وارد دوران ظهور آن حضرت شده ایم و همچنین نزدیک بودن نهضت ایرانیان و پیوند آن به زمان ظهور آن حضرت.

* اما توجیه برخی از راحت طلبها نسبت به این عبارت «خود را برای صاحب این امر نگه می داشتم» که تبلیغی است برای حفظ جان از خطرات و عدم حضور در میدان شهادت همچنین عدم شرکت ایرانیان در نهضت و نبردهای آنها... تفسیری است کاملاً اشتباه. زیرا امام باقر علیه السلام از خودش خبر داده و در آن بیان داشته که نهضت آنان نزدیک ظهور حضرت مهدی علیه السلام است و علاقه شدید آن حضرت به اینکه از جمله یاران امام علیه السلام باشد نیز بیان شده است چگونه می توان تصور کرد که مراد امام این است که مردم را با ترساندن از کشته شدن به یاری نکردن کسانی که خود به نهضت آنان بشارت داده و آنها را ستایش نموده است به اینکه کشته هایشان شهید هستند فراخواند بویژه باملاحظه اینکه وجوب یاری آنان بر هر فرد مسلمان در عبارتهای مختلف آن روایت آمده است بلکه با وجود شک در منظور امام علیه السلام و صرف احتمال اینکه مقصود، خود حضرت بوده اند نه دیگران، باز هم تفسیر این گونه افراد راحت طلب بی پایه است زیرا مجرد احتمال

اینکه مسئله مخصوص خود ایشان است باعث می شود که دیگران نتوانند برای خودشان به آن تمسک کنند.

یک نکته:

بسیاری از مردم عقیده دارند که زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام تمامی سلاحهای امروزی از کار افتاده و شمشیر حاکم خواهد بود و دلیل آنرا نیز اشارات روایات می دانند.

اما دیدیم در مورد نهضت مردم ایران نیز آورده بودند که (...سرانجام شمشیرها را بدوش کشیده و...) ولی در انقلاب ایران کسی با شمشیر نجنگید و همین سلاحها بود که کار می کرد فلذا می توان این استنباط را نمود که علت بکارگیری لفظ شمشیر در روایات، قابل فهم بودن روایات برای مردم آن زمان بوده و منظور از اینکه آورده اند که در آن زمان تنها شمشیر حاکم خواهد بود این است که حضرت مهدی علیه السلام با هیچ یک از دشمنان از درب مصالحه و معاهده و... وارد نمی شوند بلکه با همه آنها به جنگ و نبرد می پردازد.

امام صادق علیه السلام نیز در خصوص انقلاب مردم ایران و فرار شاه خائن و معدوم و برانداختن طاغوت که قبل از ظهور آن حضرت واقع و همچنان ادامه پیدا می کند تا آن حضرت ظهور نماید چنین می فرماید: «عن الصادق علیه السلام: و ينقلب ملك العجم في محرم بسفك الدماء حتى يفر ملك العجم لئلا ياخذة الناس - ثم غما و تدوم الفتنة و يدوم

الاتقلاب و بشر الناس بظهور الحجة عليه السلام»

«حکومت عجم (ایران) دگرگون می شود در محرم و در این ماه خونریزی بسیار می شود تا اینکه بالاخره باعث فرار پادشاه عجم از مملکتش می شود برای اینکه مبادا مردم او را بگیرند و در خارج، از شدت غصه و اندوه به هلاکت می رسد و پس از آن آشوب و فتنه ادامه پیدا می کند و انقلاب همچنان ادامه دارد و بشارت باد بر مردم به ظهور حجت خدا»^۱.

علی متقی هندی در کتاب «کنز العمال» درباره برخی از حوادثی که پیش از ظهور حضرت مهدی علیه السلام روی خواهد داد خطبه بسیار مفصلی را از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل کرده است که در ضمن آن چنین آمده است:

«و یح لفراخ آل محمد عليه السلام من خلیفة جبار عتریف مترف مستخف بخلفی و خلف الخلف و بالله لقد علمت تاویل الرسالات و انجاز العادات و تمام الکلمات و لیکونن من یخلفنی فی اهل بیتی رجل یامر بالله قوی یحکم بحکم الله و ذلک بعد زمان مکلف مفضح یشند فیہ البلاء و ینقطع فیہ الرجاء و یقبل فیہ الرشاء فعند ذلک یموت الله رجلا من شاطیء دجلة لامر حزبه یحمله الحقد علی سفک الدماء قد کان فی ستر و غطاء فیقتل قوما و هو علیهم غضبان شدید الحقد حران فی سنة یختصر یسومهم خسفاً و یسقیهم

۱ - بیان الائمة ج ۱ ص ۲۲۲ بنقل از کتاب جهان در آینده ص ۱۱۷.

کأساً مصیره سوط عذاب و سیف دمار.»

یعنی وای بر فرزندان خاندان آل محمد علیهم السلام از پادشاه جبار و فریبکار و ستمکار اسرافکاری که بر بازماندگان فرزندان من و فرزندان فرزندانم استخفاف میورزد و درباره آنها ظلم و ستم روا می‌دارد.

بخدای بزرگ سوگند من به آینده جهان آگاهم و به آنچه در آن اتفاق خواهد افتاد اطلاع کامل دارم (آگاه باشید) بعد از من از میان خاندان من مردی خواهد برخاست که به فرمان خدا دستور دهد و به حکم خداوند عمل نماید و او مردی قوی و نیرومند است که به دستور خدا عمل می‌نماید.

و او بعد از زمان بسیار سختی قیام خواهد کرد که مردم از دست ستمکاران در فشار و ناراحتی بوده و زشتیها و رسوائیها از هر سو دامنگیرشان گردیده و بلاها و شدائد بدانها روی آورده و امیدها ناامید گشته و رشوه خواری رواج داشته باشد.

در آن هنگام که او برخاست و قیام کرد مردی از کنار دجله (بغداد) بدستور حزیش برانگیخته می‌شود که قبلاً در پشت پرده قرار داشته و گمنام بوده و کسی او را نمی‌شناخته است و دشمنی و کینه توزی او را به کشتار و خونریزی (بیگناهان) وادار می‌سازد آن مرد خون آشام به کشتار مردمی دست می‌زند که بر آنها خشمناک و غضبناک و کینه توزی وی نسبت به آنها بسیار شدید است چه آنکه آنها خواسته او را

اجابت نمی کنند و در برابرش تسلیم نمی شوند و او طبق روش بخت النصر شهرهایشان را بر سرشان خراب می کند و جام تلخی به ایشان می چشانند و سرانجام کار او نیز عذابی دردناک و پایان عمل ناروایش شمشیر هلاکت خواهد بود.^۱

در این حدیث شریف که قسمتی از یک خطبه مفصل می باشد علی علیه السلام با بیانی رسا و شیوا هر چند با اشاره از قیام مرد آزاده ای که از دودمان پاک علوی است و پیش از ظهور مبارک حضرت مهدی علیه السلام خواهد آمد و همچنین از پیدایش مرد ناپاک و جنایتکاری که در بغداد به فرمان حزبی کافر از جایگاه جباران و ستمگران روزگار سر بیرون خواهد نمود و بیگناهان را بقتل خواهد رسانید و جنایت و وحشیگری را به اوج خود خواهد رسانید و شهرها را خراب و ویران خواهد ساخت بمقدار کافی سخن گفته و بر اهل عناد و انکار، حجت را تمام فرموده است و نکته دیگر در این خصوص اینکه قبل از خروج سفیانی شخصی بنام شیصبانی خروج خواهد کرد که بین او و سفیانی فاصله چندانی نیست و یا اینکه بلافاصله بعد از او سفیانی خروج خواهد کرد که در حدیثی از امام باقر علیه السلام آمده است:

«دسترسی به سفیانی پیدا نمی کنید تا اینکه قبل از او شیصبانی در

۱ - کنز العمال ج ۱۴ ص ۵۹۳ و ۵۹۴ حدیث ۳۹۶۷۹ بنقل از زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی علیه السلام ص ۶۴۰ تا ۶۴۲.

سرزمین عراق مانند آبی که از سرزمین بجوشد ناگهان ظاهر می شود و خروج می نماید او نمایندگان شما را به قتل می رساند و بعد از این ماجرا در انتظار سفیانی باشید که حضرت قائم نیز خروج می کند.^۱ با کسی دقت خواننده محترم متوجه خواهند شد که مضامین دو حدیث کاملاً منطبق بر همدیگر می باشند حال ببینیم که شیصبانی چه کسی است:

او به شیصبانی توصیف شده است که نسبت به شیصبان دارد و آن صفتی است که امامان (ع) از آن تعبیر به طاغوتها و اشرار می نمایند بگونه ای که در شرح قاموس زبیری آمده است شیصبان در اصل نام ابلیس و مورچه نر می باشد. البته از دیدگاه برخی چنین شخصی با این اوصاف بر صدام حاکم فعلی عراق انطباق دارد چون همه این صفات در او وجود دارد بنابراین اگر سفیانی بعد از او در شام خروج نماید می توان ادعا کرد که صدام همان شیصبانی عراق است که در روایت وارد شده است.^۲

در روایتی از محمد بن الحنفیه درباره درفشهای سیاه چنین آمده است: «عن محمد بن الحنفیه قال: تخرج رایة سوداء لبني العباس ثم تخرج من خراسان اخی سوداء قلائسهم سود و ثیابهم بیض علی مقدمتهم

۱ - بحار ج ۵۲ ص ۲۵۰ بنقل از غیبت نعمانی ص ۳۵۵.

۲ - زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی علیه السلام ص ۱۹۰.

رجل يقال له شعيب بن صالح من قميم يهزمون اصحاب السفیانی حتی تنزل بيت المقدس یوطئ للمهدی سلطانه ید الیه ثلث مئة من الشام یكون بین خروجه و بین ان یسلم الامر الی المهدی اثنان و سبعون شهرا»

پرچم سیاهی از خراسان بسود بنی العباس خارج می شود پس از آن پرچمهای سیاه دیگری از خراسان خروج می کنند که کلاه صاحبان آنها سیاه و لباسهایشان (پیراهنهایشان) سفید خواهد بود سردار سپاه و یا فرمانروای آنها مردی است که به او شعیب بن صالح می گویند او از طایفه بنی تمیم است و لشکریان سفیانی را شکست می دهد تا اینکه وارد بیت المقدس می شود و سلطنت را برای حضرت مهدی علیه السلام آماده می نماید. ۳۰۰ نفر از اهل شام به کمک او خواهند برخاست بین خروج او و بین اینکه تسلیم حضرت مهدی علیه السلام می شود و زمام کار خود را به دست آن حضرت می سپارد هفتاد و دو ماه (شش سال کامل) فاصله خواهد بود.^۱

از سخنان محمد بن الحنفیه درباره دومین پرچمهای سیاهی که پس از انقراض بنی العباس قیام خواهند کرد چند مطلب استفاده می شود که بدین شرح است.

الف - گروه دومی که پس از خروج اولین پرچمهای سیاه (یعنی:

۱ - الملاحم و الفتن ص ۵۲ باب ۹۲ ط - منشورات الرضی و عقد الدرر ص ۱۲۶ بنقل از زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی علیه السلام ص ۷۰۵.

خروج ابو مسلم خراسانی) از خراسان قیام میکنند و پرچمهای آنان نیز سیاه است کسانی هستند که:

کلاههایشان سیاه و پیراهنهایشان سفید است و این علامت از خصوصیات سادات و بخصوص روحانیت است و از آن چنین فهمیده می شود که بیشتر کسانی که در رأس کار و اداره امور کشور قرار دارند (سید) و هاشمی و از اهل علم می باشند.

چه آنکه روایت می گوید (قلانسهم سود و ثیابهم بیض) یعنی: کلاههایشان سیاه و لباسها و پیراهنهایشان سفید است.

و تردیدی نیست که (قلانس) در لغت عرب جمع (قلنسوه) و قلنسوه پوششی است که مانند عرقچین و امثال آن بر بالای سر قرار می گیرد و به عمامه نیز اطلاق می شود و اینگونه پوششها در روزگاری که ما زندگی می کنیم معمولاً مختص سادات و بخصوص به روحانیت و کسانی که از اهل علمند اختصاص دارد زیرا این سادات و بویژه روحانیون و اهل علم هستند که عمامه سیاه بر سر و لباس سفید بر تن دارند و این نکته دقیقی است که در روایت به آن اشاره شده است.^۱

ثوبان از پیامبر ﷺ نیز چنین نقل می کند:

«عن ثوبان قال رسول الله ﷺ: تجيء الرايات السود من قبل المشرق - كان قلوبهم زبر الحديد - فمن سمع بهم فليأتهم فيبايعهم ولو حبواً على الثلج»

۱ - زمينه سازان انقلاب جهانی مهدی علیه السلام ص ۷۰۶.

پرچمهای سیاه از طرف مشرق خواهند آمد که قلبهای آنها همانند تکه‌های آهن است هر کس خبر آنها را شنید نزد آنها بیاید و با آنها بیعت کند اگر چه چهار دست و پا و روی یخ باشد.^۱

و در حدیث دیگری از ثوبان در آخر آن «فان فیها خلیفة الله المهدی علیه السلام» آمده است یعنی «زیرا خلیفه خدا، مهدی علیه السلام در میان آنها (و یا با آنهاست)»^۲

صاحب کتاب عقد الدرر یوسف بن یحییای شافعی پس از آنکه این حدیث را از رسول گرامی اسلام نقل نموده و مدارک و مأخذ آنرا ذکر کرده است در معنای این جمله از حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله که فرموده است: زیرا خلیفه خدا، مهدی علیه السلام در میان آنهاست چنین می‌گوید: ممکن است معنای این جمله این باشد که صاحبان آن پرچمها قدرت و سلطه‌ای بدست می‌آورند و زمینه حکومت و سلطنت حضرت مهدی علیه السلام را فراهم می‌سازند.^۳

همچنانکه عبدالله بن حارث بن جزء الزبیدی نیز از رسول اکرم اسلام صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که متن روایت بدین صورت می‌باشد:

«عن عبدالله الحارث بن جزء الزبیدی قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله یخرج

۱ - ملاحم و فتن ص ۵۳ باب ۹۴ و عقد الدرر ص ۱۲۹ بنقل از جهان در آینده ص ۱۴۷ و الحاوی للفتاوی ج ۲ ص ۱۳۳ بنقل از زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی علیه السلام ص ۲۵۰.

۲ - غایه المرام بحرانی ص ۷۰۱ بنقل از زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی علیه السلام ص ۲۵۱.

۳ - زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی علیه السلام ص ۴۱۸.

ناس من المشرق فیو طئون للمهدی یعنی سلطانه»

مردمی از مشرق قیام خواهند کرد که زمینه سازان ظهور حضرت مهدی علیه السلام خواهند بود یعنی زمینه حکومت و سلطنت آن حضرت را فراهم می آورند.^۱

در حاشیه روایت درفشهای مشرق زمین و گفته پیامبر صلی الله علیه و آله که فرمود: (باید به یاری آنان بشتابید هر چند با خزیدن و راه رفتن روی یخ) داستانی است که یکی از علمای بزرگ تونس (شیخ محمد صالح نیفر) که در فصل زمستان و یخبندان مسافرتی به ایران داشت روزی بیرون هتل پایش سر خورد و روی یخ به زمین خورد یکی از دوستانش که همراه وی بود گفت: خواستم ایشان را بلند کنم به من گفت: این کار را انجام نده صبر کن... میخوامم خودم بلند شوم سپس با کمک دستهایش با کندی از جا بلند شد و سر پا ایستاد و بعد گفت: هر وقت ما این روایت را درباره حضرت مهدی علیه السلام و یارانش می خواندیم به این جمله پیامبر صلی الله علیه و آله که «باید به یاری آنان بشتابید» می رسیدیم از خود می پرسیدیم که حضرت مهدی علیه السلام از مکه ظهور می کند و در آنجا برف و یخ وجود ندارد که پیامبر با این تعبیر ما را امر فرموده است اما هم اکنون معنای گفته پیامبر صلی الله علیه و آله را دانستم از این رو سعی کردم که برف

۱ - الحاوی للفتاوی ج ۲ ص ۶۰ و سنن ابن ماجه ج ۲ ص ۲۴ بنقل از زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی علیه السلام ص ۲۴۹ و عقد الدرر ص ۱۲۵ بنقل از جهان در آینده ۱۴۶.

و یخ را با دست خود لمس نموده و خودم بند شوم.^۱

اشارات:

شیخ احمد یاسین، رهبر پیر، جانباز و آزاده جنبش حماس فلسطین نیز در سخنرانی خود در مسجد الاقصی خطاب به مردم فلسطین می گوید: «قیام مردمی خود (انتفاضه) را ادامه دهید درفشهای سیاهی از خراسان به کمک ما خواهند آمد.^۲

روایات مربوط به قم و مرد موعود این شهر

جالب این است که در روایات اسلامی، روایاتی است که دلالت می کند بر تأیید رهبری انقلاب اسلامی ایران البته بعضی از این روایات بصورت عام است اما بعضی از این روایات طبق آنچه استفاده می شود و بزرگان گفته اند درباره رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران (ره) می باشد اینک آن روایات:

حافظان دین اسلام در هر قرن

«عن ابی عبدالله علیه السلام قال ، قال: رسول الله صلى الله عليه وآله يحمل هذا الدين في كل قرن عدول ينفون عنه تاويل المبطلين و تحريف الغالين و انتحال الجاهلین كما ينفي الكير خبث الحديد.»^۳

۱ - عصر ظهور ص ۲۵۴ . ۲ - ویژه نامه زنگ بیداری.

۳ - اخبار معرفة الرجال جزء ۱ ص ۴ بنقل انقلاب اسلامی ایران در آیات و روایات ص ۸۲.

امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: در هر
 قرنی افراد عادل‌ی هستند که حافظ دین اسلام می‌باشند و تاویل‌های
 ضایع‌کنندگان حق را از بین می‌برند تحریف‌آغراق‌کنندگان را نابود
 می‌کنند خود ساخته‌های جاهلین و نادانان را از بین می‌برند (چون
 افراد ناآگاه و جاهل مطالب غیر اسلامی را که خود بعنوان مسائل
 اسلامی تصور کرده‌اند بانام اسلام و قوانین الهی به خورد مردم
 می‌دهند) همانطوری‌که دم آهنگر کف‌های آهن را از بین می‌برد و آهن
 خالص را باقی نگه می‌دارد (یعنی از تمام جهات اسلام را از انحرافات
 پاک می‌کند و نگه می‌دارد).

در این قرن که اسلام مورد تجاوز قرار گرفته و استعمارگران متوجه
 شده‌اند که باید اسلام را از مردم گرفت (اگر چه سالها قبل و چندین
 قرن پیش به این نظر رسیده بودند) آن شخصیتی که مسئول‌رهایی
 اسلام از انحرافات است و مسئول نجات اسلام از دست تحریف
 کنندگان و جاهلان مغرض می‌باشد یقیناً رهبر کبیر انقلاب اسلامی
 ایران حضرت امام خمینی (ره) است که با حرکت اسلامی و انقلابی
 خود توانست اسلام راستین را برای جهانیان بیان کند و تحریفات
 منحرفان را آشکار نموده و توطئه استعمارگران را در نابودی اسلام
 خنثی نماید.^۱

۱ - انقلاب اسلامی ایران در آیات و روایات ص ۸۲.

طلوع خورشید از مغرب

یکی از علائم ظهور امام زمان علیه السلام که در روایات ذکر شده است اینست که در آخر الزمان خورشید از مغرب طلوع می کند.

از جمله امام صادق علیه السلام در روایتی می فرمایند:

«و طلوع الشمس من مغربها من المحتوم»^۱

«یکی از وقایعی که از قبل از ظهور امام زمان علیه السلام اتفاق خواهد افتاد طلوع خورشید از مغرب زمین میباشد و این جزء علائم حتمی ظهور آنحضرت میباشد».

نکته ای که قابل توجه است در علائم ظهور که در روایات آمده، این است که این علائم ظهور طولی است یعنی تمام آنچه بعنوان علامت ظهور ذکر شده است از زمان غیبت امام زمان علیه السلام تحقق پیدا میکند تا وقتی که آن حضرت قیام نماید بدین معنی نیست که بعد از تحقق پیدا کردن یک یا چند علامت، امام زمان علیه السلام ظهور میکند زیرا وقت و زمان ظهور آن حضرت از مغیبات است که تنها خداوند بدان آگاهی دارد و علاوه بر آن ما می بینیم در روایاتی از امام باقر علیه السلام از جمله علائم ظهور اختلاف بین بنی عباس را ذکر نموده است در عین حالیکه ظهور امام زمان علیه السلام تحقق پیدا نکرده است.

استاد شهید مطهری (ره) در یکی از سخنرانیهایشان زمانیکه رهبر کبیر انقلاب اسلامی در پاریس بودند بیان داشتند که ما وقتی با این روایت برخورد میکردیم تعجب می نمودیم که چگونه ممکن است خورشید از مغرب طلوع کند؟!!!

اما حال متوجه شدیم که این خورشید تابان رهبر کبیر انقلاب اسلامی میباشد که بروز و ظهور ایشان و شناخته شدنشان در سطح جهانی در مغرب زمین است و از غرب به ایران آمده و کشور ایران را به نور جمال خود روشن نموده است و جهان را نوری دیگر بخشیده و خفاشان کوردل را در تاریکیها به وحشت انداخته و ستارگان علم و هدایت را نوری دیگر بخشیده است.^۱

استاد مطهری درباره رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) چنین می گوید: «و اما آن سفر برده که صدها قافله دل همراه او است نام او، یاد او شنیدن سخنان او، روح گرم و پرخروش او، اراده آهنین او، استقامت او شجاعت او، روشن بینی او، ایمان جوشان او که زبانزد خاص و عام است، یعنی جان جانان، قهرمان قهرمانان، نور چشم و عزیز روح ملت ایران استاد عالیقدر و بزرگوار ما حضرت آیه الله العظمی خمینی (ادام الله ظلاله) حسنه ای است که خداوند به قرن ما و روزگار ما عنایت فرموده و مصداق بارز و روشن

۱ - (انقلاب اسلامی ایران در آیات و روایات ص ۸۳).

«ان لله في كل خلف عدولا» ينفون عنه تحريف المبتلين است.^۱

مرد موعود قم در حدیثی از امام کاظم علیه السلام:

از زمره روایات ظهور در خصوص آغاز نهضت آنحضرت از مشرق
بپاخاستن مردی از قم و یاران وی میباشد.

از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود:

«عن موسى بن جعفر علیه السلام قال: رجل من قم يدعو الناس الى الحق يجتمع
معه قوم قلوبهم كزبر الحديد لا تزلم الرياح و العواصف و لا يملون من
الحرب و لا يجبنون و على الله يتوكلون و العاقبة للمتقين.»

(مردی از قم مردم را بسوی خدا دعوت می کند افرادی گرد او
جمع می شوند که قلبهایشان همچون پاره های آهن سستبر است که
بادهای تند حوادث آنانرا نمی لغزانند، از جنگ خسته نشده و
نمی ترسند اعتماد آنان بر خداست و سرانجام کار از آن پرهیزکاران
است) و همچنین مطالب بعد از آن مربوط به قم است.^۲

یک نکته:

* نکته قابل توجه این است که امام علیه السلام در روایت تعبیر به (مردی

۱ - (نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر ص ۷۸) .

۲ - (بحار ج ۶۰ ص ۲۱۶ و ۴۴۶ چاپ ایران و سفینه البحار ج ۲ ص ۴۴۶ بنقل از جهان در
آینده ص ۱۵۷ و زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی علیه السلام ص ۵۵ و الممهدون للمهدی علیه السلام
ص ۱۰۳) .

از قم) نموده و نفرموده است از اهل قم، می‌توان این جمله را بر حضرت امام خمینی (ره) تطبیق داد. چه اینکه ایشان اهل خمین و ساکن قم می‌باشند و اینکه او «مردم را بسوی خدا دعوت می‌کند» نه فقط اهل قم و یا اهل مشرق زمین را و اینکه بادهای تند کینه‌توزی دشمنان و یا جنگ و درگیریها که برای وی و طرفدارانش پیش می‌آید همچنان مقاوم می‌ایستند و مبارزه می‌کنند و هیچ تزلزلی به خود راه نمی‌دهند.

یک سوال:

گاه گفته می‌شود: درست است که در تاریخ قم و ایران ظاهر شدن چنین مرد وعده داده شده‌ای را با یارانی دارای این صفات برجسته کسی سراغ نداشته است... اما دلیلی هم نداریم که این روایت منطبق بر امام (ره) و طرفداران وی می‌باشد شاید منظور، مرد دیگر و یاران دیگری باشد که در عصر و زمان ما ظاهر خواهند شد و یا اینکه بعد از مدتی طولانی و یا کوتاه خواهند آمد...

پاسخ: آری درست است که در روایت آنگونه که بیان کردیم زمان این پیشامد مشخص و روشن نشده است اما مجموعه صفاتی که در روایت آمده بعلاوه آنچه که در روایات متعدد دیگر پیرامون قم و ایران و دیگر روایاتی که در ذیل به آنها اشاره خواهد گردید که صراحتاً نام مرد موعود از قم را یادآوری نموده است، موجب اطمینان این

معناست که مراد از صفات یاد شده حضرت امام خمینی (ره) و یاران وی می باشند.

بنابراین اگر پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان (ع) به حادثه و پیشامدی خبر داده اند که منطبق بر وضع موجود باشد معقول نیست که از آن چشم پوشی نموده و آن را بر قضیه و حادثه‌ای مشابه و یا واضحتر که وعده پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت او بر آن منطبق شود حمل نماییم.^۱

این مرد وارسته شخصیت گرانقدری است که بدون هیچگونه ترس و وا همه در محیط رعب و وحشت و استبداد فریاد و اسلاما سر می دهد و مردم را بطرف حق دعوت می کند و در روزگاری که دستگاههای دولتی وقت محیط اسلامی ایران را با تبلیغات زهر آگین خود علیه اسلام مسموم کرده اند به یاری اسلام می شتابد و با فریادهای پی در پی و سخنان دلنواز خود ابرهای تیره تبلیغات مسموم را کنار می زند و سرانجام بر اثر مقاومت و پایدردی، چهره زشت و کریه بیدادگران زمان خود را به مردم معرفی می کند و بر همه آنها پیروز می شود.

او مرد مبارز شکست ناپذیری است که از جنگ و مبارزه با دشمن وا همه ندارد بلکه برعکس، جهاد در راه خدا را دوست می دارد و لذا با قامتی افراشته و استوار قد علم می کند و در برابر قدرتها مردانه

می ایستد و همه دشمنان اسلام را به وحشت می اندازد. این سید بزرگوار، به منظور اینکه مسلمانان دربند و آزادیخواهان ستم کشیده را از چنگال استبداد سیاه رهانیده و از تغییر قوانین الهی و سنت رسول ا... ﷺ جلوگیری بعمل آورد، در کمال قدرت و شهامت، مردانه وارد میدان می شود و منطقتش این است که: ای مسلمانان بفریاد اسلام برسید (یا آل احمد اجیبوا الملهور).^۱

حدیث مفضل بروایت حسن بن سلیمان:

و اینک حدیث «مفضل» از کتاب «منتخب البصائر» تالیف شیخ فاضل حسن بن سلیمان حلی شاگرد شهید اول از علماء اوائل قرن نهم هجری که مرحوم علامه مجلسی علیه الرحمه نیز قسمتی از حدیث مذکور را از آن کتاب نقل کرده است در اینجا می آوریم. این دانشمند محترم حدیث (مفضل) را از حضرت امام صادق علیه السلام در کتاب (مختصر بصائر الدرجات) چنین آورده است:

«خبر داد بمن برادر رشید و صالح، محمد بن ابراهیم بن محسن عطار آبادی به اینکه این حدیث را که ذکر خواهیم نمود بخط پدرش ابراهیم بن محسن (آن مرد صالح) را یافته است و آنگاه او خط پدرش را به من نشان داد و من هم نسخه‌ای از روی آن خط نوشتم و صورت

۱ - (منتخب بصائر الدرجات ص ۱۸۸ و ۱۸۹ ط - نجف سال ۱۳۷۰ هجری و بحار ج ۵۳ ص ۳۵ و ۱۵ و ۱۶ و الانوار النعمانیة ج ۲ ص ۸۷ و ۸۸ بنقل از زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی علیه السلام ص ۴۷۹).

آن حدیث چنان است:

حسین بن حمدان از محمد بن اسماعیل و علی بن عبدالله حسنی از ابی شعیب محمد بن نصیر از عمر بن فرات از محمد بن مفضل از مفضل بن عمر روایت کرده است که مفضل گفت: حضور امام صادق علیه السلام عرض کردم آیا برای مهدی منتظر علیه السلام که مردم در آرزویش هستند وقتی هست که مردم آنرا بدانند؟

و آنگاه این دانشمند بزرگوار آن حدیث مفصلی را که درباره مسائل مختلفی از مفضل از حضرت امام صادق علیه السلام رسیده است نقل می کند تا بدینجا که درباره سید حسنی می نویسد:

«قال المفضل: ثم یکون ماذا یا سیدی؟! فقال: ثم ینخرج الفتی الحسنی الصبیح من نحو الدیلم، فیصیح بصوت له، یا آل محمد اجیبوا الملهوف، و المنادی من حول الضریح، فتجیبه کنوز الله بالطالقان کنوز لا من ذهب و لا من فضة بل رجال کزیر الحدید.

لکانی انظر الیهم البر ازین الشهب بایدیهم الحراب یتعاونون شوقا الی الحرب کما تتعاونی الذئاب امیرهم رجل من بنی تمیم، یقال له شعیب بن صالح فیقبل الحسین علیه السلام فیهم وجهه کدائرة القمر، یروع الناس جمالا فیبقی علی اثر الظلمة فیاخذ سیفه الصغیر و الکبیر و الوضیع و العظیم ثم یسیر بتلك الرايات کلها حتی یرد الکوفة و قد جمع بها اکثر اهلها فیجعلها له معقلا ثم یتصل به خبر المهدی علیه السلام فیقولون له یا بن رسول الله صلی الله علیه و آله من هذا الذی

نزل بساحتنا فيقول الحسين عليه السلام اخرجوا بنا اليه حتى تنظروا من هو و ما يريده و هو يعلم و الله انه المهدي عليه السلام و انه ليعرفه»^۱.

یعنی: مفضل گشت ای آقای من دیگر چه می شود، فرمود: سپس سید حسنی آن جوان مرد خوبروی نیکو منظری که از طرف دیلم فریاد بر می آورد قیام می نماید و با صدایی که دارد فریاد بر می آورد ای آل محمد غمگین محزون و متأسف دردمند را اجابت کنید و ندادهنده از اطراف ضریح فریاد می کند پس گنجهای خدا در طالقان دعوت او را اجابت می کنند آن ها گنجهایی هستند که نه از طلاست و نه از نقره بلکه دلیر مردانی هستند مانند پاره های آهن! گویا من هم اکنون آنها را می نگرم که بر مرکبهای بسیار سخت و قوی سوارند و ابزار جنگی خود در دست دارند و از شدت شوق و علاقه ای که به جنگ دارند همچون گرگهایی که در هنگام حمله فریاد بر می آورند آنها نیز فریاد می زنند و فرمانروای آنان مردی از بنی تمیم است که به او شعیب بن صالح می گویند. پس حسین عليه السلام «دقت کنید» ظاهر می شود و با رویی که مانند دایره قمر (و قرص ماه) است در میان آنها رو می آورد و مردم از هیبت و جمال او تعجب می کنند (و یا از دیدن چهره جذاب و ملکوتی وی دچار ترس و وحشت می شوند) و او آثار

۱ - (مختصر بصائر الدرجات ص ۱۸۸ و ۱۸۹ بنقل از زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی عليه السلام ص ۴۸۷ و بحارج ۵۳ ص ۱۵ و جهان در آینده ص ۱۵۹).

ظلم و ستم را دنبال و ستمکاران را تعقیب می نماید و شمشیر بُرنده اش کوچک و بزرگ و پست و شریف را می گیرد سپس او با تمام آن پرچمها یعنی لشکریان، سیر می کند و حرکت می نماید تا اینکه وارد کوفه می شود و این در وقتی است که بیشتر اهل کوفه (که شاید منظور مردم عراق باشند) در آنجا جمع شده باشند و او کوفه را محل استقرار خود قرار خواهد داد. آنگاه خبر ظهور مهدی علیه السلام به او می رسد عرضه می دارند ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله این چه کسی است که در قلمرو ما فرود آمده است؟ حسین علیه السلام (دقت کنید) می فرمایند: بیایید با هم برویم تا ببینید که او چه کسی است و چه می خواهد و او می داند بخدا قسم که او حضرت مهدی علیه السلام است و بخوبی او را می شناسد.

یک اشتباه:

سپس این دانشمند محترم بقیه حدیث را مانند (بحار) و (انوار النعمانیة) با تفصیل نقل نموده و در هر جایی که نام حسنی بوده است (بجز همان بار اول که نام حسنی را آورده است) در تمام موارد بجای حسنی، حسین علیه السلام را نوشته است.

والبتّه این از سه حال خارج نیست یا اینکه این اشتباه از کاتب و نسخه نویس اولی بوده و یا اینکه ایشان اشتباها حدیث را همین گونه که ملاحظه فرمودید بجای حسنی، حسین علیه السلام را نوشته است (و یا اینکه در واقع اصلاً ثم یخرج الحسینی بوده است که بنظر می رسد فرض

سوم صحیح باشد).

در هر صورت مرحوم عراقی در کتاب «دار السلام» درباره نوشته حسن به سلیمان چنین می نویسد:

«مؤلف گوید: که مرحوم مجلسی بعد از آنکه در بحار این حدیث را از مولفات بعضی اصحاب از حسین بن همدان به سند مذکور ذکر نموده فرموده است که شیخ حسن بن سلیمان در کتاب منتخب البصائر حدیث مفضل را بدین صورت آورده است که: (خبر داد بمن محمد بن محسن... و سپس مفضل را ذکر نموده تا: گویا جوانان طالقان را می بینم تا آخر فقره خروج حسنی) و در جمیع این فقره در عوض لفظ حسنی (حسین علیه السلام) ذکر نموده است و از این طرز نقل چنان مستفاد می شود که آن شخص قیام کننده حسین علیه السلام است و تعبیر به حسنی در این روایت از کاتب بوده است و موید این روایت است (در صورتی که مقصود حسین علیه السلام باشد) بعض اخباری که در باب رجعت ذکر می شود^۱.

ضمناً ناگفته نماند که همین توضیح مرحوم عراقی سبب گردیده است که (ناظم الاسلام) کرمانی در کتاب علائم الظهور خود بگوید: «عبارات کتب درباره سید حسنی مختلف است» و در نتیجه در آخر کتاب چنین نتیجه بگیرد که آن سید انقلابی قیام کننده بگفته کتاب

۱ - دارالسلام عراقی ص ۴۱۰ انتشارات کتابفروشی اسلامیة ۱۳۵۲ شمسی.

«دارالسلام» بنقل از منتخب البصائر «حسینی» است.

در اینجا به تناسب بحث این نکته را نیز اضافه می کنیم که در مورد حدیث «غیبت» شیخ طوسی هم که از امام باقر علیه السلام آورده است (کانی بالحسنى، و الحسینی، و قد قاداتها فیسلمها الی الحسینی).

مرحوم کاظمی در بشارت الاسلام بجای حسنی و حسینی، حسن و حسین آورده و اینگونه نوشته است (کانی بالحسن و الحسین و قد قاداتها فیسلمها الی الحسین).^۱

و در کتاب جهان در آینده نوشته سید محمد حسن موسوی کاشانی ص ۱۴۷ به نقل از عقد الدرر ص ۱۲۷ آمده است که عبدالله بن عمر می گوید:

«قال عبدالله به عمرو: یخرج رجل من ولد الحسین من قبل المشرق و لو استقبلته الجبال هدمها و اتخذ فیها طرقا»

مردی از فرزندان حسین علیه السلام از طرف مشرق قیام می کند که اگر کوهها در مقابل او بایستند او کوهها را خراب می کند و راهی را از بین آن باز می کند.

و این خود بیانگر این واقعیت است که اصالتاً درباره احادیث مربوط به حسنی هر چه باشد خواه حسنی و خواه حسینی اشتباهی در کتابهای موجود رخ داده است.

اینک پس از نقل روایت مفضل درباره خروج سید حسنی خوب است مختصراً توضیحاتی پیرامون برخی از لغات و کلماتی که در حدیث مفضل در مورد نهضت خدا پسندانه سید حسنی آمده است ارائه دهیم تا شاید بدینوسیله بتوانیم جهت شناخت واقعی وی و انگیزه اساسی انقلاب ثمربخش او راهی را فراراه خواننده محترم قرار دهیم (ان شاء الله)^۱

معنای فتی در لغت:

قتیبی گفته است فتی بمعنای جوان و تازه سن نیست بلکه به معنای انسان کامل و عاقل و شخص نیرومند و قوی و با شخصیت و خوش فکر و نیک اندیش است.^۲

معنای فتی در قرآن:

درباره همدسفر موسی که طبق گفته مفسرین «یوشع بن نون» بوده است چنین می فرماید: «و اذا قال موسی لفتیه لا ابرح»^۳

یعنی و موسی به خدمتکار خود گفت من از اینجا نمی روم . در صورتی که خدمتگذار موسی ، یوشع بن نون بوده است و علت اینکه قرآن مجید از او بعنوان فتی یاد نموده این بوده است که وی خدمتگذاری حضرت موسی علیه السلام را پذیرا شده و از وی پیروی می کرده

۱ - زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی علیه السلام ص ۴۹۰ تا ۴۹۲.

۲ - لسان العرب ماده فتی و جزل بنقل از زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی علیه السلام ص ۴۹۳.

۳ - سوره مبارکه کهف آیه ۶۰.

است تا از او علم و دانش بیاموزد.^۱

معنای فتی در حدیث:

در حدیثی از حضرت صادق علیه السلام آن حضرت کلمه فتی را به مومن تفسیر فرموده است.

محدث بحرانی ذیل آیه شریفه: «ام حسبت ان اصحاب الکهف والرقیم کانوا من آیاتنا عجبا»^۲. چنین می نویسد:

(سلیمان بن جعفر همدانی گفت: امام صادق علیه السلام به من فرمود: ای سلیمان فتی چه کسی است؟ عرضه داشتم: قربانت گردم کلمه فتی در نزد ما به معنی جوان است، حضرت به من فرمود: آیا ندانسته‌ای که تمامی اصحاب کهف پیر بودند ولی خداوند آن‌ها را بوسیله ایمانشان «فتیه» (جوانمردان) نامیده است؟ ای سلیمان کسیکه به خدا ایمان آورد و متقی و پرهیزکار باشد او جوانمرد است.)^۳

نتیجه‌گیری:

در خصوص کلمه فتی نتیجه‌ای که از مجموع معانی یاد شده از لغت و حدیث و قرآن بدست می‌آید این است که کلمه «فتی» که در حدیث مفضل در مورد سید حسنی بکار رفته است بمعنای جوانمرد است نه بمعنای جوان، علی‌هذا کسانی که ترجمه لفظ فتی را در حدیث

۱ - مجمع البحرین ماده فتی ج ۱ ص ۳۲۵ بنقل از زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی علیه السلام ص ۴۹۴. ۲ - سوره مبارکه کهف آیه ۹.

۳ - تفسیر البرهان ج ۲ ص ۴۵۶ بنقل از زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی علیه السلام ص ۴۹۶.

مذکور به معنی جوان آورده‌اند توجه فرموده‌اند که ذکر کلمه فتی در حدیث مذکور از باب «لافتی الا علی» است و در اینجا معنای مناسب همان جوانمرد آزاده است.^۱

آل به چه کسانی اطلاق می‌شود؟

حال که دانستیم (فتی) بمعنای جوانمرد و آزاده است باید ببینیم کلمه «آل» در لغت عرب به چه کسانی اطلاق می‌شود. در مفردات راغب درباره کلمه آل چنین می‌نویسد:

آل، مقلوب از «اهل» است و مصغر آن «اهیل» می‌باشد و فقط در اشراف و بزرگان بکار می‌رود مثل «آل الله» در اشخاص ناشناس و زمان و مکان بکار نمی‌رود.

در قرآن کریم نیز کلمه آل در مورد اشراف بکار رفته است چنانکه می‌خوانیم آل موسی، آل هارون، آل ابراهیم، آل یعقوب، آل لوط و... کلمه آل در قرآن کریم در موارد متعددی استعمال شده است در خصوص غرق شدن «فرعون» و لشکریانش چنین آمده است «و اغرقنا آل فرعون و انتم تنظرون»^۲

در اینجا چنانچه ملاحظه می‌کنید از لشکریان فرعون به آل فرعون تعبیر شده است لشکریان فرعون چون پیرو و هم عقیده او بودند از این جهت خانواده و اهل او حساب شده‌اند و این همان معنایی است

۱ - زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی علیه السلام ص ۴۹۷. ۲ - سوره مبارکه بقره آیه ۵۰.

که در لغت درباره اهل آمده است.^۱

در لسان العرب نیز درباره کلمه آل چنین می نویسد:

والآل: آل النبی صلی الله علیه و آله یعنی: و کلمه آل به آل پیغمبر صلی الله علیه و آله گفته

می شود و همچنین می نویسد مردم درباره کلمه آل اختلاف کرده اند

گروهی گفته اند: آل پیغمبر کسی است که از آن حضرت پیروی کند

خواه از خویشاوندان او باشد. یا نباشد و آل پیغمبر خویشان نزدیک

پیغمبرند خواه از آن حضرت پیروی کنند یا نکنند و باز می گوید:

برخی گفته اند آل محمد صلی الله علیه و آله اهل دین محمد صلی الله علیه و آله است و در آخر سر

می گوید: «و آل الرجل، ایضا، اتباعه» یعنی: آل هر کس پیروان او و

ملت او هستند.^۲

علیهذا روی این بیان جمله (یا آل احمد صلی الله علیه و آله) و یا اینکه (یا

آل محمد صلی الله علیه و آله) که در حدیث مفضل درباره سید حسنی آمده است

جمله ای است که سید حسنی در موقع قیام و هنگام نخستین روزهای

نهضت پس از گذشت سالها بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله آنرا بکار می برد و

بنابراین از همان نخستین روزی که سید قیام می کند و علیه ظلم و ستم

پیاپی می خیزد و از مردم برای نصرت دین خدا یاری می طلبد همه مردم

و مسلمانان جهان را مورد خطاب قرار می دهد و فریاد بر می آورد

۱ - اقتباس از قاموس قرآن ج ۱ ص ۱۴۳. ۲ - لسان العرب ماده آل.

که ای مسلمانان ای بزرگان دین بشریاد برسید که اسلام از دست رفت.^۱
اشارات:

حضرت امام خمینی (ره) در سال ۱۳۴۲ در سخنرانی روشنگرانه خویش در جریان کاپیتولاسیون که نقطه عطفی بود در روشنگریهای آن امام عزیز فقید جمالاتی بیان داشتند (هر چند که از ابتدا تا انتهای حرکت افشاگرانه امام (ره) در استمداد از ملت شریف ایران برای بیداری مردم و زنده کردن و زنده نگه داشتن اسلام بود) که بدین صورت میباشد:

.... آقا من اعلام خطر می‌کنم ای ارتش ایران من اعلام خطر می‌کنم
ای سیاسیون ایران من اعلام خطر می‌کنم ای بازرگانان ایران من اعلام
خطر می‌کنم ای علمای ایران ای مراجع اسلام من اعلام خطر می‌کنم
ای فضلاء ای طلاب ای مراجع ای آقایان ای نجف ای قم ای مشهد ای
تهران ای شیراز من اعلام خطر می‌کنم خطر دارد معلوم شد پشت
پرده چیزهایی بوده است ما خبر نداشتیم معلوم شد برای ما
خوابهایی دیده‌اند والله گناهکار است کسی که داد نزنند والله مرتکب
کبیره است کسی که فریاد نزنند ای سران اسلام به داد اسلام برسید ای
علمای نجف به داد اسلام برسید ای علمای قم به داد اسلام برسید

۱ - زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی علیه السلام ص ۴۹۷ و ۴۹۹.

ای ملل اسلام ای سران اسلام...^۱

این آن چیزی است که از جمله (یا آل احمد) استفاده می شود وگرنه مقصود از آل (در اینجا پس از گذشت سالها از رحلت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و عدم وجود اهل بیت آن حضرت) سادات و علماء و بزرگان و مسلمانان باشند چه معنایی دیگری برای جمله (یا آل احمد) می توان پیدا کرد؟

مضطر بیچاره کیست؟

به حسب ظاهر آنچه از صدر و ذیل حدیث استفاده می شود و خود سیاق عبارت حدیث گواهی می دهد تمامی مطالب حدیث در رابطه با خروج سید حسنی است و از این رو آن مضطر بیچاره ای که از مردم یاری می طلبد تا به نصرت دین خدا برخیزند خود سید حسنی است و اینکه برخی گفته اند اجابت کنید دعوت آن کسی را که از غیبتش متأسف بودید و «ملهوف» یعنی غمگین محزون را، امام زمان صلوات الله و سلامه علیه دانسته اند با جریان اصل نهضت سازگار نیست زیرا تمام آن جریانات و وقایع و حوادث و رویدادهای دردناکی که بر ضد اسلام انجام می شود و باعث تأسف و تألم و ناراحتی سید حسنی می گردد و در نتیجه به قیام او برای برانداختن نظام ظلم طاغوتی منجر می شود همگی در ایران است.

۱ - نوار کاست سخنرانی از آرشیو صدا و سیما.

و برای همین است که سید نشستن و ساکت بودن و مهر سکوت بر لب زدن را جایز نمی‌شمرد و با فریاد بلند و رسا که همه جهانیان بشنوند فریاد بر می‌آورد و همه مسلمانان را به یاری می‌طلبد و بخصوص از بزرگان و علماء می‌خواهد تا برای نجات اسلام فکری کنند.^۱

ضریح، کدام ضریح است؟

در جمله عربی متن حدیث که آمده است (والمنادی من حول الضریح) نکته دقیق

و عمیقی است که نیاز به فکر و اندیشه دارد و اگر چه بطور دقیق نمی‌توان این ضریح را مشخص کرد ولی با توجه به منطقه معینی که امام علیه السلام تعیین فرموده و خروج سید حسنی را از ناحیه‌ای بنام قزوین و طالقان دانسته است چنین فهمیده می‌شود که آن ضریح نیز باید در همین منطقه نامبرده باشد.

برخی از دانشمندان مانند ناظم الاسلام کرمانی در این باره چنین ابراز عقیده کرده است که شاید مراد از ضریح (حرم مطهر حضرت عبدالعظیم باشد) وی در این باره با اتکاء به حدیث منفضل چنین می‌نویسد:

«از پاره‌ای از اخبار استفاده می‌شود در هنگامی که سید حسنی از

۱ - زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی علیه السلام ص ۴۹۹.

طرف دیلم خروج کند و یاری طلبد از اطراف ضریح، او را جواب دهند یا آنکه از اطراف ضریح مردم را به او دعوت کنند. شاید مراد از ضریح (حرم مطهر حضرت عبدالعظیم باشد) که از فتنه و سختی، جمعی از مؤمنین، از کثرت ظلم به آن مکان مقدس پناه برند و در آن وقت صدای سید حسنی از طرف طالقان و قزوین و دیلم بلند شود که به فریاد برسید «ملهوف» را و یاری کنید آل محمد علیهم السلام را.»

گرچه این اظهار نظر تا اندازه‌ای قابل قبول است ولی آنچه حدیث می‌گوید: غیر از آن چیزی است که ناظم الاسلام کرمانی گفته است چه آنکه جمله عربی حدیث که می‌گوید: «والمنادی من حول الضریح» در رابطه با فریاد انقلابی خود سید حسنی است نه اینکه مردم را به او دعوت کنند و یا مردم از اطراف ضریح او را جواب دهند.

زیرا حدیث می‌گوید «منادی» یعنی: (فریاد بر آورنده) در اطراف ضریح فریاد خواهد کرد و این منادی و فریاد برآورنده بدون تردید، همان سید حسنی است.

اما اینکه این دانشمند گفته است: (شاید مراد حرم حضرت عبدالعظیم باشد) ضرورتی ندارد که این حرم، حرم حضرت عبدالعظیم باشد شاید جای دیگر و حرمی دیگر باشد و شاید هم مقصود حرم حضرت معصومه (س) در شهر مقدس قم باشد زیرا این شهر مقدس قم است که پیغمبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله درباره‌اش فرموده

است:

«شبی که مرا به آسمانها بردند نظرم بر بقعه‌ای از زمین جبل (یعنی ایران) افتاد که سرخرنگ و زمین آن از زعفران نیکوتر و بوی آن از مشک خوشبوتر بود پرسیدم جبرئیل: این چه سرزمینی است؟ جواب داد: این سرزمین شیعیان تو و شیعیان پسر عمت علی بن ابی طالب علیه السلام و صورت شهری است که آن را قم می‌نامند.»^۱

و امیر المؤمنین علیه السلام فرموده است:

«چون فتنه و هرج و مرج ظاهر شود (و آشوب همه شهرها را فرا گیرد) در آن وقت سالمترین شهرها شهر مقدس قم است و قم شهری است که از آن یاوران کسی که بهترین مردم است (یعنی حضرت مهدی علیه السلام از لحاظ پدر و مادر و جد و جده و عم و عمه) از آن شهر بیرون می‌آیند و آن جایی است که جبرئیل در آنجا فرود آمده است.»^۲

و امام صادق علیه السلام فرموده است:

«هرگاه به شما (شیعیان) رنج و بلائی رسید و فشارها و سختیها از هر سو بسوی شما روی آورد پس بر شما باد که به شهر مقدس قم روی آورید چه آنکه قم مأوای فاطمیان و جایگاه آسایش و محل راحتی

۱ - عتل الشرایع ج ۲ ص ۵۷۲ و بحارج ۶۰ ص ۲۰۷ و تاریخ قم ص ۹۲ و ۹۷ بنقل از زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی علیه السلام ص ۵۰۰ تا ۵۰۲.

۲ - بحارج ۶۰ ص ۲۱۷ و تاریخ قم ص ۹۰ بنقل از زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی علیه السلام ص ۵۰۲.

مؤمنان است.^۱

و یکبار که در محضر حضرتش از فتنه‌های (بنی عباس) و ظلم و ستم آنان سخن به میان آمد کسانی که در حضور آن حضرت بودند عرضه داشتند یا بن رسول الله جانهای ما فدای تو باد وقتی چنین روزگاری فرا رسید گریزگاه کجاست؟

فرمود: از عراق به کوفه و حوالی آن و به قم و اطراف آن.^۲

و بار دیگر که درباره این شهر مقدس سخن می‌گفت فرمود:

«روزگاری فرا می‌رسد که کوفه از مؤمنین خالی می‌شود و علم و دانش در آن ناپدید می‌گردد و آنگاه در شهری ظاهر می‌شود که به آن قم گفته می‌شود و آنجا معدن اهل علم و فضل می‌گردد و علم و دانش از آنجا به جای دیگر سرایت می‌کند تا جایی که بر روی کره زمین هیچ مستضعفی که علم و دانش به او نرسیده باشد باقی نماند و حتی زنان پرده نشین نیز بعزت امامت و ولایت عالم و آگاه می‌گردند.^۳

و باز مرتبه دیگر که در همین زمینه گفتگو می‌کرد فرمود:

«روزگاری بیاید که خداوند بوسیله (قم و اهل قم) حجت را بر همه

۱ - بحار ج ۶۰ ص ۲۱۵ و تاریخ قم ص ۹۸ بنقل از زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی علیه السلام ص ۵۰۳.

۲ - بحار ج ۶۰ ص ۲۱۵ و تاریخ قم ص ۹۹ بنقل از زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی علیه السلام ص ۵۰۳.

۳ - بحار ج ۶۰ ص ۲۱۳ و تاریخ قم ص ۹۶ بنقل از زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی علیه السلام ص ۵۰۳.

مردم تمام کند و این در زمان غیبت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است و در آن وقت تا زمان آمدن حضرت قائم علیه السلام و هنگام ظهور آن حضرت، قم و اهل قم قائم مقام حضرت حجت علیه السلام باشند.^۱

و زمانی دیگر که گروهی از اصحاب و یاران حضرتش در محضرش نشسته بودند ناگهان این آیه شریفه را تلاوت فرمودند: «فاذا جاء وعد اولیها بعثنا علیکم عبادا لنا ولی باس شدید فجاؤا خلال الدیار و کان وعدا مفعولا»^۲

یعنی: «هنگامیکه نخستین وعده فرا رسد مردانی پیکارگر را بر شما می فرستیم (یهود) (تا سخت شما را در هم بکوبند و حتی برای بدست آوردن مجرمان) خانه‌ها را جستجو کنند و این وعده‌ای است قطعی»

عرض کردند قربانت گردیم یا بن رسول الله این بندگان کیانند و چه طایفه‌ای هستند؟ حضرت سه بار فرمود: (هم والله اهل قم) (هم والله اهل قم) (هم والله اهل قم) یعنی بخدا قسم آنها اهل قم هستند، بخدا قسم آنها اهل قم هستند، بخدا قسم آنها اهل قم هستند.^۳

وامام موسی بن جعفر علیه السلام در حدیثی که از آن حضرت وارد شده

۱ - بحار ج ۶۰ ص ۲۱۳ و تاریخ قم ص ۹۵ بنقل از زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی علیه السلام ص ۵۰۴ - ۲ - سوره مبارکه اسراء آیه ۵.

۳ - بحار ج ۶۰ ص ۲۱۶ حدیث ۴۰ و تاریخ قم ص ۱۰۰ بنقل از زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی علیه السلام ص ۵۰۴.

است فرموده است:

«عن موسی بن جعفر علیه السلام قال: رجل من قم يدعوا الناس الى الحق يجتمع معه قوم قلوبهم كزبر الحديد لا تزلمهم الرياح و العواصف و لا يملون من الحرب و لا يجبنون و على الله يتوكلون و العاقبه للمتقين.»

«مردی از قم مردم را بسوی خدا دعوت می کند افرادی گرد او جمع می شوند که قلبهایشان همچون پاره های آهن سستبر است که بادهای تند حوادث آنانرا نمی لغزاند، از جنگ خسته نشده و نمی ترسند اعتماد آنان بر خدا است و سرانجام کار از آن پرهیزکاران است»^۱.

توجه:

خواننده عزیز! اگر مقداری در این حدیث شریف تأمل کنید و مضامین عالیّه آنرا به دقت مورد ارزیابی قرار بدهید و بین این حدیث و حدیث مفضل بن عمر که درباره خروج سید حسنی روایت شده مقایسه کوتاه و مختصری بعمل آورید خواهید دید که این حدیث از نظر معنا دقیقاً همان حدیث امام صادق علیه السلام است (اگر چه الفاظ آن با هم تفاوت دارد) زیرا:

۱- در حدیث مفضل بطوریکه ملاحظه نمودید امام صادق علیه السلام می فرماید (وقتی که سید حسنی قیام کرد فریاد برمی آورد که ای

مسلمانان فریاد اسلام برسید) و در این حدیث موسی بن جعفر علیه السلام می فرماید: مردی از قم مردم را به طرف حق دعوت می کند و این فرمایش امام هفتم اشاره است به آیه شریفه (افمن یهدی الی الحق یتبع امن لایهدی الا ان یهدی فمالکم کیف تحکمون) ^۱

یعنی: (آیا کسیکه راهنمایی به حق می کند سزاوارتر است که از او پیروی کنند یا کسی که راه نیابد جز آنکه راهنمائیش کنند؟ چه شده است شما را؟ چگونه حکم می کنید؟)

و مسلم است که حق همانا خدا و دین خداوند و در نهایت اشاره به اسلام است.

۲. آن حدیث امام صادق علیه السلام می فرماید: فریاد برآورنده در اطراف ضریح فریاد برمی آورد و در این حدیث موسی بن جعفر علیه السلام با صراحت می فرمایند: مردی از شهر مقدس قم قیام می کند.

۳. در آن حدیث امام ششم علیه السلام می فرمایند: گنجهای طالقان او را اجابت می نمایند و در این حدیث امام هفتم علیه السلام می فرمایند: گروهی که مانند پاره‌ای آهن هستند دور او گرد می آیند.

۴. در آن حدیث امام علیه السلام می فرمایند: آنان سلاحهای خود را بدوش گرفته و پیوسته ستمگران را می کشند و در این حدیث هم موسی بن جعفر علیه السلام می فرمایند: که آنها نه ترسی دارند و نه از جنگ

۱ - سوره مبارکه یونس آیه ۳۵.

نخسته می شوند.

۵- در آخر آن حدیث می فرمایند: سید حسنی با تمام دار و دسته اش تسلیم حضرت مهدی علیه السلام می شوند و در این حدیث نیز امام هفتم علیه السلام می فرمایند: (والعنبه للمتقین) یعنی: و سرانجام پیروزی از آن تقوی پیشگان است که سرانجام قیام، همان رسیدن به حق و تسلیم شدن در برابر حق است.

بنابراین با توضیحاتی که داده شد می توان گفت: آن ضریحی که امام صادق علیه السلام از آن سخن گفته و فرموده است: منادی در اطراف ضریح ندا خواهد کرد، آن ضریح، همان ضریح مقدس و مرقد پاک و مطهر حضرت معصومه (س) می باشند.^۱

و باز می توان نتیجه گرفت که چنین شخصی با چنین خصوصیتی که از قم ندای وا اسلاما سر دهد که در تمامی جهان بگوش برسد تا عصر حاضر کسی نبوده جز حضرت امام خمینی (ره) که با فریادهای پی در پی خود و به کمک یارانش، اسلام را دوباره زنده نموده و به فرموده مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی):

«در دهه فجر اسلام تولدی دوباره یافت»

و دیگر اینکه اگر مرد موعود از قم همچنانکه اثبات گردید حضرت

۱ - زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی علیه السلام ص ۵۰.

امام خمینی (ره) باشند سید حسنی مذکور در حدیث مفضل، سید حسنی نبوده بلکه بنا بدلایلی که قبلاً ذکر شد اشتباهی در نقل حدیث رخ داده و سید مذکور حسینی بوده است زیرا حضرت امام علیه السلام از نسل حضرت امام حسین علیه السلام می باشند.

یک نکته:

و اما درباره جمله «فیتقبل الحسین علیه السلام یعنی پس حسین علیه السلام ظاهر می شود» اگر خواننده محترم در حدیث مفضل بن عمر کمی تأمل نمایند متوجه خواهند گردید که منظور از جمله «فیتقبل الحسین علیه السلام» شخص دیگری است که بعد از سید حسنی (همانطور که اثبات گردید سید مذکور، حسینی بوده و اشتباه از ناقلین اخبار بوده است) ظاهر خواهد گردید که پرچم انقلاب و حکومت اسلامی را به حضرت ولی عصر (عج) تحویل خواهد داد و با یاران خود تسلیم آنحضرت خواهند شد همچنانکه از غیبت طوسی بنقل از امام محمد باقر علیه السلام ذکر گردید که در مورد حدیث مذکور آورده است: «کانی بالحسنى و الحسینی و قد قاداها فیسلمها الی الحسینی» و با کمی تأمل متوجه خواهید شد که سید حسینی مذکور که بعد از سید حسنی (قبلاً اثبات گردید که منطبق بر حضرت امام خمینی (ره) می باشد) ظاهر خواهد شد همانا مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) میباشند که در صفحات بعدی روایاتی که در زمینه ظاهر شدن دومین سید حسینی (سید

خراسانی) وارد شده و انطباق کامل بر معظم له دارد را ذکر خواهیم نمود.

حدیث معراج:

مرحوم علامه مجلسی رحمته الله در کتاب نفیس بحار الانوار در یک حدیث طولانی یعنی حدیث معراج که ما قسمتی از آنرا در اینجا می آوریم از ابن عباس و او از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایتی را بدین صورت آورده است:

«پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند عالم جزء حوادث و علائمی که درباره ظهور حضرت مهدی علیه السلام در شب معراج بمن اعلام نمود این بود که فرمود:

یا محمد صلی الله علیه و آله از جمله عطاهایی که به تو مرحمت فرموده ایم آنست که یازده مهدی و امام را که همه از دودمان تو و نسل فاطمه علیها السلام دختر تو می باشند بیرون می آوریم و آخرین آنها کسی است که عیسی بن مریم علیه السلام پشت سر او نماز می خواند او زمین را پر از عدل و داد می کند چنانکه پر از ظلم و ستم شده باشد من بوسیله او مردم را از سرآشیزی سقوط نجات می دهم و به شاهراه هدایت راهنمایی می کنم و کوران و بیماران را شفا خواهم داد.

عرض کردم: الهی اینها که فرمودی در چه وقت ظاهر می شود؟
خطاب رسید یا محمد صلی الله علیه و آله این در وقتی است که علم و دانش از میان مردم برداشته شود و جهل و نادانی آشکار گردد و قاریان قرآن بسیار و

علم و عمل اندک و قتل و کشتار فراوان و فقهای هدایت پیشه کم و فقهای ضلالت کیش و خیانتکار زیاد و شعراء فراوان گردند و امت تو قبرستانهای خود را مسجد کنند و قرآنها را زینت داده و طلاکاری و رنگ آمیزی کنند و مساجد را نقاشی نمایند و ظلم و فساد بسیار شود و کارهای زشت و ناپسند آشکار گردد و امت تو را به ارتکاب کارهای ناپسند و ناستوده دستور دهند و آنانرا از انجام کارهای خوب و نیک بازدارند.

و فرمانروایان کافر و سران آنها بی دین و زناکار و فاجر و دستیاران آنها ستمگر و صاحب نظران و مشاوران آنها فاسق باشند.

یا محمد صلی الله علیه و آله در آن موقع سه خسف (یعنی فرو رفتگی) در زمین روی خواهد داد یکی در سمت مشرق و یکی در سمت مغرب و یکی در جزیره العرب و شهر بصره بدست شخصی از دودمان تو که اتباع و یاران او (زنجی) باشند خراب و ویران گردد «و خروج رجل من ولد الحسين بن علی علیهما السلام» و از جمله آن علائم این است که: مردی از اولاد امام حسین علیه السلام (یعنی سیدی حسینی) پیش از ظهور حضرت مهدی علیه السلام قیام و انقلاب خواهد نمود.^۱

۱- بحارج ۵۱ ص ۷۰ و اکمال الدین صدوق ج ۱ ص ۳۶۳ بنقل از زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی علیه السلام ص ۶۰۹.

توضیح:

خواننده عزیز! در این حدیث شریف بطوری که ملاحظه می فرمایید خداوند عالم با تمام صراحت به قیام مردی از دودمان حسین به علی علیه السلام خبر داده و نهضت و انقلاب او را از جمله علائم ظهور قیام قائم آل محمد صلوات الله علیهم و نشانه نزدیکی انقلاب جهانی حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء دانسته و جای هیچ شک و تردیدی برای طالبان حق باقی نگذارده است.

با این توضیح و اصل روایت همه چیز روشن و آشکار است ولی در عین حال ممکن است خواننده عزیز به ما اشکال کند و بگوید کسانی که در طول غیبت امام زمان علیه السلام از نسل امام حسین علیه السلام قیام کرده اند فراوانند و معلوم نیست که منظور این حدیث از قیام مردی از فرزندان امام حسین علیه السلام کدام یک از سادات «حسینی» بوده است.

البته جواب این پرسش بسیار واضح و آشکار است و نیازی به توضیح ندارد زیرا بطوری که ملاحظه نمودید خبر دهنده خدا و مستمع و شنونده رسول خدا صلوات الله علیه می باشد و پر واضح است که وقتی خداوند عالم از نهضت کسی خبر می دهد او یک شخص عادی نیست و قیامش را نیز خرد و کوچک نباید شمرد و همچنین مسلم است که چنین قیام و انقلابی با سایر قیامهایی که در گذشته روی داده و یا در گوشه و کنار جهان اتفاق می افتد امتیاز و تفاوت بسیار دارد، چه

آنکه هر انسان عاقلی به خوبی درک می‌کند که آن قیام و انقلابی که خدا و رسولش از آن خبر می‌دهند قهراً باید نظیر قیام پیامبران و مردان بزرگ الهی بوده و آن چنان عظیم و وسیع و بزرگ باشد که همه جهان هستی را فرا گرفته و وضع دنیای مادی و اوضاع عالم را دگرگون ساخته و همه جهانیان را از خواب غفلت و خرگوشی بیدار نماید .

در هر صورت تردیدی نیست که وجود و ماهیت چنین انقلابی غیر از سایر انقلابها است و در یک محدوده خاص محصور نمی‌شود بلکه انقلابی عظیم، پر آوازه، پر سر و صدا و جهانگیر است و این چیزی است که عقل و اندیشه هر انسان عاقلی بدان گواهی می‌دهد و نیاز به استدلال ندارد.^۱

نام رهبر نهضت در اخبار:

در حدیث دیگری در خصوص این مرد وارسته و گرانقدر (مردی از قم) آمده است:

«روی عن النبی ﷺ انه قال: يخرج بقزوين رجل اسمه اسم نبي يسرع الناس الى طاعته - المشرك والمؤمن - يملاء الجبال خوفاً»

«از پیغمبر گرامی اسلام ﷺ روایت شده که آن حضرت فرمود: مردی از قزوین قیام خواهد کرد که نام او نام یکی از پیغمبران است،

۱ - زمبینه سازان انقلاب جهانی مهدی (ع) ص ۶۱۱ و ۶۱۲.

مشرك و مؤمن به سوی او می شتابند و طاعتش را گردن می نهند او
کوهها را پراز خوف و وحشت می کند»^۱

یک سوال:

با این توضیح ممکن است خواننده محترم از ما سوال کند که
پیغمبران الهی بسیارند آیا هدف پیغمبر اسلام از این جمله که فرموده
است: (نام او نام یکی از پیغمبران است) این پیغمبر کدام یک از
پیغمبران الهی است؟

جواب این سوال بسیار روشن است زیرا معلوم است که هدف
پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نام یکی از پیغمبران بزرگ و انبیاء اولوالعزم و پیغمبری
است که معمولاً اکثریت مردم با نام و نشان او آشنایی داشته و یا لااقل
بیشتر مسلمانان نام وی را شنیده باشند.

روی این بیان تردید نیست که چنین پیغمبری که رسول خدا صلی الله علیه و آله به
نام او اشاره نموده است یکی از پیغمبران بزرگ و سرشناس و
اولوالعزم بوده است و به طوری که میدانیم انبیاء اولوالعزم پنج نفرند
که اکثر مردم یا دست کم اکثر قریب به اتفاق مسلمانان نام آنها را شنیده
و به حقانیت دین و آئینشان پی برده‌اند و این پنج نفر به ترتیب

۱ - غیبت شیخ طوسی، ص ۲۷۰؛ ط نجف و بحارالانوار ج ۵۲ ص ۲۱۳ و جهان در آینده
ص ۱۲۴ و زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی (عج) ص ۵۸۷.

عبارتند از:

۱ - نوح نبی الله ۲ - ابراهیم خلیل الله ۳ - موسی کلیم الله ۴ - عیسی روح الله ۵ - محمد ﷺ حبیب الله .

والبتّه مسلم است که منظور رسول اکرم ﷺ از جمله (نام وی نام یکی از پیغمبران است) خود آن حضرت نبوده بلکه مقصودش شخص دیگری از انبیاء سرشناس بوده است زیرا اگر منظور رسول خدا ﷺ از این جمله خود آن حضرت بود می فرمود: نام او نام من و یا اینکه نام او همانم منست و از آنجایی که چنین فرموده معلوم می شود که مقصود حضرتش نام پیغمبری دیگر از پیغمبران مشهور و سرشناس بوده است.

پس با این دلیل روشن و آشکار که پیغمبر اکرم ﷺ فرموده است نام قیام کننده‌ای که از سرزمین قزوین قیام می کند نام یکی از پیغمبران بزرگ الهی است جای هیچگونه شک و تردید برای کسی باقی نمی ماند که آن شخصیتی که از نواحی قزوین و طالقان و دیلم خروج می کند و همانم با یکی از پیغمبران بزرگ و سرشناس است و با قیام پر آوازه خود کوهها را پراز خوف و وحشت خواهد نمود، همانا او رهبر نهضت دینی ایرانیان و قائم دولت زمینه سازان حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود.^۱

۱ - زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی (ع) ص ۵۸۹.

مطلبی دیگر:

همانطور که در صفحات قبل محل قیام سید حسنی در حدیث مفضل بنقل از منتخب البصائر تألیف حسن بن سلیمان از دیلم ذکر شد در حدیث مفضل بنقل از الانوارالنعمانیه تألیف سید نعمت الله جزائری (متوفی ۱۱۱۲ هجری و معاصر علامه مجلسی) نیز منطقه قیام سید حسنی از دیلم و قزوین ذکر گردیده است.^۱

که با توجه به مطلب فوق احتمال دارد در نقل حدیث مفضل در منتخب البصائر که فقط نام منطقه قیام از دیلم اشاره شده، کلمه قزوین از قلم افتاده باشد همچنانکه به اشتباه موجود در نقل احادیث در صفحات قبل اشاره گردید.

سوالی دیگر:

سؤالی که ممکن است در ذهن خواننده محترم ایجاد شود این است که:

به موجب این روایت قیام چنین شخصیت والایی باید از همان شهر قزوین صورت بگیرد نه از جایی دیگر! جواب این سؤال این است که منظور پیشوایان مذهبی از کلماتی چون مشرق، خراسان و امثال اینها فقط و فقط تعیین جهت جغرافیایی منطقه قیام بوده است و گرنه بحسب ظاهر منظور دیگری در کار نبوده است دلیل این است

۱ - زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی (ع) ص ۴۸۳.

که در عین حالی که اکثر روایات خروج خراسانی و سید حسینی را از ناحیه شرق و یا خراسان دانسته است باز هم نام جاهای مختلفی مانند قم، قزوین، همدان، ری، گیلان، دیلم و امثال آن در احادیث فراوانی آمده است که همگی آنها بیانگر یک واقعیت است و آنهم اشاره به قیام دینی و نهضت اسلامی ایرانیان است بنابراین اینکه ما می بینیم رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز در حدیث مذکور نام قزوین را مطرح فرموده اند شک نیست که جز تعیین جهت جغرافیایی منطقه قیام هدف دیگری نداشته اند^۱.

مرحوم علامه مجلسی علیه الرحمه در کتاب بحار الانوار بنقل از کتاب «غیبت نعمانی» درباره پاره‌ای از علائم قیام حضرت ولی عصر علیه السلام حدیثی را از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده است که چون متضمن حوادثی عجیب و شگفت آور و پیروزی ایرانیان و شکست دشمن در جنگ با آنهاست و در ضمن به رهبری مردی از ایرانیان که همانا با پیغمبری است اشاره دارد همه آن حدیث را برای مزید اطلاع خوانندگان عزیز نقل می کنیم.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

قائم آل محمد صلی الله علیه و آله قیام نمی کند تا اینکه چشم دنیا از حدقه بیرون آید یعنی اوضاعش پریشان گشته و آشوب و فتنه همه جا را فراگیرد و

۱ - زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی علیه السلام ص ۵۹۰.

سرخی مخصوصی در آسمان پدیدار گردد و آن اشکهای حاملان عرش است که بر مردم روی زمین می‌گریند.

و قائم علیه السلام قیام نمی‌کند تا اینکه در بین مردم جمعیتی پیدا شوند که از دین بهره‌ای ندارند آنها کسانی هستند که مردم را به جنگ با فرزندم دعوت می‌کنند و گروهی هستند پست فطرت که از دین و مواهب الهی بی‌نصیبند. بر اشرار مسلطند و برای جباران فتنه‌انگیزند و برای حکمرانان مرگ‌آفرین. اینان در سواد کوفه یعنی عراق آشکار می‌گردند.

«يقدمهم رجل اسود اللون و القلب رث الدين لاخلاق له مهجن زنيم
عتل: تداولته ایدی العواهر من الامهات من شرنسل لاسقاها الله المطر في
سنة اظهار غيبة المتغيب من ولدی صاحب الرايه الحمراء والعلم الاخضر».
سرکرده آنها مردی است سیاه چهره و سیاه دل، بی‌دین، بی‌اصل
و نسب، پست فطرت، از نظر حق افتاده و ستمگری بی‌نظیر و جفاکار
و بدخوی که در دامن مادرانی بدکار و نابکار و زناکار بزرگ شده و در
سالی که فرزند غایب من ظهور می‌کند خداوند او را از باران رحمت
خود سیر آب نخواهد نمود و فرزندم صاحب پرچم سرخ و علم
سبزا است.

وه! که عجب روزی است برای نومیدان آن روز میان دو شهر انبار و
هیت (انبار وهیت از شهرهای عراق است که سابقاً از شهرهای

معروف ایران بوده و در نزدیکی بغداد واقع شده است.) آن روز، روز مصیبت بزرگ برای (اکراد) و مردم پست نهادی است که به هلاکت می‌رسند روز ویرانی کاخ فرعونها و جایگاه ستمگران و پناهگاه فرمانروایان ظالم است روزی است که مادر شهرها و هم ردیف شهر عاد (یا شهر ننگ) که سر منشأ همه بدبختیها و مفسد است ویران میشود و ای عمر بن سعد پروردگار علی سوگند که آن شهر بغداد است ای لعنت خدا بر گنهکاران بنی امیه و بنی عباس، آن مردمان خیانت پیشه‌ای که پاکان از فرزندان مرا می‌کشند و حق مرا درباره آنها ملاحظه نمی‌کنند و در کارهایی که نسبت به حریم من روا می‌دارند از خدا نمی‌ترسند.

همانا روزی در انتظار بنی عباس است بسیار سخت و طاقت فرسا که در آن روز همچون زن باردار بوقت زاییدن فریاد برآورند و ناله سردهند.

وای بر پیروان فرزندان عباس از جنگی که در فاصله نهاوند و دینور روی می‌دهد و آن جنگ، جنگ فقراء و تهیدستان شیعه علی است که به پیش آهنگی مردی از همدان که نام او نام پیغمبری است صورت خواهد گرفت.

او دارای اندامی معتدل و اخلاقی نیکو و رنگی با طراوت است که صدای ترس آوری دارد (فی صوته ضجاح) و در بعضی از نسخه‌ها

است که (له فی صوته ضحک) یعنی در وقت سخن گفتن بر لب تبسم دارد و مژگان نهایش دراز و یا انبوه و گردنش بلند یا پهن و میان دندانهای پیشینش از هم باز و جداست هنگامیکه بر مرکب سوار شود مانند شب چهاردهی است که در تاریکی بدرخشد و در نسخه دیگری است که مانند شب چهاردهی است که از زیر ابر در آمده باشد.

لشکریان او بهترین جمعیتهایی هستند که با دلی پاک به دین پناه برده و به خدا گرویده و به آن دین بخدا تقرب جسته‌اند آن دلاوران قهرمانانی از عرب هستند که در آن روز با کراحت به جنگ می پیوندند (از این عبارت به خوبی معلوم می شود که جنگ، جنگ تحمیلی است) و خود را به آن جنگ سخت و شکننده می رسانند و با دشمنان می جنگند و شکست و گریز برای دشمنان آنهاست که در آن روز جز درماندگی و بدبختی راهی ندارند و آن روز برای دشمن روز مصیبت و بیچارگی است^۱.

این حدیث شریف که نمونه‌ای از اخبار غیبیه امیرمؤمنان علیه السلام است بیانگر وقوع برخی از حوادث ناگوار در طول سالهای نزدیک به ظهور حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء و نشانگر تجدید دولت بنی العباس قبل از قیام حضرت مهدی علیه السلام در بغداد است.

۱ - بحار ج ۵۲ ص ۲۲۶ و ۲۲۷ و غیبت نعمانی ص ۱۴۷ باب حدیث د ط صدوق بنقل از زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی علیه السلام ص ۵۹۳.

در این حدیث امیرمؤمنان علیه السلام به نمونه‌ای از علائم قیام حضرت قائم علیه السلام که عبارت از پیدایش دو گروه متفاوت در دو سرزمین مختلف که یکی عراق و دیگری ایران میباشد اشاره فرموده است که اگر هوشمند اهل دلی پیدا شود و آنچه را که آن حضرت درباره این دو گروه متخاصم بیان فرموده مورد مطالعه قرار دهد و به دقت در فرمایشات دربار حضرتش تأمل کند نیازی به توضیح ندارد اما در عین حال برای اینکه خواننده عزیز به کنه گفتار امیرالمؤمنین علیه السلام پی برده و به واقعیت پیشگوئیهای آن حضرت در مورد یکی از علائم نزدیک به قیام «قائم بحق» واقف و آگاه گردد ما نیز به نوبه خود بطور خلاصه به برخی از نکات برجسته حدیث مزبور اشاره می‌کنیم و سایر مندرجات آن را همانگونه که هست بدست افکار خواننده محترم می‌سپاریم و قضاوت را به خود او واگذار نموده و می‌گذریم.

همانگونه که در ابتدای حدیث ملاحظه فرمودید نخست مولای متقیان امیرمؤمنان علیه السلام به برخی از علائم قیام حضرت مهدی علیه السلام اشاره نموده و سپس به پیدایش دو گروه مختلف در دو سرزمین جداگانه که از نظر فکر و اندیشه با هم تباین کلی دارند خبر داده است.

گروه اول کسانی هستند که در سواد کوفه یعنی عراق پیدا می‌شوند و سرکرده آنها مردی سیاه چهره و سیاه دل و بی دین و ناپاک است که در دامن مادرانی بدکار و زناکار بزرگ شده و از بدترین نسلهاست و

مردم را به جنگ یکی از فرزندان امیرمؤمنین علیه السلام (که البته نام او در حدیث مذکور باصراحت ذکر نشده) دعوت می کند و او با اتباع و یاران و پیروان خود و حزب و دار و دسته اش (چنانکه حدیث می گوید) برای جباران زمین فتنه انگیزند و آلت دست بیگانگان و دست نشانده اجانب می باشند که تمام فتنه ها و آشوبها و جنگ و خونریزیها و فشارهایی که از طرف بیگانگان بر امت مسلمان تحمیل می شود بوسیله این گروه انجام می پذیرد.

و گروه دوم کسانی هستند که در ایران پیدا می شوند و اینان مردمانی مؤمن متدین و خداپرستند که به دین و مذهب پناه برده و اجباراً به جنگ کشیده می شوند و بزرگشان هم مردی است که نام او نام پیغمبری است.

و این جمعیت به تعبیر امیرالمؤمنین علیه السلام فقراء و تهیدستان شیعه علی علیه السلام می باشند که با عزمی راسخ و دلی سرشار از عشق و علاقه به «الله» ولی با کراهت و عدم تمایل به جنگ با اعتماد به نفس و قلبی مملو از ایمان مردانه می جنگند و در جنگ پیروز می شوند و رسوایی و شکست از آن دشمنان آنهاست و محل قیام آنها از همدان که از جمله شهرهای جبل و یا بلاد جبل است که محل قیام سید حسنی نیز از همین بلاد جبل و نقاط مرکزی و نواحی قزوین و طالقان و دیلم و امثال آنهاست.

و جالب اینکه آنچه در حدیث آمده است یقدمهم رجل من همدان است یعنی آن کس که جنگجویان متدین و تهیدستان شیعه علی علیه السلام را در جنگ رهبری می نماید از این منطقه آنها را به جنگ با دشمن گسیل میدارد نه اینکه اهل همدان باشد و بطوری که ملاحظه فرمودید کلمه اهل در روایت نیامده است بلکه آنچه در روایت ذکر شده عبارت «رجل من همدان» است و از جمله دیگر حدیث که حضرت فرموده است (وای بر پیروان فرزندان عباس از جنگی که در فاصله بین نهاوند و دینور روی می دهد) چنین استفاده می شود که سرکوبی نهایی دشمن از منطقه غرب کشور صورت خواهد گرفت.

دیگر اینکه جمله «اسمه علی اسم النبی» ظاهراً اشاره به همان نام سید حسنی است و لذا است که امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است: لشکرش بهترین جمعیتهایی هستند که به دین خدا متدین گشته و به آن تقرب جسته اند.

در هر صورت نتیجه ای که از مجموع گفتار بدست می آید این است که:

آن کس که در این جنگ پیروز و غالب و برنده و فاتح است و دشمنان ایران و متجاوزان به کشور را نیست و نابود می کند و آنان را به روز سیاه می نشاند هر کس که باشد مطابق تحقیقاتی که بعمل آمد نامش نام پیغمبری است و مردی است بسیار شجاع، نیرومند، با

ایمان، ثابت قدم، جلیل القدر، رفیع المنزله و سابقه دار که در بین مردم شهرت و محبوبیت فراوان دارد و همه اینها نکات مثبتی است که از کلمه یقدمهم یعنی آنها را رهبری میکند استفاده می شود چه آنکه کلمه قدم که یقدم فعل مضارع از آن مشتق شده است گاهی به معنی سابقه است چنانکه گفته می شود «فلان قدم فی الاسلام او قدم فی الحرب» یعنی «فلان کس در اسلام یا در جنگ سابقه دارد».

و گاهی به معنی مقام و منزلت است چنانکه در آیه شریفه «و بشر الذین آمنوا ان لهم قدم صدق عند ربهم»^۱.

یعنی «و بشارت ده کسانی را که ایمان آورده اند که در نزد پروردگار خود منزلتی صادقانه دارند».

همین معنا مراد است و مقصود از «قدم صدق» مقام ارجمند واقعی و پاداش حقیقی است.

و گاهی هم بمعنای «پیشوا» و رهبر است چنانکه در روایات متعددی که در تفاسیر شیعه و سنی در ذیل آیه شریفه «و بشر الذین آمنوا» وارد شده و قدم صدق را به شخص پیغمبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و یا ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام تفسیر نموده موید همین معناست.^۲

۱ - سوره مبارکه یونس آیه ۲.

۲ - برای اطلاع بیشتر در این مورد به کتب لغت مانند مجمع البحرین لسان العرب نهایت ابن اثیر ماده «قدم» و تفسیر برهان ج ۲ ص ۱۷۷ و تفسیر قزطبی ج ۸ ص ۳۰۶ ط مصر مراجعه فرمایید.

کوتاه سخن آنکه اگر ما بخواهیم واقعیات را بپذیریم و در صدد بهانه جویی و اشکال تراشی نباشیم و با حقایق مسلم عناد و لجاجت نداشته باشیم و بدنبال تضعیف این روایات یا رد آن حدیث نباشیم و راه را بر خود نبندیم مسلم است که جمله «اسمه علی اسم النبی» در احادیث فوق الذکر اشاره بنام یک شخصیت بزرگ سیاسی اجتماعی و دینی است که او رهبری تهیدستان شیعه علی علیه السلام را بعهدہ دارد و در نتیجه دشمن را به شکست می‌کشاند و جز خواری و سرشکستگی چیزی برای آنان باقی نمی‌گذارد.^۱

و در نهایت اینکه در این حدیث مشخصات ذکر شده دربارهٔ گروه اول به امام حاکم جبار عراق که توسط حزب بعث عراق به قدرت رسید مطابقت دارد که از لحظه رسیدن به قدرت فتنه‌ها آفریده و آلت دست بیگانگان گشته و تمام فتنه‌ها و آشوبها و جنگ تحمیلی و فشارهایی که از طرف بیگانگان بر امت مسلمان من جمله ملت مسلمان و شریف ایران تحمیل گشته بوسیله این حاکم جبار و فاسد و گروهش انجام پذیرفته است.

همچنین خصوصیتی که برای گروه دوم ذکر گردید بر ملت با ایمان ایران و رهبری بر نظیر آنان مطابقت دارد (نام او نام پیغمبری است) زیرا همانگونه قبلاً هم گفته شد نام حضرت امام علیه السلام یعنی «روح الله

۱ - زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی علیه السلام ص ۵۹۳ تا ۶۰۷.

الموسوی الخمينی» با نام یکی از پیغمبران یعنی «حضرت عیسی روح الله علیه السلام» مطابقت دارد.

روایاتی که در آنها بنام «روح الله» تصریح گردیده است:

و اینک دو روایت جالب توجه که در آنها صراحتاً بنام «روح الله» تصریح گردیده است:

روایت اول:

حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: «در آخر الزمان شخصی از خاندان فرزندان من در ایران ظهور می کند بنام روح الله که خداوند یک لحظه لطفش را از او قطع نمی کند و سربازان این روح الله با پرچمی که جنس آن از کتان و پنبه نیست و شعار (لا اله الا الله) بر آن نوشته شده است به طرف عرب می روند و آنجا را فتح می کنند.»^۱

این عید سعید عید حزب الله است

دشمن ز شکست خویشتن آگاه است

چون پرچم جمهوری اسلامی ما

جاوید به اسم اعظم الله است^۲

روایت دوم:

در روایتی نیز «روح الله و پیروانش» در نگاه رسول اکرم صلی الله علیه و آله چنین

۱ - آدرس دقیق در دست نمی باشد و این حدیث بنقل از موثقین از کتاب حجاب القلوب آورده شده است. ۲ - دیوان امام علیه السلام

توصیف گشته‌اند: «عن ابی جعفر علیه السلام قال : اقبل ابوبکر و عمر و الزبیر و عبدالرحمن بن عوف جلسوا بفناء رسول الله صلی الله علیه و آله فخرج الیهم النبی صلی الله علیه و آله : فجلس الیهم فانقطع شسعه فرمی بنعله الی علی بن ابی طالب علیه السلام ثم قال : ان عن یمین الله عزوجل - او عن یمین العرش - قوماً منا علی مناہر من نور، وجوہہم من نور، و ثیابہم من نور، تغشی وجوہہم ابصار الناظرین دونہم ، قال ابوبکر: من ہم یا رسول الله ؟ فسکت ، فقال الزبیر : من ہم یا رسول الله ؟ فسکت، فقال عبدالرحمن: من ہم یا رسول الله؟ فقال: ہم قومٌ تحابوا بروح الله علی غیر انساب ولا اموال اولئک شیعتک و انت امامہم یا علی.»

«عده‌ای از صحابه جمع بودند. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله خارج شد و با آنها نشست بند نعلین حضرت پاره بود، داد به علی ابن ابیطالب علیه السلام و فرمود: بدرستی که در یمین عرش یا یمین خدای قادر متعال قومی از ما هستند که بر منبرهایی از نور هستند چهره‌هایی نورانی دارند لباسهای نورانی دارند دشمنان چشم دیدن ایشان را ندارند. ابابکر پرسید: اینها کیانند؟ حضرت ساکت شد. زبیر پرسید، حضرت جواب نداد.

عبدالرحمان پرسید حضرت پاسخی نفرمود. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام پرسید: (من هم) یا رسول الله اینها چه کسانی هستند؟ حضرت فرمود: اینها قومی هستند که (روح الله) را دوست دارند یا بوسیله (روح الله) ید واحد شده‌اند (روح الله) را دوست دارند نه بخاطر نسبت قومی و خویشی و نه بخاطر ثروت و مال، آنها شیعیان تو

هستند و تو امام آنها هستی علی جان»^۱.

مرحله دوم: ظاهر شدن خراسانی و شعیب در ایران

ظاهر شدن دو شخصیت مورد نظر در بین آنان به نام سید خراسانی و فرمانده نیروهای آن حضرت و جوان گندمگونی که نام وی در روایات، شعیب بن صالح ضبط شده است.

چنانکه می توان نقش ایرانیان زمینه ساز را با توجه به پیشامدها و حوادثی که ذکر آنها در اخبار آمده است نیز به چهار مرحله تقسیم نمود: مرحله اول: از آغاز نهضت آن توسط مردی از قم تا ورودشان در جنگ.

مرحله دوم: داخل شدن در جنگی طولانی تا اینکه خواسته های خویش را بر دشمن تحمیل می کنند.

مرحله سوم: رد کردن خواسته های نخستین خود که اعلام کرده بودند و پیا شدن قیام همه جانبه آنان.

مرحله چهارم: سپردن پرچم اسلام بدست توانای حضرت مهدی علیه السلام و شرکت جستن آنها در نهضت مقدس آن حضرت^۲.

در برخی از روایات آمده است که ظاهر شدن خراسانی و شعیب در اثنای جنگ ایرانیان بوقوع می پیوندد بگونه ای که آنها با توجه به طولانی شدن نبردشان با دشمن، خودشان سید خراسانی را بعنوان

۱ - بحار الانوار ج ۶۸ ص ۱۳۹. ۲ - عصر ظهور ص ۲۳۱.

سرپرستی امور اجتماعی و سیاسی خود بر می‌گزینند گر چه وی از پذیرفتن این منصب خرسند نیست، اما آنها او را سرپرست خود قرار می‌دهند سپس سید خراسانی، شعیب بن صالح را به فرماندهی سپاه خویش بر می‌گزینند (که احادیث وارده در صفحات بعد خواهد آمد.) در تعدادی از روایات، زمان آخرین مرحله زمینه سازی آنان که متصل به ظهور حضرت مهدی علیه السلام است مشخص گردیده که شش سال خواهد بود. این برهه مرحله شعیب و خراسانی است، از محمد بن حنفیه نقل شده است که فرمود:

«عن محمد بن الحنفیه قال: تخرج رایه سوداء لبني العباس ثم تخرج من خراسان اخرجی سوداء قلائسهم سود و ثيابهم بیض علی مقدمتهم رجل یقال له شعیب بن صالح او صالح بن شعیب من تمیم یهزمون اصحاب السفیانی حتی ینزل بیت المقدس یوطیء للمهدی سلطانه یمد الیه ثلث مئة من الشام یکون بین خروجه و بین ان یسلم الامر للمهدی علیه السلام اثنان و سبعون شهرا».

درفشهای سیاهی از بنی عباس و پس از آن درفشهای سیاه دیگری از خراسان خروج می‌کنند که حاملان آنها کلاه سیاه و لباس سفید بر تن دارند پیشاپش آنان مردی است که وی را صالح بن شعیب و یا شعیب بن صالح می‌نامند و او از قبیله بنی تمیم است آنان نیروهای سفیانی را شکست داده و در بیت المقدس فرود می‌آیند تا مقدمه حکومت

حضرت مهدی علیه السلام را فراهم آورند تعداد سیصد تن دیگر از شام به او می پیوندند، فاصله خروج او تا تقدیم زمام امور را به حضرت مهدی علیه السلام هفتاد و دو ماه می باشد.^۱

البته این نکته که با آغاز حرکت انقلاب اسلامی در ایران زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام نیز شروع شده است بحثی است ریشه دار و قابل بررسی. بهمین جهت مروری اجمالی بر بیان دلایل آن از روایات قبلی و غیر آنها می نمایم.

مراد از زمان ظهور حضرت مدت ده یا بیست و یا سالهای محدود نیست بلکه مقصود این است که حوادث و پیشامدهایی که در روایات به آن تصریح شده که آنها از مقدمات ظهور حضرت و متصل به آن هستند در حقیقت آغاز شده است بویژه دو واقعه از بین آنها:

اول: فتنه انگیزیهای غرب و شرق که همه مسلمانها را در بر می گیرد و فتنه دیگری که در روایات بنام فتنه فلسطین آمده که زائیده شرارت و فتنه انگیزی ابرقدرتهاست.

دوم: برپایی نظام اسلامی در ایران.

بنابراین مراد از زمان ظهور همان معنای متعارف گفتار ما یعنی عصر و زمان شکست اسرائیل و یا عصر انقلابها و یا زمان تجلی اسلام

۱ - نسخه خطی ابن حماد ص ۸۴ و قریب به همین مضمون در ص ۷۴ و ملاحم و فتن باب ۹۲ بنقل از جهان در آینده ص ۱۵۱.

است که از آن بعنوان قرن ظهور و یا نسل معاصر ظهور نیز می توان نام برد زیرا وقتی که از امام باقر علیه السلام نقل شده است آن حضرت فاصله بین انقلاب ایرانیان و ظهور حضرت مهدی علیه السلام را به اندازه عمر معمولی یک انسان بشمار آورده است آنجا که فرمود:

«اگر آن زمان را درک کنم خویشتن را برای یاری صاحب این امر نگاه می دارم».

روایاتی که دال بر آغاز زمان ظهور باشد بسیار است مجموعه این روایات که به نحو تواتر اجمالی وارد شده است در یک بررسی دقیق می تواند در تطبیق بر عصر فعلی ما و پیشمادهایی که اتفاق می افتد باعث اطمینان گردد بلکه می توان ادعا کرد برخی از این روایات به تنهایی در حصول اطمینان به آغاز شدن زمان ظهور حضرت کافی است.

روایات، فتنه اخیری را که پیامبر صلی الله علیه و آله از آن خبر داده است که به زودی بر امت آن حضرت وارد و داخل خانه های مسلمانان می شود و سپس در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام آشکار می گردد به چه چیز غیر از فتنه کر و کور غربی که فتنه فلسطینی نیز زاییده آن است می توان تفسیر و توجیه نمود؟ فتنه ای که در روایت تصریح به شام شده است:

«زمانیکه فتنه فلسطین بوجود آمد در سرزمین شام نیز مانند برهم خوردن آب در مشک بوجود می آید و چون وقت پایانش فرا رسد

پایان پذیرفته و گروه اندکی از شما پشیمان خواهد شد.»^۱

این فتنه به شکل مخصوصی به سرزمین شام راه پیدا می کند یعنی بر منطقه ای که احاطه بر فلسطین دارد بگونه ای که اهالی آنجا مانند شدت تکان خوردن آب در مشک به حرکت می آیند...

با بررسی دقیق در روایات فتنه اخیری که بنحو تواتر اجمالی نقل شده و همچنین فتنه فلسطین و شامات که معلول این فتنه است و با توجه به تاریخ امت اسلامی و وضع موجود آن... از این روایات استفاده می شود که مراد از فتنه در روایت، فتنه و آشوبگری قدرتهای شرق و غرب امروز است که روایات دلالت بر استمرار و ادامه آن تا ظهور حضرت مهدی علیه السلام دارد و از عجیب ترین روایات در اینها این است که فتنه فلسطین با نام و نشان در روایت وارد شده است!

و چگونه تحلیل و تفسیر نماییم روایات مربوط به ظاهر شدن سید خراسانی و شعیب بن صالح را که به روشنی از آنها استفاده می شود که این دو مرد بزرگ بعد از برپاشدن حکومت اسلامی در ایران و وارد شدن آن در جنگی طولانی با دشمن در این کشور ظاهر می شوند و با بدست گرفتن منصبهای حکومتی خود شخصاً رهبری و فرماندهی لشکریان خویش را به عهده داشته و در جنگ سر نوشت سازی در منطقه فلسطین که مقدمه حکومت حضرت مهدی علیه السلام را فراهم

۱ - نسخه خطی ابن حماد ص ۶۳ بنقل از عصر ظهور ص ۲۶۳.

می نماید درگیر می شوند. حالا آیا این دو بزرگوار که ظاهر می شوند لشکریان و یا ملت خود را مستقیماً و بدون مقدمه رهبری می نمایند و از صفر شروع می کنند؟ جواب اینست که هرگز. بلکه چنین ظهوری که در روایات به آن تصریح شده است لازمه اش وجود زمینه مناسب و آمادگی کامل در مردم ایران نه تنها از جنبه مذهبی و اعتقادی بلکه جو سیاسی مناسب در جهان و خاورمیانه است که این خود آغازی است برای ایجاد نبرد بین ایرانیان طرفدار حضرت و دشمنانشان، از این روست که در روایات آمده است زمانیکه ایرانیان احساس نمایند نبردشان با دشمن بطول انجامیده سراغ سید خراسانی رفته و او را سرپرست امور خود می گردانند گرچه وی نخست نمی پذیرد اما زمانی که زمام امور بدست او قرار گرفت یار دیگرش شعیب بن صالح را به فرماندهی نیروهای خویش بر می گزیند.^۱

و روایتی را که از امام محمد باقر علیه السلام در منابع شیعه وارد شده و منطبق بر انقلاب اسلامی ایران است چگونه تفسیر نمایم آنجا که فرمود:

«گویا می بینم که مردمی در شرق قیام کرده اند و حق را طلب می کنند ولی - سرمداران حکومت - حق را به آنها نمی دهند پس از مدتی دوباره حق را می طلبند این بار نیز - رژیم حاکم - از دادن حق به

آنها امتناع می ورزند ولی در این دفعه وقتی مردم اوضاع را چنین می بینند شمشیرهای خود را بر شانه ها می نهند - سردمداران حکومت که خود را در برابر قیام گسترده ملت مشاهده می کنند و تاب مقاومت در خود نمی بینند - تسلیم خراسته های آنان می گردند ولی این بار مردم نمی پذیرند - که دیگر خراستار تغییر رژیم هستند - تا بالاخره قیام می کنند - و رژیم حاکم را ساقط می نمایند و حکومتی بر اساس مبانی اسلامی تشکیل می دهند - و این حکومت را جز به صاحب شما - بقیة الله الاعظم - تحویل نمی دهند، کشته های آنها شهیدند، آگاه باشید که اگر من شخصاً آن زمان را درک کنم خود را برای صاحب این امر ابقاء می کنم.»

چنانکه تفسیر آن گذشت و این روایت تا زمانیکه بر نهضت فعلی ایرانیان تطبیق می کند چگونه آنرا توجیه کنیم به اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام از نهضتی در آینده نسبت به ایرانیان خبر داده اند و از انطباق بر نهضت موجود و آنچه پیش می آید چشم پوشی کنیم! و این را بر نهضت دیگر آنان که مثلاً دارای همین ویژگیها و شرایط سیاسی بعد از قرنهاست تطبیق کنیم؟ آیا چنین تفسیری را عقل سلیم می پذیرد؟!

و روایاتی را که درباره قم و موقعیت جهانی آن شهر از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام نقل شده است چگونه به تأویل ببریم. روایاتی که دلالت دارد این موقعیت نزدیک ظهور حضرت مهدی علیه السلام و متصل

به ظهور آن بزرگوار خواهد بود...

همچنین بیانگر ظاهر شدن مردی موعود از آن شهر و یاران با وفایش است که نه از جنگ می هراسند و نه خسته می شوند و ما امروز وضع موجود این شهر را می بینیم که تا دیروز با وجود حوزه علمیه در آن شهری ضعیف بود و تأثیری معنوی این شهر محدود در حیطه جهان تشیع و متدینین شیعه بوده است.

و اینک نام شهر و قیامش و روش و اسلوب آن و معرفی نمودن اسلام، گوش جهانیان را پر می کند! برنامه ریزی ها و خط مشی آن در قلوب مسلمانان و جوامع اسلامی سرایت کرده و رسوخ می نماید و علم و دانش از این شهر به سایر مسلمانان جهان می رسد.^۱

بنابراین تا زمانی که روایات وارده در موقعیت و عظمت قم و انقلاب و نهضت آن و مرد وعده داده شده و برخاسته از این شهر بر انقلابی که از قم آغاز شد و بر رهبری آن، امام علیه السلام و طرفداران ایشان انطباق داشته باشد آیا معتول است که آنرا به موقعیتی جهانی که پس از دهها سال و قرن برای قم بر جود آید و مردی از آنجا ظهور می کند که طرفداران و یاران وی و یا حکومت و انقلابش دارای این صفات هستند تفسیر کنیم و از آنچه که موجود است صرف نظر کنیم؟!

اگر چنین مطلبی درباره مرد وعده داده شده از قم صحیح باشد

چگونه در روایات مربوط به موقعیت جهانی وعده داده شده شهر قم می تواند صحیح باشد و چه می توان کرد با دو روایتی که دال بر وجود این موقعیت نزدیک ظهور حضرت و ادامه آن تا ظهور ایشان است آنجا که آمده:

«و آن (موقعیت) نزدیک ظهور قائم ماست خداوند قم و اهل آنرا قائم مقام حضرت حجت علیه السلام قرار می دهد»، «و آن در زمان غیبت قائم ما تا ظهورش خواهد بود» که قبلاً از بحار ج ۶۰ ص ۲۱۳ نقل شد.

حقیقت مطلب این است که بحث و مناقشه پیرامون دلالت برخی از روایات بر آنچه که در قم و ایران اتفاق افتاده است و سعی در برگرداندن الفاظ واضح و روشن از ظاهر خودش و بطور کلی شک دلالت این روایات و انطباق آنها بر حوادث گذشته و حال چیزی جز پیشداوری و حالت ضعف عقیده در تصدیق پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت طاهرین (ع) نمی باشد بلکه اگر منصفانه حکم کنیم باید بگوییم که اگر از کلمات معصومین (ع) که بطور تواتر اجمالی در روایات آمده اطمینان و یقین به این معنا حاصل نشود مسلماً خالی از حالت شک و تردید و جدل نخواهد بود... از خداوند متعال می خواهیم که ما و همه مسلمانان را از چنین حالتی حفظ فرماید.^۱

در بعضی روایات آمده که خروج خراسانی از علائم حتمیه ظهور

می باشد مانند روایتی از ابی بصیر که متن آن بدینصورت است:

«عن ابی بصیر عن ابی عبدالله علیه السلام قال قلت له: جعلت فداک متى خروج القائم علیه السلام فقال: یا ابا محمد انا اهل بیت لا نوقت و قد قال محمد کذب الوقاتون یا ابا محمد ان قدام هذا الامر خمس علامات اولهن فی شهر رمضان و خروج السفیانی و خروج الخراسانی و قتل النفس الزکیه و خسف بالبیداء.»

ابی بصیر نقل نموده که خدمت امام صادق علیه السلام عرضه داشتم:

«فدایت شوم حضرت قائم علیه السلام در چه زمانی خروج خواهد کرد حضرت فرمود:

ای ابا محمد (لقب ابی بصیر) ما اهل بیتی هستیم که وقت برای این کار تعیین نمی کنیم بدرستی که محمد صلی الله علیه و آله فرمود وقت گذاران دروغ گویانند، ای ابا محمد لکن برای پیش از این امر و مقدمه این امر پنج علامت است که باید واقع شود اول آنها ندای آسمانی در ماه رمضان است، دوم خروج سفیانی، سوم خروج خراسانی، چهارم کشته شدن نفس زکیه، پنجم فرو رفتن زمین در بیداء.»^۱

و اما در رابطه با ظاهر شدن سید خراسانی و شعیب بن صالح در ایران روایات بیانگر این است که این دو شخصیت از یاران حضرت مهدی علیه السلام بوده و مقارن ظهور آن حضرت از ایران ظاهر می شوند و در

۱- بحارج ۵۲ ص ۱۱۹ و جبهان در آینده ص ۱۰۰.

نهضت ظهورش شرکت می جویند.

«عن امیر المؤمنین علیه السلام: اذا خرجت الرايات السود التي فيها شعيب ابن صالح تمني الناس المهدي فيطلبونه فيخرج من مكة و معه راية رسول الله صلى الله عليه وآله فيصلی (بالناس) ركعتين بعد ان يبأس من خروجه لما طال عليهم من البلاء.»
امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود:

«هنگامی که پرچمهای سیاهی که شعیب بن صالح در آن است از محل خود حرکت کردند مردم آرزوی مهدی کنند و او را طلب کنند پس حضرت هم از مکه خارج می شود درحالی که رایت پیامبر را به همراه دارد و با مردم دو رکعت نماز می خواند و این به هنگامی است که مردم از خروجش مأیوس و ناامید شده باشند از شدت سختیهایی که بر آنها وارد شده است.»^۱

بطور خلاصه نقش آن دو چنانکه از منابع حدیث اهل سنت و برخی از روایات شیعه روشن می شود این است که در آن زمان ایرانیان درگیر جنگی نابرابر با دشمنان خویش اند و در اثر طولانی شدن آن جنگ سید خراسانی را بعنوان سرپرستی امورشان انتخاب می نمایند گرچه وی به این امر چندان رغبتی نشان نمی دهد اما به اصرار زیاد آنان می پذیرد و زمانی که رهبری ایرانیان را پذیرفت با ایجاد وحدت کلمه در صفوف نیروهای مسلح ایرانی، سردار رشید خود شعیب بن

۱ - مهدی موعود منتظر ج ۲ بنقل از کتاب جهان در آینده ص ۱۴۸.

صالح را به فرماندهی سپاه تعیین می‌کند و...

«عن شریح بن عبید و راشد بن سعد و ضمرة بن حبیب عن مشایخهم - قالوا - بیعت السفیانی خیلہ و جنودہ فتبلغ عامة المشرق من ارض خراسان و اهل فارس فیثور بهم اهل المشرق فیقاتلونهم و تكون بینهم وقعتات فی غیر موضع فاذا طال علیهم قتالهم ایاہ بایعوا رجلا من بنی ہاشم و هو یومئذ فی آخر المشرق فیخرج باهل خراسان علی مقدمته رجل من بنی تمیم (مولى لهم) (مولاهم) اصغر قليل اللحية ینخرج الیه فی خمسة آلاف اذا بلغه خروجہ فیبايعه فیصیر علی مقدمته لو استقبله الجبال الرواسی لهدمها فیلتقی هو و خیل السفیانی فیہزمهم... و یقتل منهم مقتله عظیمه فلا یزال ینخرجهم من بلدة الى بلدة حتی ینهمهم الی العراق».

«شریح بن عبید و راشد بن سعد و ضمرة بن حبیب از اساتید خود نقل می‌کنند که سفیانی سپاه و سربازان خود را به اطراف می‌فرستد و آنها به تمام سرزمینهای مشرق (ایران) از سرزمین خراسان گرفته تا فارس یعنی شیراز و اطراف آن می‌رسند و مردم خراسان (ایران) سخت با آنها می‌جنگند و در میان آنها چندین بار جنگ واقعی می‌شود پس چون جنگ مدتی طولانی شد ایرانیان با مردی از بنی هاشم (سید خراسانی) بیعت می‌کنند و او را به ریاست بر می‌گزینند و او در آن موقع در آخر مشرق قرار دارد سپس آن مرد هاشمی با کمک اهل خراسان (ایران) قیام می‌کند فرمانده سپاه او مردی از بنی تمیم و

از وابستگان آنهاست که به او شعیب بن صالح گفته می شود رنگ چهره اش زرد و ریش وی اندک می باشد او با پنج هزار نفر قیام می کند و بسوی هاشمی (سید خراسانی) می آید چون خبر خروج او به هاشمی رسید او را بر مقدمه سپاه خود قرار می دهد و شعیب کسی است که اگر کوهها با وی روبرو شوند آنها را از جا بر می کند و خراب می نماید پس او با سپاه سفیانی برخورد می کند و با یکدیگر به جنگ می پردازند و او آنها را شکست می دهد و گروه زیادی از متجاوزین و لشکریان سفیانی را به هلاکت می رساند و پیوسته آنها را از شهری به شهری بیرون می کند و تا عراق آنها را تعقیب می نماید و شکستشان می دهد.^۱

و این حدیث با حدیث مفضل بن عمر انطباق کامل دارد که دوباره در اینجا ذکر می گردد (و مقایسه این دورا به عهده خوانندگان محترم می گذاریم):

«مفضل گفت: ای آقای من دیگر چه می شود؟ فرمود: سپس سید حسنی آن جوانمرد خوبروی نیکو منظری که از طرف دینم فریاد بر می آورد قیام می نماید و با صدایی که دارد فریاد بر می آورد ای آل محمد غمگین محزون و متأسف دردمند را اجابت کنید و ندادهنده از اطراف ضریح فریاد می کند پس گنجهای خدا در طالقان دعوت او را

۱ - عقد الدرر ص ۱۲۸ بنقل از جهان در آینده ص ۱۷۷.

اجابت می‌کنند آنها گنج‌هایی هستند که نه از طلاست و نه از نقره بلکه دلیر مردانی هستند مانند پاره‌های آهن! گویا من هم اکنون آنها را می‌نگرم که بر مرکبهای بسیار سخت و قوی سوارند و ابزار جنگی خود در دست دارند و از شدت شوق و علاقه‌ای که به جنگ دارند همچون گرگهایی که در هنگام حمله فریاد بر می‌آورند آنها نیز فریاد می‌زنند و فرمانروای آنان مردی از بنی تمیم است که به او شعیب بن صالح می‌گویند.

پس حسین علیه السلام (سید حسینی) ظاهر می‌شود و با رویی که مانند دایره قمر (و قرص ماه) است در میان آنها رو می‌آورد و مردم از هیبت و جمال او تعجب می‌کنند (و یا از دیدن چهره جذاب و ملکوتی وی دچار ترس و وحشت می‌شوند.) و او آثار ظلم و ستم را دنبال و ستمکاران را تعقیب می‌نماید و شمشیر برنده‌اش کوچک و بزرگ و پست و شریف را می‌گیرد سپس او با تمام آن پرچمها یعنی لشکریان، سیر می‌کند و حرکت می‌نماید تا اینکه وارد کوفه می‌شود و این در وقتی است که بیشتر اهل کوفه (که شاید منظور مردم عراق باشند) در آنجا جمع شده باشند و او کوفه را محل استقرار خود قرار خواهد داد. آنگاه خبر ظهور مهدی علیه السلام به او می‌رسد عرضه می‌دارند ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله این چه کسی است که در قلمرو ما فرود آمده است؟ «حسین علیه السلام» (سید حسینی) می‌فرماید: بیایید با هم برویم تا ببینید که

او چه کسی است و چه می خواهد و او می داند بخدا قسم که او حضرت مهدی علیه السلام است و بخوبی او را می شناسد.

ماوراء النهر:

یوسف بن یحیای شافعی در کتاب عقد الدرر درباره حدود جغرافیایی منطقه قیام آزاد مردی که وی زمینه ساز انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام است حدیثی را از امیرالمؤمنان علیه السلام و او از پیغمبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بدین صورت نقل نموده است:

«قال رسول الله صلی الله علیه و آله يخرج رجل من وراء النهر يقال له الحارث بن حراث و علی مقدمته رجل يقال له منصور يوطى او يمکن لآل محمد صلی الله علیه و آله كما مکنت قريش لرسول الله صلی الله علیه و آله و جب علی کل مؤمن نصرته او قال اجالته»

«پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مردی از وراءنهر قیام خواهد کرد که به او حارث ابن حراث گفته می شود فرمانده سپاه و پیشرو لشکریان او مردی است که به وی منصور می گویند او حکومت و سلطنت را برای آل محمد صلی الله علیه و آله آماده و مهیا می کند و یا قدرت و سلطه ای برای ایشان فراهم می سازد همچنانکه (مؤمنین) قریش برای رسول خدا صلی الله علیه و آله زمینه حکومت او را فراهم نمودند و بر هر فرد مسلمان با ایمانی واجب است وی را یاری دهد یا اینکه فرمود واجب است دعوت او را اجابت نماید»^۱.

۱. عقد الدرر ص ۱۳۰ بنقل از زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی علیه السلام ص ۵۴۸.

از آنجائیکه دو رود معروف عراق (دجله و فرات) در جنوب این کشور یکی می‌شوند و اروند رود را تشکیل می‌دهند و این رود حدفاصل میان عراق و ایران است بدین لحاظ در دوران اسلام کلیه مناطقی که در سمت شرق عراق و در پشت اروند رود قرار گرفته است آنرا بلاد (ماوراء‌النهرین) و یا (ماوراء‌النهر) نامیده‌اند.

البته این توضیح در صورتی درست است که مقصود از وراء نهر مناطق شرقی نهر دجله و فرات باشد و البته باید توجه داشت که در اخبار زیادی اطلاق لفظ مشرق، بر مشرق فرات بسیار شده است.^۱ و اگر مقصود ماوراء‌النهر باشد باز هم منظور حدیث طبق آنچه در لسان اخبار و روایات و تاریخ آمده که عبارت از سرزمین خراسان و مناطق اطراف و دور و بر آن است، همان حدود جغرافیایی منطقه خراسان و سرزمین فارس و بالاخره مراد از آن کشور همسایه عراق یعنی سرزمین ایران است.^۲

به هر حال مقصود از این کلمه هر چه باشد حدود جغرافیایی منطقه قیام آن دلیرمرد آزاده و انسان پرتلاش و جهادگری که زمینه ساز حکومت جهانی مهدی علیه السلام است خواه ناخواه از پشت نهر دجله از سمت شرق یعنی بلاد فارس و سرزمین (ماوراء‌النهر) است که در هر

۱ - زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی علیه السلام ص ۵۵.

۲ - زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی علیه السلام ص ۵۵.

صورت مقصود از آن سرزمین خراسان و در نهایت کشور ایران اسلامی است.^۱

حارث کیست؟

حارث در لغت عرب به کسی گفته می شود که زمین را آباد کند و آنرا برای زراعت و کشاورزی آماده و مهیا سازد.

روی این بیان نتیجه ای که از معنای کلمه حارث بدست می آید این است که: کلمه حارث در حدیث سابق الذکر در حقیقت اسم نیست و بیشتر از هر چیز جنبه وصفی دارد و لقبی بیشتر محسوب نمی شود.

و از اینجا فهمیده می شود که اطلاق لفظ و کلمه حارث در حدیث مذکور بر شخص نامعین و ناشناخته ای که از پشت رود دجله و از طرف شرق قیام می کند در حقیقت کنایه از وجود یک شخص زحمتکش و انسان جهادگر و مرد خدمتگزاری است که علاوه بر تحمل رنجها و سختیها و مشقتها و ناراحتیهای فراوان در دوران زندگی و صرف عمر گرانمایه خود در این راه، جهاد در راه خدا و عمران و آبادی کشور در طول دوران زمامداری، زمینه ساز حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام نیز خواهد بود.^۲

۱- زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی علیه السلام ص ۵۵۳.

۲- زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی علیه السلام ص ۵۵۳.

منصور کیست؟

این اسم نیز مانند لفظ حارث بر نام شخص معینی که نام وی منصور باشد دلالت نمی‌کند بلکه تنها چیزی که از این لفظ فهمیده می‌شود این است که: کلمه منصور یعنی انسان پیروز، صفتی که از اوصاف شخصی را بیان می‌کند که او معمولاً در جنگها فاتح و غالب و پیروز است.

و این صفت پیروزی در جنگ بطوری که از بسیاری از روایات فهمیده می‌شود غالباً مربوط به شخصی بنام شعیب بن صالح است که وی فرمانده سپاه و سردار لشکریان پیروزمند سید حسینی خراسانی می‌باشد و در هر حال بحسب ظاهر منصور لقب شعیب بن صالح و شعیب هم بنا بر آنچه از برخی روایات استفاده می‌شود سیدی هاشمی است که پیش از ظهور حضرت مهدی علیه السلام فرماندهی سپاه سید حسینی خراسانی را بعهدہ دارد و بعد از ظهور آن حضرت، پرچمدار لشکریان آن جناب (رزقنا الله رؤیة جماله الشریف) خواهد بود.^۱

در خصوص سید خراسانی:

در باره خصوصیات سید خراسانی، جابر از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند:

«عن جابر عن ابي جعفر علیه السلام قال: يخرج شاب من بنی هاشم بکفه

۱ - زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی علیه السلام ص ۵۵۵.

الیمنی خال ویاتی من خراسان برایات سود بین یدیہ شعیب بن صالح
یتاتل اصحاب السفیانی فیہزمہم.»

«جوانی از بنی هاشم (سید) از خراسان با پرچمهای سیاه قیام
می‌کند که در کف دست راست او خالی است (علامتی است) و
پیشاپیش او مردی بنام شعیب بن صالح است که با لشکریان سفیانی
می‌جنگد و آنها را شکست می‌دهد.»^۱

از جمله سوالاتی که پیرامون این دو شخصیت مطرح است این
است که آیا امکان دارد نام خراسانی و شعیب، دو نام سمبلیک و غیر
حقیقی باشند؟ در پاسخ باید گفت: اما نسبت به خراسانی روایات نام
او را ذکر نکرده‌اند و بنابراین دلیلی ندارد که رمز باشد بلی ممکن است
بگوییم نسبت ایشان به خراسان به این معنی نیست که حتماً اهل
استان خراسان فعلی باشد چون در صدر اسلام نسبت دادن به
خراسان به مشرق زمین اطلاق می‌شده است که شامل ایران و سایر
مناطق اسلامی متصل به آن که امروز تحت اشغال شوروی سابق است
می‌شود بنابراین شخص خراسانی اهل هر منطقه‌ای که از این محدوده
باشد نسبت او به خراسان صحیح است.^۲

نکته دیگر اینکه با توجه به نشانه‌ها و خصوصیات و صفات ذکر

۱ - الملاحم و الفتن ص ۵۲ باب ۹۷ طبع منشورات الرضی بنقل از زمینه سازان انقلاب
جهانی مهدی علیه السلام ص ۷۱۱ و جهان در آینده ص ۱۴۸. ۲ - عصر ظهور ص ۲۷۱.

شده برای خراسانی و مطلب فوق این صفات و نشانه‌ها بر مقام معظم رهبری ولی امر مسلمین جهان حضرت آیت الله العظمی سید علی حسینی خامنه‌ای (مدظله العالی) منطبق می‌باشد. (والله العالم)

اگر فرض کنیم منظور از نسبت دادن ایشان به خراسانی همان استان خراسان باشد ممکن است در ذهن خواننده محترم سوالی ایجاد شود مبنی بر اینکه ایشان متولد شهر خامنه تبریز می‌باشند و خراسانی نمی‌باشند که در پاسخ باید گفت: همچنان که در بخش مربوط به (قیام مردی از قم) در صفحات قبل آمد که منطبق است بر حضرت امام علیه السلام و توضیحات پیرامونی آن، مقام معظم رهبری نیز متولد خامنه تبریز بوده ولی چون مدتی را در خراسان ساکن بوده‌اند منتسب و مشهور به خراسانی می‌باشند و اگر فرض را بر این بنا نهیم که منظور از خراسان همان ایران می‌باشد باز منطبق بر ایشان خواهد بود.

(والله العالم)

سر خوش ز سبوی غم پنهانی خویشم

چون زلف تو سرگرم پریشانی خویشم

در بزم وصال تو نگویم زکم و بیش

چون آینه خود کرده‌ی حیرانی خویشم

لب باز نکردم به خروشی و فغانی

من محرم راز دل طوفانی خویشم

از شوق شکرخند لبش جان نسپر دم
شرمنده جانان ز گرانجانی خویشم
بشکسته تر از خویش ندیدم به همه عمر
افسرده دل از خویشم و زندانی خویشم
یک چند پشیمان شدم از رندی و مستی
عمری است پشیمان ز پشیمانی خویشم
هر چند (امین بسته ی دنیانیم اما
دل بسته ی یاران (خراسانی) خویشم^۱

اشارات:

همچنین در مراسم دیدار بسیجیان استان خراسان با مقام معظم رهبری در مشهد مقدس (لشکر ۵ - شهریور ماه ۷۸) سردار سر لشکر سید رحیم صفوی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مقام معظم رهبری را این چنین مورد خطاب قرار داده‌اند:

«ای سید خراسانی، این بسیجیانت امروز در اینجا جمع شده‌اند که با تو بیعت نموده و بگویند: با تو خواهند بود تا روزی که در رکاب امام زمانت علیه السلام شمشیر بزنند.»^۲

عشق زیبا رخ مستان جهان سید علی

ای که نامت همه جا ورد زبان سید علی

۱ - از مقام معظم رهبری (مدظله العالی) ۲ - ویژه نامه زنگ بیداری.

در خصوص شعیب بن صالح:

در خصوص مشخصات جسمانی شعیب، یوسف بن یحیای شافعی از امام مجتبی علیه السلام نقل می کند که:

«عن الحسن علیه السلام قال: يخرج بالری رجل ربهه اشم - مولى لبني تمیم - كوسج - يقال له شعیب بن صالح - فی اربعة آلاف ثيابهم بیض و رایاتهم سود یكون علی مقدمة المهدی - لا یلقاه احد الا قتله.»

امام حسن علیه السلام فرمود:

«مرد میان قامت گندم گونی است که از وابستگان بنی تمیم است و کوسه میباشد و شعیب بن صالح نام دارد با چهار هزار نفر که پیراهنهایشان سفید و پرچمهایشان سیاه است از شهر ری (یعنی: تهران) خروج می کند و او سردار سپاه و پرچمدار حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود هیچکس (در جنگ) با او روبرو نمی شود مگر اینکه وی او را شکست خواهد داد»^۱

در مورد کلمه کوسه و یا (کوسج) که در حدیث آمده است بر خلاف آنچه ما تا به حال شنیده و دانسته ایم که به اشخاص بی ریش و یا کم ریش گفته می شود آنگونه که در کتب لغت درباره معنای این کلمه آمده است (کوسه) به کسی گفته می شود که بیشتر محاسن و انبوهی

۱ - (عقد الدرر ص ۱۳۰ و ۱۳۱ بنقل از زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی علیه السلام ص ۷۰۸ و جهان در آینده ص ۱۴۹).

ریشش بر چانه اش باشد نه بر دو طرف صورت.^۱

* همچنین در خصوص شعیب بن صالح و علائم و خصوصیات که برای ایشان در احادیث و روایات ذکر گردیده این صفات و خصوصیات را نیز می توان بر سردار سرلشکر سید رحیم صفوی منطبق یافت از جمله:

او جوانی است گندم گونه و لاغر، دارای محاسنی کم پشت، صاحب بصیرت و یقین و اراده ای خلیل ناپذیر و از جنگاوران بنام و ممتاز و مردی است شکست ناپذیر اگر کوه در مقابلش بایستد آن را منهدم کرده و عبور می کند... همچنین بیشتر روایات تصریح دارند که شعیب بن صالح از ری (تهران) خروج می کند و با قبیله بنی تمیم نسبتی دارد و یا اینکه وی غلامی از بنی تمیم است به هر حال اگر این مطلب صحیح باشد احتمال دارد وی در اصل اهل جنوب ایران باشد زیرا در آنجا هنوز عشایری از قبیله های بنی تمیم وجود دارد.

و ایشان نیز طبق اظهارات خودشان، اهل خوزستان (که در جنوب کشورمان واقع است) و سمت فرماندهی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران را از طرف سید خراسانی عهده دار بوده و فعلاً در تهران ساکن میباشند. (و الله العالم)

۱ - (المنجد کتاب لغت بنقل از زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی علیه السلام ص ۷۰۸).

علائم الظهور در اشعار شاعر و عارف گرانقدر شاه

نعمت الله ولی کرمانی

و اما در اینجا قسمتی از اشعار شاعر و عارف گرانقدر استاد (شاه نعمت الله ولی) (متولد ۷۳۰ یا ۷۳۱ هجری در قصبه کوه بنان کرمان و متوفی ۸۲۷ یا ۸۳۴ هجری) که شامل پیشگوئی‌هایی از وقایع سالها و قرنهای گذشته تا قرن حاضر و از آن جمله آشکار شدن نایب مهدی علیه السلام (حضرت امام خمینی (ره)) و جانشین به حق ایشان مقام معظم رهبری (مدظله العالی) و ظهور پرشکوه حضرت مهدی علیه السلام و وقایع بعد از آن اعم از فرود آمدن حضرت عیسی علیه السلام از آسمان و... و تشکیل حکومت جهانی اسلام می‌باشد را از دید خواننده محترم می‌گذرانیم:

قدرت کردگار می‌بینم

حالت روزگار می‌بینم

حکم امسال صورتی دگر است

نه چو پیرارو پار می‌بینم

از نجوم این سخن نمی‌گویم

بلکه از کردگار می‌بینم

عین ورا ذال چون گذشت از سال

بوالعجب کاروبار می‌بینم

در خراسان و مصر و شام و عراق

فستنه و کارزار می بینم

همه را حال می شود دیگر

گر یکی ور هزار می بینم

گرد آینه ضمیر جهان

گرد و زنگ و غبار می بینم

ظلمت ظلم ظالمان دیار

بی حد و بی شمار می بینم

قصه ای بس غریب می شنوم

غصه ای در دیار می بینم

جنگ و آشوب و فتنه و بیداد

از زمین و یسار می بینم

غارت و قتل و لشکر بسیار

در میان و کنار می بینم

بنده را خواجه و ش همی یابم

خواجه را بنده وار می بینم

بس فرومایگان بی حاصل

عامل و خواندگار می بینم

هر که او پاریار بود امسال

خاطرش زیر بار می بینم

مذهب و دین ضعیف می یابم

مبتدع افتخار می بینم

سکه نوزند بر رخ زر

در همش کم عیار می بینم

دوستان عزیز هر قومی

گشته غمخوار و خوار می بینم

هر یک از حاکمان هفت اقلیم

دیگری را دچار می بینم

نصب و عزل بتکچی و عماد

هر یک را دو بار می بینم

ماه را رو سیاه می بینم

مهر را دل فکار می بینم

ترک و تاجیک را بهمدیگر

خصمی و گیرو دار می بینم

تاجر از دست دزد بی همراه

مانده در رهگذار می بینم

مکر و تزویر و حيله در هر جا

از صغار و کبار می بینم

حال هندو خراب می یابم

جور ترک و تترار می بینم

بتعه خیر سخت گشته خراب

جای شمع شرار می بینم

بعض اشجار بوستان جهان

بی بهار و ثمار می بینم

اندکی امن اگر بود آنروز

در حد کوهسار می بینم

همدمی و قناعت و گنجی

حالی اختیار می بینم

گرچه می بینم اینهمه غمها

شادی غم گسار می بینم

غم مخور ز آنکه من در این تشویش

خرمی وصل یار می بینم

بعد امسال و چند سال دگر

عالمی چون نگار می بینم

چون زمستان پنجمین بگذشت
ششمین خوش بهار می بینم
نایب مهدی آشکار شود
بلکه من آشکار می بینم
پادشاهی تمام دانی
سروری با وقار می بینم
هر کجا رو نهد به فضل الله
دشمنش خاکسار می بینم
بندگان جناب حضرت او
سر بسر تاجدار می بینم
تا چهل سال ای برادر من
دور آن شهریار می بینم
دور او چون شود تمام بکار
پسرش یادگار می بینم
پادشاه و امام هفت اقلیم
شاه عالی تبار می بینم
بعد از او خود امام خواهد بود
که جهان را مدار می بینم

میم و حامیم ودال می خوانم

نام آن نسامدار می بینم

صورت و سیرتش چو پیغمبر

علم و حلمش شعار می بینم

دین و دنیا از او شود معمور

خلق از او بختیار می بینم

ید و بیضا که باد پاینده

باز با ذوالفقار می بینم

مهدی وقت و عیسی دوران

هر دو را شهسوار می بینم

گلشن شرع را همی بویم

گل دین را به بار می بینم

این جهان را چو مصر می نگرم

عدل او را حصار می بینم

هفت باشد وزیر و سلطانم

همه را کامکار می بینم

عاصیان از امام معصوم

خجل و شرمسار می بینم

بر کف دست ساقی وحدت

بباده خوشگوار می بینم

غازی دوستان دشمن کش

همدم و یار غار می بینم

تبیغ آهن دلان زنگ زده

کند و بی اعتبار می بینم

زینت شرع و رونق اسلام

هر یکی را دوبار می بینم

گرگ با میش و شیر با آهو

در چرا برقرار می بینم

گنج کسری و نقد اسکندر

همه بر روی کار می بینم

ترک عیار مست می نگرم

خصم او در خمار می بینم

نعمت الله نشسته در کنجی

از همه برکنار می بینم^۱.

۱ - دیوان سید نور الدین شاه نعمت الله ولی ماهانی کرمانی با مقدمه استاد سعید نفیسی از چاپ سوم در سال ۱۳۴۱ شمسی توسط کتاب فروشی محمد حسن علمی.

توضیحاتی پیرامون اشعار:

به نظر می رسد منظور از بیت (چون زمستان پنجمین بگذشت... ششمین خوش بهار می بینم) گذشت پنج قرن و داخل شدن در قرن ششم باشد در این صورت ملاحظه می نمایم که اگر به قرن هشتم (و قسمتی از قرن نهم هجری) که استاد در آن می زیسته است شش قرن بیافزاییم به قرن چهاردهم (و قسمتی از قرن پانزدهم) می رسیم که با کمی دقت متوجه خواهید شد که حضرت امام علیه السلام نیز در اواخر قرن چهاردهم پیا خاستند و انقلاب اسلامی ایران نیز در اواخر قرن چهاردهم به پیروزی رسید که بیت مذکور دقت پیشگوییهای استاد را آشکار می سازد.

منظور از مصرع (نایب مهدی آشکار شود) حضرت امام خمینی علیه السلام بوده و در مصرع (پسرش یادگار می بینم) به احتمال قوی به مرحوم حاج سید احمد خمینی علیه السلام که بعد از درگذشت امام علیه السلام یادگار امام نامیده شدند اشاره می نماید و یا اشاره به بدست گرفتن زمام امور بعد از حضرت امام علیه السلام توسط مقام معظم رهبری (مدظله العالی) می باشد و همانطور که ملاحظه می گردد بعد از مقام معظم رهبری زمام امور به صاحب اصلی اش یعنی حضرت بقیه الله الاعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) تحویل داده می شود که احادیث وارده در این زمینه نیز به این امر تصریح نموده اند که در بخشهای قبلی یادآوری گردید (والله

العالم) و سپس فرود آمدن حضرت عیسی علیه السلام از آسمان به زمین و وقایع بعدی تا تشکیل حکومت جهانی مهدی علیه السلام و حکمرانی آن حضرت بر تمام موجودات عالم ان شاء الله که در بیتهای آخر به آنها اشاره گردیده است.

نتیجه گیری:

اگر کسی با دقت روایات وارده پیرامون نقش ایرانیان در زمان ظهور را مورد بررسی قرار دهد به دو نتیجه روشن می رسد:

اول اینکه بطور یقین از پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام مدح و ستایش درباره ایرانیان وارد شده است و هر چند تطبیق روایاتی که به بیان نقش تاریخی ایرانیان در حمل پرچم اسلام و خدمات علوم و تمدن آن پرداخته است با معیارهای ملی گرایی یا نژاد پرستی و یا شیعه و سنی خود به تحلیل و تحقیق پردازیم محال است که بتوانیم در نقش مشخص شده آنان در روایات مستفیضه نسبت به مهیا نمودن مقدمات حکومت حضرت مهدی علیه السلام مناقشه کنیم... این روایات به روشنی خبر می دهند که ظهور جهانی و وعده داده شده برای اسلام در آیاتی مانند (لیظهره علی الدین کله) در آخر الزمان از دو ناحیه بسوی قدس تحقق می یابد. یکی بسیج عمومی و نظامی از منطقه ایران که دارای جمعیتی انبوه و دارای ولایت و دوستی اهل بیت (ع) می باشند و جنبش دوم که از مکه مکرمه و حجاز آغاز می شود و

بدین سان هر دو حرکت عظیم در سرزمین عراق به یکدیگر پیوسته و به رهبری امام مهدی علیه السلام به سوی قدس پیش می روند.^۱

نتیجه دوم: اینکه ما هم اکنون در زمان ظهوری که روایات آن را توصیف کرده اند وارد شده ایم و مرحله اول آن، نهضت ایرانیان که مقدمه ظهور آن حضرت است توسط آن مرد از قم (امام خمینی رضی الله عنه) ان شاء الله تمام شده است و این انقلاب هدف خود را که آزادی قدس و نبرد با اسرائیل است به جهانیان اعلام نموده و اینک درگیر مشکلات و دشواریهایی است که دشمنان بر سر راهش ایجاد نموده اند... و مرحله دوم آن نیز که ظهور سید خراسانی (مقام معظم رهبری) و شعیب بن صالح (سردار سر لشکر سید رحیم صفوی) بوده به سمت فرماندهی سپاه ایران به وقوع پیوسته است ان شاء الله (والله العالم) که البته پس از ظهور، آن حضرت، شعیب بن صالح را به فرماندهی کل قوای خویش مفتخر خواهند نمود ان شاء الله.

در مورد زمان خروج خراسانی و شعیب نیز طبق روایات چنین آمده است:

«عن ابی بکر حضرمی عن ابی جعفر الباقر علیه السلام انه سمعه یقول: لا بد ان یملك بنو العباس فاذا ملکوا و اختلفوا و تشتت امرهم خرج علیهم الخراسانی و السفیانی هذا من المشرق و هذا من المغرب یتبقان الی الکوفة کفرسی رهان هذا من ههنا و هذا من ههنا حتی یکون هلاکهم علی ایدیها اما انهما

لا یبقون منهم احداً ابداً.»

ابی بکر حضرمی از امام باقر علیه السلام نقل می کند که حضرت فرمود:
 «بنی عباس بایستی به حکومت برسند و هنگامی که به حکومت رسیدند و به اختلاف افتادند و رشته کارشان از هم گسیخت خراسانی و سفیانی بر آنان خروج می کنند این از مشرق و آن از مغرب همچون دو اسب مسابقه به سوی کوفه از یکدیگر پیشی می گیرند این از اینجا و آن از آنجا تا آنکه نابودیشان بدست آن دو انجام می پذیرد همان که آن دو (سفیانی و خراسانی) یک نفر از آنان را (بنی عباس) بجای نخواهند گذاشت.»^۱

سؤال:

این اختلاف و گسیختگی حکومت در زمان کدام حاکم از بنی عباس خواهد بود؟

جواب:

در روایتی از امام صادق علیه السلام نام آخرین حاکم از بنی عباس (عبدالله) ذکر گردیده است که بدینصورت می باشد:

«عن ابا عبدالله علیه السلام : من یضمن لی موت عبدالله اضمن له القائم علیه السلام ثم قال علیه السلام : اذا مات عبدالله لم یجتمع الناس بعده علی احد ولم یتناه هذا الامر دون صاحبکم ان شاء الله و یرهب ملک سنین و یرمک الشهور و

۱ - غیبت نعمانی باب ۱۴ ش ۱۱ نقل از کتاب جهان در آینده ص ۱۲۹.

الایام فقلت: يطول ذلك قال: كلا.»

امام صادق علیه السلام فرمود: «کیست که ضامن شود برای من مرگ عبدالله را تا ضامن شوم برای او قائم علیه السلام را، سپس فرمود: هرگاه عبدالله بمیرد دیگر مردم بر کسی جمع نشوند و این امر منتهی نخواهد شد مگر بدست صاحب شما ان شاءالله و دیگر مدت حکومت سالها از بین می رود و مدت حکومتها، ماهها و روزها می شود راوی می گوید عرضه داشتم این خیلی طول می کشد؟ حضرت فرمود: هرگز.»^۱

و این احتمال وجود دارد که عبدالله مذکور در حدیث، ملک عبدالله ولیعهد فعلی عربستان باشد (والله العالم).

۱- بحریج ۵۲ ص ۲۱۰ و ۲۱۱ و جهان در آینده ص ۱۳۷.

بخش سوم:

بشارت‌های مقام معظم رهبری

در خصوص نزدیکی ظهور

آن حضرت (ع)

بشارتهای مقام معظم رهبری در خصوص نزدیکی ظهور آن حضرت علیه السلام

در این بخش قسمتهایی از سخنان گهربار مقام معظم رهبری این سید خراسانی و نائب برحق امام عصر علیه السلام که در خصوص نزدیکی ظهور آن حضرت بشارت داده‌اند و به یاران خراسانی خود دستور آماده باش صادر نموده‌اند نیز برای خواننده عزیز ذکر می‌گردد:

در مرداد ماه سال ۱۳۷۷:

در دیدار هزاران تن از آزادگان، جانبازان و خانواده‌های معظم شهدا و ایثارگران در قسمتی از بیاناتشان فرمودند:

(... اگر سختگیری بکنند آنها ضرر می‌کنند اگر فشار وارد بیاورند آنها ضرر می‌کنند اگر حمله بکنند آنها ضرر می‌کنند چون جوهر ایستادگی و مقاومت در یک ملت جوهر نفیس و گرانبگری است. با همین جوهر است که ملت ایران به فضل پروردگار با هدایت الهی، با کمکهای معنوی غیبی و با ادعیه زاکیه و هدایت‌های معنوی ولی الله الاعظم (ارواحنا فداه) خواهد توانست تمدن اسلامی را بار دیگر در عالم سر بلند کند و کاخ با عظمت تمدن اسلامی را برافراشته نماید

این آینده قطعی شماست. جوانان خودشان را برای این حرکت عظیم آماده کنند. نیروهای مؤمن و مخلص این را هدف قرار بدهند.

البته در داخل کشور کارهای زیادی وجود دارد که باید انجام بگیرد در داخل کشور حرکات عظیمی است که بعهدہ مسئولان است و باید با کمک مردم کارهای بزرگی را انجام بدهند و کشور را بسازند، هم نوسازی مادی، هم نوسازی معنوی و فرهنگی، هم تأمین و استقرار عدالت اجتماعی و هم از بین بردن فقر و محرومیت و بی سوادى و تبعیض و جلوگیری از رشد خصلتهای منفی در جامعه. اینها کارهایی است که باید انجام گیرد وقتی که این کارها شد، حرکت عظیم مردم و آن جوهر معنوی انقلاب خواهد توانست کار خود را بکند. به فضل الهی بشریت شاهد آن روز خواهد بود و شما جوانان به کمک خدا و به امید او آن روز را خواهید دید و به دست خودتان ان شاء الله آن روز را خواهید ساخت...^۱

بیدار شو ای یار از این خواب گران

بنگر رخ دوست را بهر ذره عیان

تا خوابی، در خودی خود پنهانی

خورشید جهان بود ز چشم تو پنهان^۲

۱ - روزنامه کیهان مورخه ۱۳۷۷/۵/۲۰ - دیوان حضرت امام علیه السلام.

و در آذر ماه ۱۳۷۸ در جشن بزرگ منتظران ظهور در جمع دهها هزار بسیجی در مورد نزدیکی ظهور حضرت ولی عصر(عج) چنین بیان داشتند:

(...امروز، هم بشریت بیش از بسیاری از دورانهای تاریخی دچار ظلم و جور است، هم پیشرفتی که امروز بشریت کرده است، معرفت پیشرفته‌تر است ما به زمان ظهور امام زمان (ارواحنا فداه) این محبوب حقیقی انسانها نزدیک شده‌ایم زیرا معرفتها پیشرفت کرده است...)^۱

و در سال ۷۹ در مراسم جشن میلاد حضرت مهدی علیه السلام چنین فرمودند:

(جهان اسلام در آینده نه چندان دور، طعم شیرین عدالت را خواهد چشید).^۲

و در جایی دیگر نیز فرمودند که:

«قرن آینده میلادی (قرن ۲۱) قرن اسلام است.»

همچنین در مورخه ۲۴ اسفند ۱۳۷۹ در دیدار اقشار مختلف مردم در عید غدیر اظهار داشتند که:

«...این راهی که اسلام و قرآن و خط غدیر ترسیم کرده یک راه

۱ - روزنامه جمهوری اسلامی مورخه ۱۳۷۸/۹/۳. ۲ - روزنامه کیهان مورخه ۱۳۷۹/۱/۱.

روشن است راهی است که با استدلال و فلسفه مستحکمی ترسیم شده و روندگان بسیار بزرگ و عظیم المنزلی پیدا کرده است امروز هم خوشبختانه این راه در دنیا مطرح است دیگر ما در تنهایی و عزلت نیستیم امروز ما در مرکز و محور توجه مردم جهان بخصوص کشورهای اسلامی هستیم راه، راه خوش عاقبت و روشنی است با تلاش مسئولان و با امید و پشتیبانی قشرهای مختلف مردم بایستی قدم به قدم این راه را طی کنیم و پیش برویم این راه گرچه کوتاه مدت نیست اما همان راهی است که بالاخره به نجات بشریت منتهی خواهد شد. همان راهی است که ان شاء الله زمینه‌های ظهور مهدی موعود علیه السلام را فراهم خواهد کرد.^۱

میلا دگل و بهار جان آمد	برخیز که عید می کشان آمد
خاموش مباش زیر این خرقه	برجان جهان دوباره جان آمد
برگیر به دست پرچم عشاق	فرمانده ملک لامکان آمد
گلزار ز عیش لاله باران شد	سلطان زمین و آسمان آمد
با یار بگو که پرده بردارد	هین عاشق آخر الزمان آمد

آماده امر و نهی و فرمان باش

هشدار که منجی جهان آمد.^۲

۱ - روزنامه کیهان مورخه ۱۳۷۹/۱۲/۲۵. ۲ - دیوان امام علیه السلام.

دل را ز بی خودی سر از خود رمیدن است
جان راه‌رای از قفس تن پریدن است
از بیم مرگ نیست که سرداده‌ام فغان
بانگ جرس ز شوق بمنزل رسیدن است
دستم نمیرسد که دل از سینه برکنم
بسازی علاج شوق گریبان دریدن است
شامم سیه‌تر است ز گیسوی سرکشت
خورشید من بر آبی که وقت دمیدن است
سوی تو ای خلاصه گلزار زندگی
مرغ ننگه در آرزوی پر کشیدن است
بگرفت آب و رنگ ز فیض حضور تو
هر گل در این چمن که سزاوار دیدن است
با اهل درد شرح غم خود نمی‌کنم
تقدیر غصه دل من ناشنیدن است
آنرا که لب به جام هوس گشت آشکار
روزی (امین) سزالب حسرت گزیدن است.^۱
این بود خلاصه‌ای از اخبار و روایات اهل بیت عصمت و
طهارت علیهم‌السلام در رابطه با قیام دینی و حرکت اسلامی ایرانیان (یعنی:
زمینه سازان دولت جهانی مهدی علیه‌السلام) و قیام جهانی آن حضرت که با

همه کسی بضاعت علمی در حد توان خویش فشرده‌ای از آنها را در این مجمرعه مختصر گردآوری نمودیم و البته آنچه را که ما تا بدینجا آوردیم قطره‌ای از قطرات دریای بیکران علوم اهل بیت عصمت و طهارت (ع) است که ما آنرا در حد توان خویش گردآوری نموده و با یک جمع بندی کلی در اختیار شما خوانندگان گرامی قرار دادیم و امیداوریم با این خدمت ناچیز توانسته باشیم گامی هر چند کوچک به سوی کشف حقیقت برداشته باشیم و امید است مورد قبول حضرت ولی عصر (عج) قرار گرفته باشد.

پس شما ای خواننده عزیز امید است که با زنگ بیداری که به صدا در آورده شد از خواب غفلت بیرون آمده و خود را جهت قیام جهانی مهدی فاطمه (علیهما السلام) آماده نمایید (ان شاء الله).

و سخن آخر اینک:

خواندن دعای عهد و ندبه فراموش نشود چرا که از حضرت امام صادق علیه السلام منقول است که هر کس چهل صباح این دعا (دعای عهد) را بخواند از یاوران قائم ما باشد و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد خداوند او را از قبر بیرون آورد و در خدمت آن حضرت باشد و حق تعالی به هر کلمه هزار حسنه او را کرامت فرماید و هزار گناه از او محو کند. (التماس دعا)

«و من الله التوفیق» ❀

منابع و مأخذ:

بحار الانوار ج ۵۱ نوشته علامه مجلسی

بحار الانوار ج ۵۲ نوشته علامه مجلسی

بحار الانوار ج ۵۳ نوشته علامه مجلسی

بحار الانوار ج ۶۰ نوشته علامه مجلسی

بحار الانوار ج ۶۸ نوشته علامه مجلسی

الغیبه نوشته محمد بن ابراهیم نعمانی

خدمات متقابل اسلام و ایران اثر استاد شهید علامه مرتضی مطهری

نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر اثر استاد شهید علامه مرتضی مطهری

عصر ظهور نوشته علی کورانی

الممهدون للمهدی علیه السلام نوشته علی کورانی

جهان در آینده یا علائم الظهور حضرت مهدی علیه السلام نوشته سید محمد حسن

موسوی کاشانی

حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه قرآن و عترت نوشته محمود شریعت زاده خراسانی

زمینه سازان انقلاب جهانی مهدی علیه السلام نوشته سید اسد الله شهیدی
تداوم انقلاب اسلامی ایران تا انقلاب جهانی مهدی علیه السلام نوشته محمدی ری شهری
نشانه‌های ظهور نوشته سید علی اصغر سادات مدنی
انقلاب اسلامی ایران در آیات و روایات نوشته علی اکبر ذاکری
گل واژه‌های پاکان احادیثی از چهارده معصوم علیهم السلام نوشته ناصر پاک پرور
ویژه نامه زنگ بیداری، نوشته احمد اولیائی
دیوان شاه نعمت الله ولی ماهانی کرمانی چاپ سوم سال ۱۳۴۱ شمسی
دیوان امام علیه السلام.

روزنامه کیهان مورخه ۱۳۷۷/۵

روزنامه جمهوری اسلامی مورخه ۱۳۷۸/۹/۳

روزنامه کیهان مورخه ۱۳۷۹/۱۲/۲۵

روزنامه کیهان مورخه ۱۳۷۹/۸

نوار کاست سخنرانی حضرت امام علیه السلام در سال ۱۳۴۲ از آرشیو صدا و سیما.